



## بهارستان ۱۲

مروری بر مختصات دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

جمعی از نویسندگان

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

- دی ماه ۱۴۰۲ -

---

## بهارستان ۱۲

مروری بر مختصات دوازدهمین دوره

انتخابات مجلس شورای اسلامی

جمعی از نویسندگان

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مرکز چاپ حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه

✪ چاپ اول: دی ماه ۱۴۰۲ ✪ شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

---

## فهرست مطالب

مقدمه	۷
<b>گفتار اول: اهمیت انتخابات ۱۴۰۲</b>	۱۱
۱. کارویژه‌های انتخابات	۱۲
۲. اهمیت انتخابات ۱۴۰۲	۱۵
<b>گفتار دوم: جایگاه و اهمیت مجلس شورای اسلامی</b>	۱۹
۱. ساختار قوه مقننه	۲۱
۲. وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی	۲۲
۳. بایسته‌های مجلس طراز انقلاب اسلامی	۲۵
<b>گفتار سوم: آموزه‌های انتخاباتی و مردم‌سالارانه بنیانگذار</b>	۳۳
۱. مردم‌پشتوانه حکومت	۳۴
۲. باور قلبی به مردم	۳۶
۳. ولی نعمتان جامعه	۳۸
۴. بی‌تفاوت نباشید نسبت به سرنوشت	۴۰
۵. میزان رأی ملت است	۴۲
۶. مردم احتیاج به قیم ندارند!	۴۴

۷. حضور نیافتن در انتخابات در رأس گناهان کبیره ..... ۴۶
۸. شرکت در انتخابات تحت هر شرایط ..... ۴۹
۹. اصلح‌گزینی و شایسته‌سالاری ..... ۵۱
۱۰. شاخص اصلح ..... ۵۳
۱۱. صیانت از آرای ملت ..... ۵۵
۱۲. مجلس در رأس امور ..... ۵۷
- گفتار چهارم: انتخابات مطلوب در نگاه امام خامنه‌ای ..... ۵۹**
۱. انتخاباتی پرشور و با مشارکت همگانی ..... ۵۹
۲. انتخاباتی آرام و امن ..... ۶۳
۳. انتخاباتی سالم و بی‌شائبه ..... ۶۵
۴. انتخاباتی در چارچوب قانون ..... ۶۹
۵. انتخاباتی رقابتی ..... ۷۰
۶. انتخاباتی اخلاقی ..... ۷۵
۷. انتخاباتی شایسته‌سالار ..... ۷۷
- گفتار پنجم: اصلح‌گزینی در نگاه امام خامنه‌ای ..... ۸۱**
۱. نظام اسلامی؛ نظام حاکمیت معیارها ..... ۸۱
۲. نظام اسلامی؛ نظام انتخاب اصلح ..... ۸۳
۳. اصلح‌گزینی و کارآمدی ..... ۸۵
۴. وظیفه شرعی‌گزینش اصلح ..... ۸۷
۵. حجت شرعی برای رای به اصلح ..... ۸۷
۶. پرهیز از وسواس در انتخاب اصلح ..... ۸۸
۷. انتخاب اصلح؛ هنر مردم ..... ۸۹
۸. تکثر گزینه‌های اصلح ..... ۹۰

۹. اصلح گزینی عامل وحدت نه افتراق ..... ۹۰
۱۰. شاخص های نماینده اصلح ..... ۹۱
۱۱. شاخص های نماینده انقلابی ..... ۹۳
- گفتار ششم: رقابت های ادوار انتخابات مجلس ..... ۹۹**
- انتخابات مجلس اول ..... ۱۰۰
- انتخابات مجلس دوم ..... ۱۰۲
- انتخابات مجلس سوم ..... ۱۰۶
- انتخابات مجلس چهارم ..... ۱۰۹
- انتخابات مجلس پنجم ..... ۱۱۳
- انتخابات مجلس ششم ..... ۱۱۸
- انتخابات مجلس هفتم ..... ۱۲۱
- انتخابات مجلس هشتم ..... ۱۲۶
- انتخابات مجلس نهم ..... ۱۲۹
- انتخابات مجلس دهم ..... ۱۳۱
- انتخابات مجلس یازدهم ..... ۱۳۲
- گفتار هفتم: راهبرد مشارکت حداکثری ..... ۱۳۵**
۱. مفهوم مشارکت سیاسی ..... ۱۳۵
۲. سطوح مشارکت سیاسی ..... ۱۳۷
۳. مشارکت سیاسی حق یا تکلیف؟ ..... ۱۴۰
۴. عوامل مؤثر در کاهش مشارکت سیاسی ..... ۱۴۲
۵. راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی ..... ۱۴۴
- گفتار هشتم: اصولگرایان در انتخابات ..... ۱۴۹**
۱. مسائل و مناقشات پیش رو ..... ۱۴۹

۱۵۲	۲. فرصت‌ها و ظرفیت‌ها
۱۵۸	۳. راهبردهای انتخاباتی و اضلاع اصولگرایی
۱۶۴	۴. تاکتیک‌های انتخاباتی - اقدامات عملیاتی
۱۶۷	<b>گفتار نهم: اصلاح‌طلبان در انتخابات</b>
۱۶۷	۱. مسائل و مناقشات پیش‌رو
۱۷۴	۲. فرصت‌ها و ظرفیت‌ها
۱۷۸	۳. راهبردهای انتخاباتی و اضلاع اصلاح‌طلبی
۱۸۸	۴. تاکتیک‌های انتخاباتی - اقدامات عملیاتی
۱۹۶	<b>گفتار دهم: سناریوهای دشمن در انتخابات</b>
۱۹۷	۱. راهبرد کاهش مشارکت
۱۹۸	۲. بی‌اعتبارسازی انتخابات
۱۹۹	۳. ناکارآمدسازی انتخابات

## مقدمه

انقلاب اسلامی را می‌توان مردمی‌ترین انقلاب تاریخ دانست که همه امور و مراحل آن با حضور تمام عیار مردم محقق شد. این نقش‌آفرینی در تداوم راه انقلاب و پس از شکل‌گیری جمهوری اسلامی نیز دنبال شد و مردم ارکان قدرت را در عرصه حکمرانی در دست گرفتند.

حضرت امام(ره) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امور کشور را به مردم سپردند و با برگزاری انتخابات متعدد از آنها خواستند تا در ساختن کشور سهیم باشند. اوج این نگاه «مردم‌سالار» را می‌توان در اظهارات ایشان خطاب به مخالفان در آستانه شکل‌گیری مجلس خبرگان قانون اساسی مشاهده کرد که با صراحت اعلام می‌دارد: «مجلس مؤسسان اگر اعتبار دارد برای این است که مجلس مبعوث از ملت است. خود ملت، حق ندارد رأی بدهد، لکن وکیل ملت حق دارد؟! این چه غلطی است. خود من حق ندارم تصرف بکنم در مالم، وکیل من حق دارد؟! خود شما حق ندارید رأی بدهید، وکیل شما حق دارد؟! وکلا برای این حق دارند که وکیل شما هستند و الا چه حقی دارند، یک نفر چه حقی دارد برای ۳۵ میلیونی جمعیت رأی بدهد؟ این حق برای این است که شما می‌خواهید رأی بدهید، رأی

شماست، میزان رأی ملت است، ملت یک وقت خودش رأی می‌دهد، این اساس، یک وقت یک عده‌ای را تعیین می‌کند که آنها رأی بدهند، آن در مرتبه دوم صحیح است، و الاً مرتبه اول، حق مال خود ملت است.» (۵۸/۳/۲۵)

از همین اظهارات بود که گزاره «میزان رأی ملت است» بر سر زبان‌ها افتاد و به عنوان یکی از آموزه‌های اساسی مکتب سیاسی حضرت امام (ره) مورد توجه قرار گرفت. امروز بعد از گذشت ۴۵ سال، همچنان میزان رأی ملت است و هیچ کس نتوانسته خللی در آن ایجاد کند و تحقق عینی آن را می‌توان در انتخاباتی دنبال کرد که در اسفندماه امسال برگزار خواهد شد.

تحقق چنین دکترینی نیازمند اعتمادی عمیق به مردم است و واقعیت آن است که امام (ره) چنین بودند و «همیشه، مردم در چشم امام، اصل بودند.» (۷۱/۳/۱۴) به تعبیر رهبر حکیم انقلاب: «یکی از بزرگ‌ترین هنرهای امام راحل ما این بود که نیروی مردم را شناخت و آن را کشف کرد و از آن بهره گرفت؛ و به مردم اعتماد کرد.» (۸۵/۵/۳۱) باوری که شاگرد خلف حضرت امام (ره) در طول بیش از سه دهه زعامت، آن را در جمهوری اسلامی نهادینه کردند.

امروز انتخابات یک از مهم‌ترین تجلیگاه‌های تحقق مردم‌سالاری دینی است. جایی که تدبیر امور کارگزاران نظام اسلامی به اراده و انتخاب مردم سپرده شده است. در این مسیر همه مسئولان کشور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق مردم انتخاب می‌شوند.

بزرگان انقلاب اسلامی نیز همواره تلاش کرده‌اند تا بستر انتخابات به نحوی باشد که همه مردم در انتخابات مشارکت کنند، پای صندوق حاضر شوند و انتخاب خود را انجام دهند. دعوت به مشارکت پرشور و حداکثری، تلاشی برای مشارکت همه ایرانیان در انتخابات است که در اکثریت انتخاب‌های ۴۵ سال



گذشته که آمار آن در اسفندماه به ۴۰ خواهد رسید، با پاسخ مثبت ملت بصیر ایران همراه بوده است.

امام خامنه‌ای در ابتدای امسال با تاکید بر اهمیت انتخابات ۱۴۰۲، از مسئولان و دست‌اندرکاران خواست تا راهبرد مشارکت، راهبرد امنیت، راهبرد سلامت و راهبرد رقابت در انتخابات را دنبال کنند. خط مشی و سیاستی که از سوی نظام اسلامی در ماه‌های اخیر دنبال شده است.

در این میان خط دشمن جلوگیری از تحقق مشارکت پرشور در محیط امن و آرام است و در ماه‌های اخیر با همه توان برای تحقق آن به میدان آمده است و پایه فعالیت خود را بر جنگ شناختی - رسانه‌ای گذاشته تا جامعه را نسبت به انتخابات و آینده کشور ناامید کند و همچنین پروژه بی‌اعتمادسازی را علیه نظام اسلامی دنبال کند تا بین مردم و مسئولان نظام اسلامی فاصله بیندازد.

در این میان آنکه نقش‌آفرین اصلی این میدان است، ملتی است که در طول ۴۵ سال گذشته همواره هوشیاری و بصیرت خود را در تشخیص رسالت تاریخی‌اش نشان داده و در بزنگاه‌های مختلف نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کرده است.

کتاب «بهارستان دوازدهم»، با تلاش جمعی از کارشناسان معاونت سیاسی در راستای مأموریت جهاد تبیین تدوین شده و تلاشی است تا خوانندگان محترم با مختصات و ابعاد گوناگون دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی بیشتر آشنا شده و مبتنی بر آن در شکل‌گیری انتخاباتی پرشور و در تراز جمهوری اسلامی نقش‌آفرین باشند.

**معاونت سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

**دی ماه ۱۴۰۲**



## گفتار اول: اهمیت انتخابات ۱۴۰۲

شرکت در انتخابات عام‌ترین، سهل‌ترین و کم‌هزینه‌ترین نوع مشارکت سیاسی است و یکی از معیارهای مناسب برای کشف میزان مشارکت سیاسی مردم ولو به شکل کمی آن است و تا حدودی انگیزه‌ها و عوامل تشدیدکننده مشارکت را در عرصه فعالیت‌های سیاسی نشان می‌دهد. انتخابات هرچند اولین سطح مشارکت سیاسی است، اما از آنجا که فراگیرترین سطح آن است، مهم‌ترین آن نیز هست و یکی از ملاک‌ها و معیارهای مهم برای ارزیابی سلامت نظام‌های سیاسی به حساب می‌آید. در همه انتخابات‌های جمهوری اسلامی تنها شرط لازم برای مشارکت سیاسی داشتن تابعیت و شرایط سنی است و همه آنهایی که ۱۸ سال دارند و دارای شناسنامه ایرانی هستند، با گرایش‌های مختلف فکری - سیاسی می‌توانند در انتخابات حاضر باشند.

## ۱. کارویژه‌های انتخابات

انتخابات در نظام مردم‌سالار دینی دارای کارکردها و کارویژه‌های ممتازی است که اهمیت انتخابات و ضرورت توجه به آن را بیش از پیش آشکار می‌کند. نظام اسلامی به تمامی انتخابات‌ها به مثابه فرصتی برای تقویت ارکان نظام مردم‌سالار اسلامی نگاه کرده و خواهان آن است که انتخابات به شایسته‌ترین حالت برگزار شود. در مروری مختصر به مسئله می‌توان موارد زیر را به عنوان اهم کارویژه‌های انتخابات برشمرد:

۱- انتخابات به عنوان عالی‌ترین مظهر حضور مردم در عرصه سیاسی و مهم‌ترین مجرای تحقق حاکمیت مردم است. نظام‌های مردم‌سالار؛ نظام حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش، نظام داشتن حکومتی برخاسته از مردم و پاسخگو در برابر مردم است.

۲- انتخابات فرصتی است برای مردم که نظر خودشان را نسبت به شیوه حکومت و مدیریت یک دولت ابراز کنند و اگر نارضایتی به آن داشته باشند، کسی یا گروهی دیگر را که صالح‌تر و با کفایت‌تر می‌شناسند، جایگزین کنند. بدین وسیله سیستم سیاسی رو به اصلاح و بهبودی و تکامل تدریجی پیش می‌رود.

۳- یکی از مهم‌ترین کارکردهای انتخابات، قاعده‌مند کردن انتقال قدرت سیاسی از گروهی به گروه دیگر است. فقدان قاعده‌ای برای انتقال و توزیع قدرت سیاسی و مسئولیت اداره جامعه، مصائب سیاسی گوناگونی به دنبال می‌آورد. ایمان به وجود و کارکرد انتخابات به گروه‌هایی که برای تصاحب قدرت سیاسی رقابت می‌کنند، تضمین می‌دهد که بهترین راه و شیوه کسب قدرت، حضور در انتخابات است. کسب قدرت از راه انتخابات ضمن دارا بودن مشروعیت لازم از سوی مردم، مسالمت‌آمیزترین شیوه در رسیدن به اریکه قدرت است.

۴- انتخابات زمینه‌های لازم برای چرخش نخبگان و دگرگونی در بخش‌هایی از گروه حاکمه را به طور مستمر فراهم می‌کند. در یک نظام مردم‌سالار قدرت در چرخش است و به طور مداوم دست به دست می‌گردد و هیچ کس برای همیشه از دستیابی به قدرت محروم نمی‌شود.

۵- برگزاری انتخابات مشارکت‌آمیز و رقابتی، احساس مسئولیت نظام در مقابل خواست‌های جامعه را افزایش می‌دهد. انتخابات موجب افزایش احساس مسئولیت حاکمان در مقابل خواست‌های جامعه می‌شود.

۶- انتخابات و فضا و شور رقابتی پیش از آن موجب افزایش آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی ملت شده و فضای مناظرات و میتینگ‌های تبلیغاتی نامزدها، زمینه آگاهی مردم از وضعیت کشور در حوزه‌های مختلف را فراهم می‌آورد.

۷- سازماندهی انتخابات واقعی با افزایش مشارکت و گسترش رقابت سیاسی بین گروه‌های گوناگون سیاسی - اجتماعی، بستری مناسب برای رقابت تشکلی موجود در جامعه به وجود می‌آورد و حتی شرایط و زمینه‌های لازم برای ظهور گروه‌های جدید سیاسی اجتماعی فراهم می‌شود.

بر این اساس انتخابات به عنوان عرصه مبارزه در رقابت گروه‌ها با بسط علایق سیاسی در بین آحاد مردم، می‌تواند آنها را به حقوق سیاسی خودشان آشنا کرده و باور شهروندان را به رعایت ارزش‌های مردم‌سالارانه تقویت کند و از طرف دیگر رقابت مسالمت‌آمیز بین گروه‌های سیاسی را برای تصاحب قدرت نهادینه کرده و موجب تقویت آنها شود.

۸- انتخابات متضمن تحول در کشور است؛ به نحوی که صاحبان دیدگاه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی و فرهنگی فرصت یابند تا دیدگاه‌های خود را در این میدان عرضه کنند و با کسب رضایت و رأی ملت خود را در مسند قدرت بیابند و تحول مدنظر خود را عملیاتی کنند. لذا همه آنهایی که از تحول در

کشور سخن می‌گویند و حرفی برای گفتن دارند، باید تحقق اراده خود را از طریق انتخابات جست‌وجو کنند.

۹- یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های انتخابات، تقویت وحدت و انسجام ملی است. انتخابات آنجایی است که همه ملت در فعالیتی فراگیر و مبتنی بر قانون تصمیم به نقش‌آفرینی گرفته و در عین حال که ممکن است انتخاب‌هایی متفاوت داشته باشند، اما همدلانه بر امری قانونی تأکید کرده و در چارچوب آن به بازی مشغولند و در نهایت همگی نتایج این رقابت را پذیرفته و پیروز انتخابات را به رسمیت می‌شناسند.

۱۰- کارویژه مهم دیگر انتخابات تقویت امنیت ملی است. به واقع مشارکت همگانی در انتخابات یکی از مهم‌ترین مقوم‌های امنیت در نظام‌های مردم‌سالار است؛ نظام‌هایی که مهم‌ترین رکن حاکمیت خود را مردم و اراده آن گذاشته‌اند. تقویت امنیت ملی می‌تواند موجب خنثی‌سازی توطئه‌ها و تهدیدات دشمنان شود و باعث افزایش اقتدار نظام شده، دستاوردهای مختلفی در سطح منطقه و نظام بین‌الملل برای کشور رقم بزند.

۱۱- انتخابات در جمهوری اسلامی تنها مسیر تحقق «جمهوریت» و «اسلامیت» است و تحقق عینی آن را تضمین می‌کند. به فرموده رهبر حکیم انقلاب: «هر دو کلمه «جمهوری» و «اسلامی» وابسته به انتخابات است. «جمهوری» یعنی مردم‌سالاری، یعنی حاکمیت کشور به دست مردم. خب مردم چه جوری در حاکمیت دخالت کنند؟ هیچ راهی به جز انتخابات وجود ندارد. بعضی‌ها در مورد لزوم انتخابات اشکال‌تراشی می‌کنند، [مردم را] دلسرد می‌کنند، توجه نمی‌کنند که اگر انتخابات در کشور نباشد، یا دیکتاتوری است یا هرج‌ومرج و ناامنی است. آن چیزی که جلوی بروز دیکتاتوری را در کشور می‌گیرد انتخابات است؛ آن چیزی که جلوی هرج‌ومرج و اغتشاش و ناامنی را می‌گیرد انتخابات است.

انتخابات آن مسیر صحیحی است که مردم می‌توانند به وسیله آن و از آن مسیر، حاکمیت ملی را، مردم‌سالاری را، جمهوریت را در کشور تأمین کنند. این، مسئله جمهوریت.

انتخابات می‌تواند ولی‌فقیه در کشور انتخاب بکند و به وجود بیاورد، یعنی اسلامیت را تأمین کند. انتخابات می‌تواند نمایندگان را در مجلس شورای اسلامی مستقر کند که طبق مقررات اسلامی و معارف اسلامی، برای مدیریت کشور قوانین تدوین کنند. پس بنابراین، هم جمهوریت و هم اسلامیت، متکی به انتخابات است.» (۱۴۰۲/۱۰/۲)

## ۲. اهمیت انتخابات ۱۴۰۲

همه انتخابات‌های کشور در زمان برگزاری‌شان با شرایط محیطی خاصی مواجه بوده‌اند که اهمیت آن انتخابات را تعریف و مشخص کرده است. با این نگاه است که می‌توان گفت آنچه در اسفندماه ۱۴۰۲ رقم خواهد خورد، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با ادوار انتخابات مجلس دارد و اهمیت این انتخابات را مشخص می‌کند.

### ۱. برگزاری دو انتخابات: اولین نکته در باب اهمیت این انتخابات آن

است که به واقع ما با دو انتخابات مواجه هستیم. انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری. دومی اگر از اولی مهم‌تر نباشد، کم اهمیت‌تر نیست. انتخاباتی که هر هشت سال یک بار برگزار می‌شود و این دوره نیز به طور همزمان برگزار خواهد شد. تأثیر متقابل این دو انتخابات می‌تواند روندهای انتخابات را متفاوت از دور گذشته کند. همچنین می‌تواند به شور هر دو انتخابات بیفزاید و حتی موجب افزایش مشارکت شود. به هر حال، در این دوره با حضور در پای صندوق رأی، دو وظیفه از وظایف سیاسی شهروندی انجام می‌شود که این خود

می‌تواند حائز اهمیت باشد.

## ۲. انتخابات ۱۴۰۲، مقدمه انتخابات ۱۴۰۴: نکته دیگر قابل ملاحظه

در این انتخابات را باید در اثرگذاری انتخابات ۱۴۰۲ مجلس بر انتخابات ۱۴۰۴ ریاست جمهوری جست‌وجو کرد. واقعیت آن است که پس از برگزاری انتخابات در اسفندماه، احتمالاً بخش دیگری از تعیین سرنوشت حوزه‌های انتخاباتی به مرحله دوم کشیده خواهد شد که در اردیبهشت ماه این امر ممکن خواهد شد. بعد از آن است که در خردادماه مجلس دوازدهم شکل خواهد گرفت و این در حالی است که تنها کمتر از یک سال با انتخابات ریاست جمهوری فاصله است و رقابت‌های سیاسی آن به تدریج در حال آغاز شدن است. بدون شک، پیروز انتخابات اسفند ۱۴۰۲ دست برتر را در انتخابات ۱۴۰۴ خواهد داشت و بازنده می‌تواند خود را بازنده ببیند! همین امر است که نتیجه این انتخابات حتی تکلیف صندلی ریاست جمهوری را نیز به نحوی مشخص می‌کند.

## ۳. همسویی مجلس و دولت انقلابی: هماهنگی و همسویی فکری

مجلس و دولت فرصتی است که می‌تواند موجب هم‌افزایی توان کشور برای پیشرفت و آبادانی کشور شود و بستر را برای تسریع در حل مشکلات کشور هموار کند. از آن سو واگرایی و فاصله سیاسی میان مجلس و دولت بخشی از توان کشور را صرف رقابت‌های سیاسی و عدم همکاری حداکثری خواهد کرد. لذا شکل‌گیری یک مجلس انقلابی می‌تواند پشتیبان و کمک‌یار دولت انقلاب در خدمت‌رسانی به ملت شود و واگرایی و فاصله این دو بخشی از توان دولت را کاهش خواهد داد.

## ۴. ریشه‌کنی بلوای پاییزی ۱۴۰۱: برای فهم تفاوت دیگر این

انتخابات با ادوار آن باید به حوادثی اشاره کرد که در پاییز سال گذشته، ذهن جامعه را مکدر و بخشی از توان جامعه را صرف کرد و جز خسارات برای کشور



دستاوردی نداشت. سناریویی طرح‌ریزی شده که اعتماد ملت و اعتبار نظام را نشانه رفته بود و متأسفانه در این مسیر تلفاتی را نیز به دست آورد!

بلوای پاییزی، فضای سیاسی جدیدی در کشور ایجاد کرده و بر حساسیت انتخابات پیش رو افزوده است. خط بلوا و دوقطبی‌سازی در کشور و ناآرام‌سازی خیابان هر چند با بصیرت و عدم همراهی اکثریت ملت دچار زوال شد و با حماسه بزرگ ملت در راهپیمایی ۲۲ بهمن به محاق رفت، اما سناریوی دشمن برای بازگرداندن ناآرامی، هنوز تمام نشده است. در این مسیر تلاش‌های صورت گرفته برای ایجاد تلاطم در بازار ارز و بازی کثیف ایجاد مسموم‌سازی مدارس و مضطرب کردن خانواده‌های دانش‌آموزان، اقداماتی بود که دشمن طراحی کرده بود. ترفندهایی سیاسی که اقدام پایانی دشمن نیست و در برابر ترفندهای جدید باید هوشیار بود.

در ماه‌های باقی مانده تا انتخابات، دشمن تلاش خواهد کرد تا مانع تحقق انتخابات مطلوب نظام اسلامی شود. از مشارکت گسترده مردم بکاهد، فضای انتخابات را ناامن کند، سلامت انتخابات را زیر سؤال ببرد، روند قانونی انتخابات را مخدوش کند، مانع از گرمی بازار رقابت در انتخابات شود، جمعی از طیف‌های سیاسی را به تحریم انتخابات سوق دهد، رقابت‌های انتخاباتی را از دایره اخلاق خارج سازد و از نشستن شایستگان بر مسند قدرت جلوگیری کند! اینها بخشی از خواب‌ها و توهمات دور از دسترسی است که در سر می‌پروراند، اما برای تحقق آن حاضر است هزینه‌های گزافی پرداخت کند! لذا باید در مقابل ترفندهای دشمن هوشیار بود و هرگونه حرکت در این مسیر را مهار کرد.

با فهم این اولویت است که هر اقدامی که موجب گرمی بازار انتخابات است می‌تواند اقدامی در راستای منافع ملی ارزیابی شود و هر حرکتی که موجب سردی رونق آن شود، بدون شک بازی در جورچین دشمن و تلاشی برای

تضعیف قدرت ملی خواهد بود.

هرگونه بی‌تدبیری دستگاه‌های مختلف، تصمیم‌گیری‌های ناصواب مسئولان، اظهارات ناصواب نخبگان، هیجانات غیرمنطقی گروه‌های خاص که به دوقطبی‌سازی و تولید خشم و خشونت در جامعه بینجامد، بدون شک اقدام در خدمت دشمنان و موجب کساد بازار انتخابات خواهد شد. لذا هر طرحی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باید پیوست انتخاباتی داشته باشد و با عیار آن سنجیده شود و اگر مخل مسیر انتخابات ارزیابی شود، اصلاح شود! انتخاباتی که قرار است مهر خاتمی بر تابوت فتنه‌گران باشد و ثبات و «قوت ملی» جمهوری اسلامی را بار دیگر در برابر بدخواهان این ملت و کشور به نمایش بگذارد.

**۵. خنثی‌سازی راهبردهای دشمن:** تقابل جبهه مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل به روزهای سخت و حساس خود رسیده است. عملیات غرورآفرین طوفان‌الاقصی، ورق را به طور کامل به نفع جبهه مقاومت تغییر داده است و رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن را به وحشت انداخته است؛ ضربه جانانه‌ای که در طول ۷۵ سال گذشته نمونه‌ای برای آن نمی‌توان یافت.

اکنون دشمن در فکر انتقام است تا به نحوی این شکست مفتضحانه را جبران کند و از آنجا که مهم‌ترین حامی جریان مقاومت را جمهوری اسلامی می‌داند، درصدد ضربه وارد کردن به نظام اسلامی است. با این نگاه چشم به انتخابات اسفندماه پیش رو دارد تا مبتنی بر نتایج آن جمع بندی خود را داشته باشد و راهبرد تقابلی‌اش در برابر جمهوری اسلامی را تنظیم کند. برگزاری انتخاباتی با مشارکت قوی و تشکیل مجلسی قوی و تجلی پایگاه اجتماعی قدرتمند و مردم‌سالارانه جمهوری اسلامی می‌تواند در تداوم جبهه مقاومت نقش آفرین باشد و ضمن ناامیدسازی دشمن، بسیاری از نقشه‌های آنان را نقش بر آب کند.

## گفتار دوم: جایگاه و اهمیت مجلس شورای اسلامی

هر نظام سیاسی متشکل از نهادهای مختلفی است که مبتنی بر قانون آن کشور، اختیارات و کارویژه‌هایی برای آن مترتب است. در این بین شناخت اهمیت نهادهایی که اعضا و متولیان آن از طریق انتخابات مردمی برگزیده می‌شوند، می‌تواند در نظر رأی‌دهندگان مؤثر باشد و میزان مشارکت مردم در انتخابات مربوط به آن را تعیین کند. همچنین با توجه به این کارکردها و اثرگذاری‌هاست که اهمیت انتخابات آن نهاد نیز مشخص می‌شود. در این بین قوه مقننه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مجلس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی محور بسیاری از قانون‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌هاست و چراغ هدایت و نظارت بر دولت و کشور را به دست دارد. مجلس شورای اسلامی مردمی‌ترین نهاد جمهوری اسلامی است که وظیفه خطیر قانون‌گذاری در نظام سیاسی به آن سپرده شده است. به واقع مجلس پایگاه اصلی و نماد تعیین اراده و خواست مردم و حاصل حضور و مشارکت واقعی ایشان در تصمیم‌گیری‌ها در نظام اسلامی است.

مطابق با قانون اساسی و بنا بر اساس اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه، که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت فعالیت می‌کنند. این قوا مستقل از یکدیگرند. به واقع در نظام جمهوری اسلامی شاهد نوعی تفکیک قوا به صورت نسبی هستیم که البته با نوعی همکاری و تعامل و نظارت همراه است. در حقوق اساسی، مفهوم تفکیک قوا مطرح است که هدف از آن، سرشکن کردن قدرت سیاسی است که با دو هدف صورت می‌گیرد:

۱- تقسیم کار و تخصصی کردن وظایف حکومتی

۲- تحدید قدرت

درباره روش‌های اعمال تفکیک قوا، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی صاحب‌نظران از تفکیک مطلق قوا سخن می‌گویند. در نظام سیاسی مبتنی بر تفکیک مطلق قوا، هیچ نهاد سیاسی‌ای از دل نهاد دیگر بیرون نمی‌آید؛ یعنی هر یک از آنها منبع مشروعیت جداگانه‌ای دارند. هم پارلمان و هم قوه مجریه مستقیماً از رأی مردم نشئت می‌گیرند. در نظام مبتنی بر تفکیک کامل، ابزارهای تأثیرگذاری قوا بر روی یکدیگر، ضعیف است و هیچ یک از قوا نمی‌توانند دوران تصدی دیگری را پیش از موعد قانونی پایان دهند.

اما در تفکیک نسبی قوا، قلمروهای اختصاصی قوا تضعیف می‌شود و ابزارهای گوناگونی برای تأثیرگذاری قوا بر روی یکدیگر پیش‌بینی شده است. نظام‌های ریاستی، نتیجه‌اندیشه تفکیک مطلق قوا هستند و نظام‌های پارلمانی و نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی هم از دل اندیشه تفکیک نسبی قوا بیرون می‌آیند.

## ۱. ساختار قوه مقننه

قوه مقننه از دو رکن کاملاً متمایز مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل می‌شود. بر اساس اصل ۹۳ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی بدون شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد، مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.

بر اساس اصل ۵۸ قانون اساسی، اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌شود. وظایف عمده مجلس در دو بخش اصلی قانون‌گذاری و نظارت خلاصه می‌شود.

مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌شود. (اصل ۶۲) دوره نمایندگی مجلس چهار سال است (اصل ۶۳) و عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۹۰ نفر است و زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. (اصل ۶۴) مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت پیدا می‌کند (اصل ۶۵) و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی حدنصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین‌نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.

مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. تنها در شرایط اضطراری و در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیر علنی تشکیل می‌شود.

مصوبات جلسه غیر علنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر شود. (اصل ۶۹) هیئت رئیسه دائم مجلس مرکب از رئیس و دو نایب رئیس و شش منشی و سه کارپرداز است و انتخاب آنها برای مدت یک سال خواهد بود. (ماده ۲۷ آیین نامه داخلی)

انعقاد رسمی جلسات و اعتبار اخذ رأی منوط به حضور حداقل دو سوم مجموع نمایندگان است و اکثریت مطلق آرا وقتی حاصل می‌شود که بیش از نصف نمایندگان صاحب رأی حاضر، رأی مثبت دهند مگر در مواردی که قانون اساسی یا در آیین نامه یا به موجب قانون دیگر، نصاب دیگری تعیین شده باشد. برای ادامه مذاکرات، حضور حداقل نصاب مجموع نمایندگان (۱۳۵ نفر) ضروری است.

## ۲. وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی

وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی را می‌توان در دو بعد قانونگذاری و نظارت تعریف کرد.

مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. (اصل ۷۱ قانون اساسی) اما نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این مسئله به عهده شورای نگهبان است. (اصل ۷۲) همچنین تشخیص مغایرت نداشتن کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص تعارض نداشتن آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است. (اصل ۹۶)

لوائح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است. عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. (اصل ۷۷) و همچنین گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد. (اصل ۸۰) همچنین شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. (اصل ۷۳)

هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر کند (اصل ۸۴) و نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آراییی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد. (اصل ۸۶)

رئیس‌جمهور برای هیئت‌وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگری باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد (اصل ۸۷) و در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس‌جمهور یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس‌جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد. (اصل ۸۸) نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند، استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. (اصل ۸۹) اگر مجلس به هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح رأی اعتماد نداد، هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود. (اصل ۸۹)

در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور استیضاح کنند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ۱۰ اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد. (اصل ۸۹)

هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه یا قوه قضائیه مربوط است، رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام کند و در موردی که مربوط به عموم باشد، به اطلاع عامه برساند. (اصل ۹۰)

به منظور بررسی و اصلاح و تکمیل لوایح دولت و طرح‌های قانونی که نمایندگان یا شوراهای عالی استان‌ها طبق اصول ۲۴ و ۱۰۲ قانون اساسی به مجلس می‌دهند، به منظور تهیه و تمهید طرح‌های لازم و انجام وظایف دیگری که طبق قانون به عهده مجلس گذاشته شده است، کمیسیون‌هایی در مجلس تشکیل می‌شود. (ماده ۳۳ آیین نامه داخلی) هر نماینده به جز رئیس مجلس ملزم است عضویت یکی از کمیسیون‌های دائمی را که برای آن انتخاب و تعیین می‌شود بپذیرد و در صورت تمایل می‌تواند در کمیسیون‌های دیگر مجلس با حق اظهار نظر و بدون حق رأی شرکت کند. (ماده ۳۷ آیین نامه داخلی) و در مواردی که مجلس ضروری تشخیص دهد طبق اصل ۷۵ قانون اساسی اختیار وضع بعضی از قوانین را به کمیسیون‌های خود تفویض می‌کند. (ماده ۵۵ آیین نامه داخلی)



### ۳. بایسته‌های مجلس طراز انقلاب اسلامی

برای هر نهاد سیاسی می‌توان الگوی کاملی را تصور کرد که دست یافتن به آن حالت ایده‌آل می‌تواند نشان‌دهنده کارآمدترین حالت آن باشد. مجلس شورای اسلامی نیز مجموعه‌ای است که کارآمدی آن بسیار حائز اهمیت بوده و در صورت تحقق آن، بخش مهمی از مشکلات کشور حل خواهد شد. بخش عمده‌ای از فلسفه انتخابات مجلس و سپردن اختیار به ملت برای تغییر چهارساله و کلای خویش، محصول همین نگاه معطوف به ارتقا و کارآمدی است. به واقع اگر قرار باشد انتخاب نمایندگان جدید به کارآمدسازی بیشتر مجلس منجر نشود، باید گفت که انتخابات بخشی از فلسفه خود را از دست داده است.

برای رسیدن به مدل مورد نظر در ترسیم چهره مجلس طراز انقلاب، یکی از معیارها و شاخص‌ها، آرا و نظرات بزرگان انقلاب و در رأس آن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است که در جایگاه هدایت و رهبری افق‌های پیش روی انقلاب را بهتر از دیگران می‌تواند رصد کند. داشتن الگویی مناسب از مجلس طراز انقلاب مبتنی بر الگوی رهبری این امکان را به ما خواهد داد تا در تشخیص کاندیدای مناسب و اصلح برای مجلس شورای اسلامی که شکل‌دهنده مجلس خواهند بود، موفق عمل کنیم. رهنمودهای ایشان در قالب بایسته‌هایی ارائه شده که توجه به آنها می‌تواند ابعاد گوناگون مجلس طراز انقلاب اسلامی را ترسیم کند.

#### ۱.۱. مجلس اسلام‌گرا

نخستین نکته ناظر به جهت‌گیری کلی مجلس است که باید در سمت و سوی هدف‌ها و شعارها و ارزش‌های متعالی اسلام باشد. این نکته اگرچه با توجه به اینکه مجلس، عصاره ملت مسلمان و انقلابی و محصول انقلاب اسلامی است، سخن تازه‌ای نیست و توصیف افتخارآمیز «اسلامی» در دنباله نام مجلس شورا

خود گویای طبیعت و جهت آن هست، لیکن در وضع کنونی کشور که بحمدالله حرکت سازندگی با شتاب و استحکام، در حال اوج گیری است، توجه و اعتنا به این خصوصیت، نقش و اهمیت تازه‌ای می‌یابد. (۷۵/۳/۱۱)

مهم‌ترین سخن آن است که مجلس شورای اسلامی، رکن مهم نظام اسلامی و انقلابی است و باید پایگاه مستحکم اسلام و انقلاب باشد. چنین بوده و به تأیید الهی چنین نیز خواهد بود... دفاع قاطع و آشکار نمایندگان از انقلاب و نظام اسلامی و راه روشن و ماندگار امام عظیم‌الشأن، و تبری از بلندگوهایی که با تکرار شعار ارتجاعی «جدایی دین از سیاست» در اندیشه حذف جهاد خونین بیست و چند ساله ملت ایران برای استقرار نظام مترقی جمهوری اسلامی اند، تلاش پرهزینه دشمن را بیهوده خواهد ساخت. این کمترین انتظار ملت انقلابی و مسلمان از نمایندگان مجلسی است که با خون شهیدان و مجاهدت ایثارگران پدید آمده و برقرار مانده است. (۷۹/۳/۶)

## ۱،۲. مجلس استکبارستیز

مجلس باید مجلسی باشد که بتواند در مقابل زورگویی‌ها و زیاده‌خواهی‌ها و مرعوب کردن‌ها و تطمیع کردن‌های قدرتمندان جهانی بایستد و مصالح کشور و ملت را محاسبه کند و دنبال آن برود... من بارها عرض کرده‌ام که قدرت‌های استکباری - یعنی همین قدرت‌های سلطه‌گر جهانی - که مرتب روی این کشور و آن کشور دست می‌اندازند و دولت‌ها و ملت‌ها را زیر یوغ خودش می‌کشانند، عمده کارشان از ترساندن می‌گذرد. قدرت واقعی‌شان آن قدر نیست که بر زبان می‌آورند. بدیهی است این همه که اینها با این انقلاب و با این کشور بندند، اگر قدرت داشتند، تاکنون این انقلاب این‌طور رشد نمی‌کرد و این‌گونه نمی‌ماند. آیا این خود دلیل نیست که سلطه‌گران آمریکا و صهیونیست‌های عالم، آن‌چنان که ادعا می‌کنند، قدرت ندارند؟! اینها عمده کارشان را از راه تهدید و مرعوب کردن پیش می‌برند. (۷۸/۱۱/۲۶)

### ۱,۳. ایستادگی بر سر منافع ملی

مسئله مهم دیگر، جایگاه سیاسی مجلس است. شما، نماینده و عصاره و خلاصه ملت هستید. موضع گیری شما در مسائل سیاسی و بین المللی، به یک معنا حاکی از موضع گیری ملت ایران است. این موضع گیری، دو گونه می تواند باشد: گاهی می تواند دشمن را به دخالت بیشتر امیدوار کند؛ او را نسبت به نظام اسلامی، گستاخ و طلبکار و فزون طلب و به زیاده خواهی تشویق کند؛ می تواند هم درست بعکس باشد؛ احساس کند که در ملت ایران و نمایندگان او، صلابت، ایستادگی، آگاهی به منافع و مصالح، ایستادگی بر سر منافع ملی و مصالح ملی، و ناسازگاری با کسانی وجود دارد که همه همت شان این است که منافع ملی را به بازیچه بگیرند و راهی برای سیطره بر این ملت پیدا کنند... مجلس باید آینه تمام نمای اقتدار ملی و عزت ملی و ایستادگی بر سر منافع ملی و مقابله با سلطه جویان و سیطره خواهان جهانی و بین المللی باشد. اینها ظرفیت های مهمی است که مجلس دارد. (۸۳/۳/۲۷)

### ۱,۴. واکنش بهنگام به مسائل حسّاس داخلی و خارجی

سرفصل دیگری که بنده به خاطر آن، مجلس را در قلب خودم تحسین کرده ام، واکنش به موقع نسبت به مسائل حسّاس داخلی و خارجی است... گاهی بعضی از مسائل، خیلی بنیانی اند؛ هرچند در زندگی مردم بروز و ظهور و تأثیر عاجلی ندارند. اما بعضی مسائل، آن قدر هم بنیانی نیستند؛ بلکه مسائل سطحی اند... در قضیه برخورد با سیاست های متعّرض استکبار جهانی، برخورد با دولت مستکبر آمریکا و در همه دردها و هموم این ملت، حضور مجلس خیلی مهم است. (۷۴/۳/۸)

### ۱,۵. ترجیح مطالبات اساسی مردم بر انگیزه های دیگر

ترجیح مطالبات عمومی و اساسی مردم بر انگیزه ها و گرایش های دیگر،

شاخصه مهمی در این جهت‌گیری است که به توفیق الهی، مجلس تاکنون به آن دست یافته و همچنان باید بر آن پای بفشارد. (۸۳/۱۱/۵)

### ۱،۶. ترجیح مصالح کلی بر مصالح منطقه‌ای

مسئله بعد، ترجیح مصالح کلی بر مصالح منطقه‌ای است؛ این هم از چیزهایی است که به زبان خیلی آسان است، اما در عمل خیلی مشکل است. بنده هم یک وقت در مجلس بوده‌ام و می‌دانم نمایندگی چگونه است؛ با مجلس هم که سال‌هاست سروکار داریم. مصالح منطقه‌ای را بر مصالح کلی ترجیح ندهید. (۸۳/۳/۲۷)

### ۱،۷. نگاه ملی به همه قوانین و برنامه‌های مصوب

نگاه ملی به همه قوانین و برنامه‌های مصوب مجلس، وظیفه عموم نمایندگان است. انواع سلیقه‌ها و گرایش‌های سیاسی و اقوام ایرانی و پیروان ادیان و اهالی مناطق گوناگون کشور در مجلس حضور دارند. همه تمایلات منطقه‌ای و قومی و بخشی باید در پرتو نگاه ملی برآورده شود، و به جای قوانین کم عمق یا کم عمر و کم اثر یا غیرعملی، قوانینی گره‌گشا، پرتأثیر، جامع و سنجیده فراهم گردد. (۸۳/۳/۶)

### ۱،۸. شناخت نیازهای واقعی مردم

نیازها و مطالبات حقیقی مردم را می‌شناسید؛ اشتغال، مبارزه با فساد مالی، زدودن محرومیت از مناطق محروم، مهار تورم و مقابله با گرانی، روان شدن چرخه خدمت‌رسانی، گسترش و اعتلای فرهنگ و اخلاق، رونق یافتن علم و تحقیق، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مسئولان حکومتی، در شمار برجسته‌ترین این نیازهاست و اینهاست که عدالت اجتماعی را ممکن و پیشرفت و توسعه را محقق می‌سازد. نیازهای موهوم و ساخته دست تبلیغات‌چی‌های بیگانه و بدخواه، نباید به جای این خواسته‌های حقیقی بنشینند. (همان)

### ۱،۹ . مجلس کارآمد

آنچه که برای مردم در این انتخابات و همه‌گزینش‌های ملی و انتخابات‌ها مهم است، این است که سطح کارآمدی نظام روزبه‌روز ارتقا پیدا کند؛ این اساس مسئله است. اگر مردم دنبال رئیس‌جمهور یا دنبال نماینده مجلس می‌گردند یا دنبال دیگر کسانی هستند که می‌خواهند آنها را با انتخاب تعیین کنند، در پی آن هستند که انسان‌های کارآمدی را براریکه مسئولیت بنشانند تا آنها بتوانند سطح کارآمدی نظام را افزایش بدهند و مشکلات مادی و معنوی مردم را حل کنند؛ این خواست مردم است. حالا گروه‌ها و احزاب و عناصر سیاسی هم هر کدام نقطه‌نظرهایی دارند؛ آن نقطه‌نظرات برای خودشان است. مردم می‌خواهند کسانی مسئولیت‌ها را به‌عهده بگیرند که دلسوز، با کفایت و کارآمد باشند. بحمدالله امروز کارهای زیادی شده؛ زیربنای مهمی از کشور آماده بهره‌برداری شده است. بازوان قوی و با کفایت یک مسئول مؤمن و وفادار به آرمان‌های انقلاب - که آرمان‌های مردم است - خواهد توانست بسیاری از گره‌ها را باز کند؛ مردم دنبال این هستند. (۸۳/۸/۲۴)

### ۱،۱۰ . مجلس کارشناس

اگر مجلس، مجلسی باشد که خود نماینده و کمیسیون فکر کند و تشخیص دهد و روی آن با فشارد و دولت را به دنبال خود بکشد، آن وقت این مجلس، مجلس کارآمدی خواهد بود که می‌تواند کشور را به بهترین وجهی اداره کند. (۷۵/۳/۲۹)

### ۱،۱۱ . مجلس روزآمد

ما به این قانع نیستیم که مجلس شورای اسلامی داریم... ما باید سازوکاری پیدا و دنبال کنیم که مجلس روزبه‌روز در همین جهت صحیح و به سمت اهداف رشد کند و پیش برود؛ کارایی و تأثیرش در کشور زیاد شود تا بتواند به‌طور

واقعی اثرگذاری کند و حرکت کلی کشور را با ایجاد قوانین و با نظارت‌های بجا و با موضع‌گیری‌های درست، روزبه‌روز پیشرفته‌تر و متعالی‌تر کند؛ به خصوص که دشمنان نظام اسلامی همواره یک مجلس بی‌نقش را خواسته‌اند؛ مجلسی که تأثیری نداشته باشد، یا تأثیر منفی داشته باشد. نخیر، مجلس باید اثرگذار، پررنگ، فعال و دارای نقش باشد؛ همه باید دنبال این باشند. به این هم قانع نیستیم و کافی نمی‌دانیم که بگوییم ما هم مثل کشورهایی که نام دموکراسی را به دوش می‌کشند، پارلمان داریم؛ نه، آن پارلمان‌ها در کنار نقاط قوتی که احیاناً دارند - و لابد دارند؛ هیچ مرکزی بدون نقطه قوت و نقطه ضعف نیست - نقاط ضعف اساسی‌ای هم دارند؛ ما باید از نقاط ضعف اساسی آنها پرهیز کنیم. (۸۳/۳/۲۷)

### ۱۲. استفاده از همه ظرفیت کاری

نکته‌ای که بسیار مهم است، این است که از همه ظرفیت کاری مجلس استفاده کنید. اگر قرار باشد یک روز دستگاهی بخواهد موفق‌ترین مجلس ایران را در دوره بعد از انقلاب ارزیابی کند، بلاشک موفق‌ترین مجلس، مجلسی است که توانسته از همه ظرفیت کاری خود استفاده کند. ظرفیت قانون‌گذاری، یکی از ظرفیت‌های بسیار مهم است. ابزارهای نظارت در دست شما قرار دارد. دیوان محاسبات را دست کم نگیرید... دیوان محاسبات خیلی مهم است. بودجه عظیم این ملت، تنها درآمد عمده عمومی ملت است که در اختیار دستگاه‌ها قرار می‌گیرد؛ باید مشخص باشد که این بودجه چگونه خرج شد. مسئله‌ی تفریح بودجه و تشخیص صحت و سقم کاری که انجام گرفته، یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظارتی شماست. (۸۳/۳/۲۷)

### ۱۳. مجلس مستقل

استقلال نمایندگان و شخصیت متین و استوار آنان، مورد انتظار همه موکلان است. هیچ تطمیع و تهدیدی نباید نماینده را تحت تأثیر بگیرد و او را از

شأن و وظیفه نمایندگی باز دارد. شایسته‌گزینی و ارزش‌گرایی و شجاعت، معیار درست برای قول و فعل نمایندگان است. (۸۳/۳/۶)

وقتی که ما می‌گوییم نمایندگان مجلس مستقل باشند، یعنی به تشخیص خودشان نگاه کنند. البته از کارشناسان باید مدد بگیرند. کارشناسان، هم در وزارتخانه‌ها و هم در دانشگاه‌ها و هم در خود مجلس هستند. (۷۵/۳/۲۹)

### ۱،۱۴. همکاری و ارتباط منطقی با دیگر قوا

ارتباط منطقی با قوای دیگر بر پایه همکاری و همدلی، وظیفه مهم دیگر مجلس است. کمال این وظیفه آنگاه تحقق می‌یابد که با اعمال نظارت قانونی و نهادینه ساختن پاسخگویی در دیگر قوا، که وظیفه دیگر مجلس است، همراه گردد. تعامل و تفاهم با شورای محترم نگهبان که خود، بخشی از قوه مقننه است، البته در اولویت قرار دارد. ارتباط با صاحب‌نظران محیط‌های علمی و عملی و بهره‌گیری از تجربه‌ها و اندیشه‌های ارزشمند آنان، نیز به غنای مجلس که بحمدالله خود دارای ترکیبی علمی و کارشناسی و تخصصی است خواهد افزود. (۸۳/۳/۶)

مجلس بر حسب طبیعت خود دارای رابطه‌ای نزدیک و مهم با دولت است. تنظیم صحیح این رابطه، یکی از مهم‌ترین کارهای نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی است. تصویب قوانینی که دولت را موظف و قادر بر اداره صحیح امور نماید و سپس نظارت بر اجرای آن از راه‌های قانونی، نخستین وظیفه مجلس است و این وظیفه مستلزم همکاری و همدلی میان مجلس با دولت و حمایت مجلس از دولت است. سلامت این رابطه باید به گونه‌ای باشد که دولت، مجلس را گره‌گشای کارهای بزرگ بشناسد و از حکمت و مصلحت‌شناسی آن در اجرای وظایف دشوار خود بهره بگیرد... بدیهی است که این سخن به آن معنی نیست که نمایندگان به وظایف قانونی تذکر و سؤال و استیضاح در موارد خود

عمل نکنند یا در رسیدگی به تخلفات کوتاهی نمایند. نمایندگان محترم در هر حال باید صراحت و حقگویی و آزادی خود را حفظ کنند و بالخصوص مراقب باشند که وسوسه‌های بعضی از شیاطین که احیاناً ممکن است در صفوف مقدس مدیران اجرایی کشور نفوذ کرده باشند آنان را از وظایف نمایندگی ملت که امانت الهی است باز ندارد. (۷۵/۳/۱۱)

### ۱،۱۵. تنها وامدار مردم

توصیه این‌جانب به کسانی که با رأی مردم، مجلس هفتم را تشکیل خواهند داد... آنان فقط وامدار ملتند و وظیفه دینی و انقلابی آنان کمر خدمت بستن برای ملت است. (۸۲/۱۲/۲)

### ۱،۱۶. مظهر وفاق ملی و آرامش و اعتماد عمومی

مجلس شورای اسلامی می‌تواند سرچشمه و مظهر وفاق ملی و آرامش و اعتماد عمومی، و یا خدای نخواستہ منشأ دودستگی و تشویش و اضطراب دل‌ها و فکرها شود. محسوس‌ترین و نقدترین هدیه نمایندگان محترم به مردمی که آنان را به مجلس فرستاده‌اند، آن است که با منش و گفتار خود، امید و نشاط و آرامش را بر فضای عمومی کشور حاکم سازند و گفتارها و نطق‌های خود را همچون الگویی از رفتار سیاسی سالم و سرشار از سماحت و تحمل و انصاف، تنظیم کنند. (۷۹/۳/۶)

### ۱،۱۷. پیام‌آور یکپارچگی و عزت ملی

نمایندگان مردم در مجلس وظیفه سنگینی در این باره بر عهده دارند. گفتار و عمل آنان باید یکپارچگی ملت، عزت ملی، ایمان و امید و تلاش، بیداری و آگاهی، اخلاق و فضیلت و آزادی و عزم و اراده پولادین را برای کشور به ارمغان آورد. چنین مجلسی بی‌شک، عصاره فضایل و به طور طبیعی در رأس امور خواهد بود. (۸۳/۳/۶)



## گفتار سوم: آموزه‌های انتخاباتی و مردم‌سالارانه بنیانگذار

انقلاب اسلامی را می‌توان مردمی‌ترین انقلاب تاریخ دانست که همه امور و مراحل آن با حضور تمام عیار مردم محقق شد. این نقش‌آفرینی در تداوم راه انقلاب و پس از شکل‌گیری جمهوری اسلامی نیز تداوم یافت و مردم ارکان قدرت را در عرصه حکمرانی در دست گرفتند.

حضرت امام(ره) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امور کار کشور را به مردم سپرد و با برگزاری انتخابات متعدد از ایشان خواست تا در ساختن کشور سهیم باشند. اوج این نگاه «مردم‌سالار» را می‌توان در اظهارات ایشان خطاب به مخالفان در آستانه شکل‌گیری مجلس خبرگان قانون اساسی مشاهده کرد که با صراحت اعلام می‌دارد اعضای مجلس خبرگان تنها وکیل ملت بوده و قانون تدوین شده باید به تأیید ملت برسد: «مجلس مؤسسان اگر اعتبار دارد برای این است که مجلس مبعوث از ملت است. خود ملت، حق ندارد رأی بدهد، لکن

وکیل ملت حق دارد؟! این چه غلطی است. خود من حق ندارم تصرف بکنم در مال، وکیل من حق دارد؟! خود شما حق ندارید رأی بدهید، وکیل شما حق دارد؟! وکلا برای این حق دارند که وکیل شما هستند و الاً چه حقی دارند، یک نفر چه حقی دارد برای ۳۵ میلیونی جمعیت رأی بدهد؟ این حق برای این است که شما می‌خواهید رأی بدهید، رأی شماست، میزان رأی ملت است، ملت یک وقت خودش رأی می‌دهد، این اساس، یک وقت یک عده‌ای را تعیین می‌کند که آنها رأی بدهند، آن در مرتبه دوم صحیح است، و الاً مرتبه اول، حق مال خود ملت است.» (صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۲۲، ۵۸۳/۲۵)

از همین اظهارات بود که گزاره «میزان رأی ملت است» بر سر زبان‌ها افتاد و به عنوان یکی از آموزه‌های اساسی مکتب سیاسی حضرت امام (ره) مورد توجه قرار گرفت.

بدون شک برای فهم جایگاه حقیقی مردم در جمهوری اسلامی به آرا و نظرات و سیره بنیانگذار جمهوری اسلامی مراجعه کرد که در طول عمر پربرکت‌شان به انحاء مختلف به این موضع توجه داشته‌اند.

## ۱. مردم پستوانه حکومت

این سؤال که «چه کسی حق حکومت کردن دارد؟»، مقوله‌ای بنیادین در باب حکومت است که پاسخ‌های مختلفی به آن داده شده است. در پاسخ به این سؤال هرچقدر برای رأی مردم بیشتر اعتبار قائل باشیم، به سمت نظریات مردم‌سالاری پیش رفته و هرچقدر بر جایگاه نخبگان تأکید کرده و از اعتبار رأی توده‌ها بکاهیم، به همان اندازه به نظریات نخبه‌سالاری نزدیک خواهیم شد.

حضرت امام (ره) از جمله نظریه‌پردازانی هستند که در ساختمان فکری خود، ارکان حکومت اسلامی را بر حمایت مردم بنا می‌گذارد. ایشان در دیدار با

«حامد الگار» نویسنده و متفکر مسلمان آمریکایی می‌فرمایند: «پشتوانه یک حکومتی ملت است، اگر یک ملتی پشتوانه حکومتی نباشد، این حکومت نمی‌تواند درست شود، این نمی‌تواند برقرار باشد.» (۵۷/۱۰/۷)

مبتنی بر منطق مردم‌سالارانه حضرت امام (ره)، هر چند فقیه عادل صاحب درایت، دارای صلاحیت لازم برای پذیرش جایگاه حاکم اسلامی است، اما حق حاکمیت آنگاه مشروعیت می‌یابد که رضایت و انتخاب ملت نیز به فقیه جامع‌الشرایط تعلق گیرد. وگرنه اگر رضایت مردم نباشد، رسیدن به قدرت از طریق زور و تغلب، راه‌های مشروع تشکیل حکومت اسلامی نخواهد بود. بنابراین فقیه جامع‌الشراطی آنگاه حق حکومت می‌یابد که در یک انتخاب مستقیم و یا غیرمستقیم مردمی انتخاب شود؛ انتخابی که چون در چارچوب مجاز شریعت (انتخاب از بین فقها) انجام شده، حاصل آن مشروعیت فرد منتخب برای زمامداری خواهد بود. در همین راستا، می‌توان به نامه حضرت امام (ره) خطاب به رئیس مجلس خبرگان بازنگری قانون اساسی مراجعه کرد. در آن چنین نوشته شده است: «اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومت‌شان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت، او ولی منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است.» (۶۸/۲/۹)

تعبیری صریح‌تر در این باره، در نامه دیگر حضرت امام (ره) در پاسخ به استفتاء نمایندگان خویش در دبیرخانه ائمه جمعه و جماعات سراسر کشور است که در آن شرط تولی امور مسلمین را آرای اکثریت آنان می‌داند. وی در جواب این پرسش که «در چه صورت فقیه جامع‌الشرایط بر جامعه اسلامی ولایت دارد»، می‌نویسد: «[او] ولایت در جمیع صور دارد، لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از

آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین.»  
(۶۶/۱۰/۲۹)

## ۲. باور قلبی به مردم

یکی از مهم‌ترین ارکان مردم‌سالاری دینی، اعتماد به مردم است. به واقع کسی نمی‌تواند این چنین از بسط و گسترش حاکمیت مردم سخن بگوید، اما با همه وجود به مردم اعتماد نداشته باشد. واقعیت آن است که امام چنین بود و «همیشه، مردم در چشم امام، «اصل» بودند.» (۷۱/۳/۱۴) به تعبیر امام خامنه‌ای: «یکی از بزرگ‌ترین هنرهای امام راحل ما این بود که نیروی مردم را شناخت و آن را کشف کرد و از آن بهره گرفت؛ و به مردم اعتماد کرد.» (۸۵/۵/۳۱)

معظم‌له تأکید دارند: «نگاه امام به ملت ایران با نگاه دیگران فرق داشت» و در همین راستا نقل می‌کنند: «همان روز اگر می‌خواستیم قضاوت بسیاری از نخبگان علمی دینی و غیر دینی و سیاسی و غیره را درباره ملت ایران مشاهده کنیم، می‌دیدم قضاوت‌ها قضاوت‌های عجیب و غریبی است. بعضی این ملت را باایمان نمی‌دانستند، بعضی دارای صداقت نمی‌دانستند، بعضی به نیرو و به وفای آنها شک می‌کردند - که ما اینها را شنیدیم، از خیلی‌ها شنیدیم - اما امام در سال ۱۳۴۱ در همین شهر قم، آن وقتی که هنوز هیچ خبری از این اجتماعات عظیم نبود، در همین مسجد اعظم گفت اگر ما به مردم فراخوان بدهیم، این صحرای قم را از جمعیت پر می‌کنند؛ لیبک می‌گویند. نگاه او به مردم، یک چنین نگاهی بود؛ مردم را شناخت. آن عنصر باارزش اکسیرگونه‌ای که مس‌ها را طلا می‌کند، این را در جان و دل مردم کشف کرد و آن را به کار گرفت. لذا با این موانع بزرگی که در سر راه وجود داشت، انقلاب پیروز شد. هیچ تحلیلگری باور نمی‌کرد که این اتفاق در اینجا بیفتد. او تکیه به خدا کرد، توکل به خدا کرد، وارد عمل شد، با دل

مردم تماس برقرار کرد و مردم به صحنه آمدند و این حرکت عظیم اتفاق افتاد» (۸۹/۸/۲)

استاد شهید مرتضی مطهری که از نزدیک‌ترین شاگردان حضرت امام(ره) به حساب می‌آمد نیز نقل می‌کند: «در میان همه رفقا و دوستانی که سراغ دارم احدی مثل امام به روحیه مردم ایران ایمان ندارند. به ایشان نصیحت می‌کنند که آقا آهسته‌تر حرکت کنید، مردم دارند سرد می‌شوند، مردم دارند از پای در می‌آیند. می‌گویند: «نه مردم این جور نیستند که شما می‌گویید، من مردم را بهتر می‌شناسم.»<sup>۱</sup>

اعتماد به ملت لقلقه‌زبانی و ادعای گزافی نبود که تنها برای رأی جمع کردن و کسب حمایت و محبوبیت بر زبان امام(ره) جاری شده باشد، بلکه به واقع امر این اعتقاد در قلب و باور امام نهادینه شده و مبنای عمل و تصمیم‌گیری ایشان بود. میرحسین موسوی نقل می‌کند: «شبی در منزل حاج احمد آقا با تنی چند از دوستان خدمت امام بودیم، بحث فداکاری‌های مردم پیش آمد. امام فرمودند: «مردم خیلی جلو هستند، ما عقب‌شان داریم می‌رویم». یکی از دوستان گفت: خوب حالا اگر بگوییم ما دنباله رو مردم هستیم، این برای ما مصداق دارد؛ ولی در مورد شما نمی‌توانیم این حرف را بزنیم شما جلو دار مردم هستید. من یادم هست که امام از این حرف ایشان عصبانی شده و فرمودند: «مردم جلو هستند». ایشان واقعاً به خوب بودن و انقلابی بودن مردم عمیقاً معتقد بودند.»<sup>۲</sup> اعتماد کامل امام به ملت ایران را می‌توان در این تعبیر ایشان نیز مشاهده کرد، آنگاه که در

---

۱. مرتضی مطهری، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران: صدرا، ۱۳۷۹، ص ۲۱.

۲. غلامعلی رجایی، *برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (س)*، ج ۱، همان، ص

وصیت‌نامه سیاسی - الهی‌شان با صراحت اعلام داشتند: «من با جرئت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول‌الله(ص) و کوفه و عراق در عهد امیرالمومنین و حسین‌بن‌علی (صلوات الله و سلامه علیهما) می‌باشند.»

### ۳. ولی نعمتان جامعه

در حکومت اسلامی مطلوب حضرت امام(ره)، مردم ولی نعمتان انقلاب هستند و این «ولی نعمت» بودن باید از سوی مسئولان نظام اسلامی فهم شود. حضرت امام(ره) خطاب به مسئولان کشور تأکید دارند: «کوشش کنید که با بندگان خدا جوری رفتار کنید که امامان شما رفتار می‌کردند، پیغمبر شما رفتار می‌کرد و سایر انبیاء رفتار می‌کردند. گمان نکنید که حالا فلان - نخست‌وزیر است، فلان وزیر کشور است، فلان رئیس جمهور است، فلان استاندار است، فلان بخشدار است، فرماندار است، گمان نکنید که اینها یک چیزی است. آن که همه چیز است؛ به دست آوردن رضای خداست و آن به این است که رضای مخلوقی خدا را به دست بیاورید. با مردم که شما سروکار دارید این مردم را باید رضایتشان را به دست بیاورید. همین مردم کوچه و بازار و کشاورزهای بسیار عزیز و کارمندان و کسانی که در کارخانه‌ها زحمت می‌کشند. اینها هستند که مایه افتخار یک ملت و مایه پیروزی یک ملت است. پیروزی را برای ما و شما اینها به دست آوردند و اینها ولی نعمت ما هستند و ما باید این معنا را در قلب‌مان احساس کنیم که با این ولی نعمت‌های خودمان رفتاری بکنیم که خدا از آن رفتار راضی باشد، گمان نکنید آن کسی که فرماندار یک جایی است باید به رعیت آنجا، به مردم عادی آنجا، به بازاری آنجا، یک وقت خدای نخواستہ یک بالاتری بفروشد آنطوری که ساخت فرمانداران زمان سابق بود.» (۶۰/۱۰/۱۳)

در بیانات به کار رفته در باب نسبت میان مردم و حکومت از سوی حضرت امام(ره)، با تعابیری مواجه هستیم که بنیان اعتبار مسئولیت را در رأی و اعتبار ملت تعریف می‌کند. اعتباری از جنس وکالت با همه آن نسبتی که بین وکیل و موکل در نظام حقوقی جاری و ساری است. برای نمونه، در محفلی که رئیس‌جمهور و وزرا و رئیس و نمایندگان مجلس حضور دارند، امام خطاب به آنان با صراحت بیشتری یادآوری می‌کنند: «شما باید توجه به این معنا بکنید که ما را اینها آورده‌اند و وکیل کرده‌اند، آورده‌اند و وزیر کرده‌اند، رئیس‌جمهور کرده‌اند. اینها ولی نعمت ما هستند، و ما باید ولی نعمت خودمان را از آن قدردانی کنیم و خدمت کنیم به او و همین‌ها هستند که الآن هم حفظ این کشور را می‌کنند و حفظ نظام این کشور را می‌کنند.» (۶۰/۱۱/۱۹) در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری محمدعلی رجایی نیز حضرت امام(ره) بر خدمتگزاری تأکید دارند و می‌فرمایند: «شما باید خدمت کنید به این مردم. شما، ما، همه باید خدمتگزار اینها باشیم و شرافت همه ما به این است که خدمت به خلق خدا بکنیم، اینها بندگان خدا هستند. خدای تبارک و تعالی علاقه دارد به این بندگان و ما مسئولیم باید خدمت بکنیم.» (۶۰/۵/۱۱)

همین سخت‌گیری را در مواجهه با اعضای کابینه دولت نیز دارد و در دیدار ایشان تأکید می‌کند: «اختیار دست خود شماهاست و شماها باید برای این ملت خدمت کنید و خودتان را خدمتگزار مردم بدانید. اگر در ذهن‌تان بیاورید که من وزیرم و باید مردم از من [اطاعت] بکنند بدانید اصلاح نشدید. در ذهن‌تان حتی خلجان بکند، آقای رئیس‌جمهور در ذهنش خلجان بکند که من شخص اول مملکت هستم و چه و کذا، این اصلاح نشده است خلجانش هم از شیطان است... شما همان نظرتان به این باشد که تکلیف شرعی الهی خودتان را که مقامی را دارید و باید با این مقام خدمت کنید. این آلت است برای خدمت به مردم،

خودش چیزی نیست و اگر خدمت به مردم کردید، مقام برای شما صلاحیت دارد، خوب است و اگر نشد مقام چیزی نیست.» (۶۰/۵/۳۱)

#### ۴. بی تفاوت نباشید نسبت به سرنوشت

یکی از مؤلفه‌های کلیدی که نهضت امام خمینی (ره) را از دیگر نهضت‌های مشابه ممتاز کرد، اعتمادی بود که ایشان به توده‌های مردم داشت. ایشان بیش از آنکه تلاش کنند تا حرکتی با محوریت نخبگان شکل دهند، بر این باور بودند که این ملت‌ها هستند که باید سرنوشت خود را به دست گرفته و با اراده و تصمیم خود آینده را رقم بزنند.

با پیروزی انقلاب اسلامی بار دیگر این احزاب و گروه‌های سیاسی نبودند که محوریت انقلاب را بر عهده گرفتند، بلکه امام امت با ایجاد فضای باز برای حضور مستمر ملت در صحنه، با تأکید بر برگزاری رفراندوم و انتخابات‌های متعدد، زمینه‌های قانونی این حضور را نهادینه کردند، به نحوی که سال ۱۳۵۸ را باید سال حضور مستمر ملت در پای صندوق‌های رأی نامید.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تلاش کردند تا ملت را نسبت به ضرورت مشارکت سیاسی و حضور در صحنه‌های مهم تصمیم‌گیری برای کشور، از جمله انتخابات‌های مختلف آگاه کند. شاید مهم‌ترین انتخاب، رفراندوم قانون اساسی بود که معظم‌له در سخنانی فرمودند: «بی تفاوت نباشید نسبت به سرنوشت مملکت خودتان، نسبت به اسلام، نسبت به ملت. نسبت به کشور بی تفاوت نباشید. گوش نکنید به این حرف اینها که قانون اساسی خوب نشده، و محتوایش چه است. اینها تمام در نظر دارند که نگذارند که شما رأی بدهید به قانون اساسی، و شما را بی تفاوت کنند یا بدبین کنند.»



امام امت در دیگر انتخابات نیز بر مشارکت گسترده تأکید داشته و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۴ با برشمردن آثار بین‌المللی مشارکت حداکثری ملت می‌فرمایند: «من کار ندارم کی رئیس جمهور می‌شود، به من مربوط نیست، من خودم یک رأی دارم به هر که دلم می‌خواهد می‌دهم، شما هم همین‌طور. اما اگر بخواهید در مقابل دنیا اظهار حیات بکنید که بگویید ما بعد از گذشتن چندین سال زنده هستیم، باید مشارکت کنید. اگر - خدای نخواستہ - از عدم مشارکت شما یک لطمه‌ای بر جمهوری اسلامی وارد بشود، بدانید که آحاد ما، که این خلاف را کرده باشیم - خدای نخواستہ - مسئول هستیم؛ مسئول پیش خدا هستیم.» (۶۴/۵/۸)

البته در نگاه حضرت امام(ره) انتخابات تنها جلوه‌ای از مشارکت مردمی است و ملت در همه حوزه‌های تصمیم‌گیری و سازندگی کشور باید حضور فعال داشته باشند. امام(ره) با صراحت تمام خطاب به مسئولان می‌فرمایند: «مردم را در همه امور شرکت بدهیم. دولت به تنهایی نمی‌تواند که این بار بزرگی که الآن به دوش این ملت هست بردارد. همان طوری که ملاحظه می‌کنید چنانچه این شور و شعف ملت و جوان‌های عزیز نبود، هیچ دولتی نمی‌توانست مقابله کند با این قدرتهایی که همه قدرت‌شان را، قوه‌شان را پهلوی هم گذاشتند و به ما حمله کردند. بدون اینکه این ملت همراهی کند ما نمی‌توانستیم کاری بکنیم. هر چی داریم از اینهاست و هر چی هست مال اینهاست، دولت عامل اینهاست، قوه قضائیه عامل اینهاست، قوه اجرائیه عامل اینهاست. قوه مقننه عامل اینهاست؛ ادای تکلیف باید بکنند، شرکت بدهند مردم را در همه امور.» (۶۵/۳/۱۹)

## ۵. میزان رأی ملت است

نهضت اسلامی حضرت امام خمینی (ره) مبتنی بر حضور همه جانبه ملت در تمام صحنه‌های سیاسی - اجتماعی شکل گرفته و تداوم یافت و عرصه‌ای نبود که در آن ملت حضور فعال و پرشور نداشته باشند. به واقع برخلاف بسیاری از دیگر نهضت‌ها و انقلاب‌ها با پیروزی انقلاب اسلامی حضرت امام (ره) اجازه نداد تا مردم به خانه‌های خود بازگردند و زمام امور را به نخبگان و سیاست‌پسندان سپارند تا برایشان تصمیم‌سازی کنند و ملت منفعلانه تنها نظاره‌گر مسائل باشند.

این جهت‌گیری برخاسته از عمق نگاهی رهبری الهی بود که در رأس این نهضت قرار داشت و ایشان با تمام وجود به ملت خویش باور داشتند. به همین دلیل از روز اول پیروزی نهضت کار را به مردم سپردند و از ایشان خواستند تا در گام به گام فرآیند شکل‌گیری نظام رأی خود را اعلام کنند. فراندوم جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، فراندوم قانون اساسی، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات ریاست جمهوری، انتخاباتی بود که در دو سال ابتدایی شکل‌گیری این نظام سیاسی با حضور پرشکوه مردم برگزار شد و نظام سیاسی مبتنی بر خواست و رأی ملت قانونی شد.

حضرت امام (ره) در آستانه شکل‌گیری مجلس خبرگان قانون اساسی با صراحت اعلام می‌دارند اعضای مجلس خبرگان تنها وکیل ملت بوده و قانون تدوین شده باید به تأیید ملت برسد؛ چرا که «میزان رأی ملت است، ملت یک وقت خودش رأی می‌دهد، این اساس، یک وقت یک عده‌ای را تعیین می‌کند که آنها رأی بدهند، آن در مرتبه دوم صحیح است، و الاً مرتبه اول، حق مال خود ملت است.» (۵۸/۳/۲۵)

حضرت امام (ره) با صراحت ضمن مذمت هرگونه رفتار استبدادی و تأکید بر اینکه «اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم!» اعلام

می‌دارند: «ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طوری رأی داد، ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملت‌مان یک چیزی را تحمیل بکنیم، بلکه ممکن است گاهی وقت‌ها ما یک تقاضایی از آنها بکنیم، تقاضایی که خادم یک ملت از ملت می‌کند، لکن اساس این است که مسئله دست من و امثال من نیست و دست ملت است.» (۵۸/۸/۱۹)

در کنار این اعتماد کامل حضرت امام (ره) به ملت، می‌توان نوعی مخالف و بی‌اعتمادی ایشان را نسبت به جریان‌ها و گروه‌های سیاسی‌ای مشاهده کرد که تنها ادعای مردمی بودن را داشته و در عمل به ملت نگاهی ابزاری برای تحقق منافع قدرت طلبانه خود داشتند. این حقیقتی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی و شاگرد خلف حضرت روح‌الله به آن چنین اشاره می‌کنند: «امام به معنای واقعی کلمه معتقد به آرای مردم بود. یعنی آنچه را که مردم می‌خواهند و آراءشان بر آن متمرکز می‌شود. البته در این کارها هیچ وقت سررشته کار را هم به دست سیاست‌بازان نمی‌داد. مردم غیر از سیاست‌بازهایند، غیر از مدعیان سیاستند، غیر از مدعیان طرفداری مردمند. امام به مردم اعتماد داشت. خیلی از گروه‌ها و احزاب و داعیه‌داران و سیاست‌بازها و حزب‌بازها و امثال اینها بودند، امام به اینها کاری نداشت، میدان هم به اینها نمی‌داد که بیایند زیاده‌طلبی کنند، به نام مردم حرف بزنند و عوض مردم تصمیم بگیرند، لیکن به آرای مردم احترام می‌گذاشت.»

## ۶. مردم احتیاج به قیم ندارند!

یکی از مسائل مهم در نظام‌های سیاسی تبیین جایگاه نخبگان و توده‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری و برقرار کردن نسبتی بهینه میان این دو رکن جامعه است. نظام‌های سیاسی که رکن و بنیان تصمیم‌گیری را بر توده‌های مردم بنا نهاده‌اند، به نظام‌های مردم‌سالار شهرت یافته‌اند و نظام‌هایی که بر وزن بیشتر نخبگان تأکید دارند، از مردم‌سالاری فاصله گرفته و به نظام‌های نخبه‌سالار، تمامیت‌خواه و اریستوکرات نزدیک می‌شوند.

نظام جمهوری اسلامی از جمله نظام‌هایی است که از همان ابتدا مبتنی بر مردم‌سالاری شکل گرفت و بنیانگذار جمهوری اسلامی بر اهمیت نقش ملت تأکید کردند؛ اما در طول عمر پر برکت خود مصون از تهدیدات نبوده است و گاه نظراتی شایع شده که با پررنگ کردن نقش نخبگان، جمهوریت نظام را تهدید کرده‌اند. این نگاه با صورت‌های متنوعی خودنمایی کرده و گاه احزاب و گروه‌های سیاسی، به نحوی تلاش کرده‌اند تا انتخاب و نظر خود را بر مردم تحمیل کنند.

حضرت امام (ره) در عبارات متقنی این نگاه «قیم‌آبانه» را در عرصه‌های مختلف به نقد کشیده‌اند که مشهورترین آنها در آستانه انتخابات دور سوم مجلس شورای اسلامی بود. ایشان در نقد این نگاه از بالا به پایین که معتقد بود مردم باید به افرادی که جناح‌های سیاسی (به عنوان نخبگان و خبرگان سیاسی!) معرفی می‌کنند، رأی دهند، چنین فرمودند: «همانطور که بارها گفته‌ام، مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد و یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزش‌های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و بیعت و این پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند، مسلم قدرت تشخیص و انتخاب

کاندیدای اصلح را دارند» (۶۷/۱/۱۱)

حضرت امام (ره) در عباراتی حکیمانه در برابر جریان‌های انحرافی که در آستانه انتخابات دوم مجلس مدعی شده بود از آنجا که در اسلام سیاست امری تخصصی است، تنها اسلام‌شناسان باید در آن دخالت کنند و دیگران باید از آنها تبعیت کنند، چنین هشدار می‌دهند: «از قراری که من شنیده‌ام در دانشگاه بعضی از اشخاص رفته‌اند گفته‌اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا می‌گفتند که مجتهدین در سیاست نباید دخالت بکنند، این منافی با حق مجتهدین است، آنجا شکست خورده‌اند، حالا عکسش را دارند می‌گویند. این هم روی همین زمینه است، اینکه می‌گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاسی هم حق مجتهدین است هر دویش غلط است. انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می‌کند، انتخابات بر فرض اینکه سیاسی باشد و هست هم، این دارد سرنوشت همه ملت را تعیین می‌کند، یعنی آحاد ملت سرنوشت زندگی‌شان در دنیا و آخرت منوط به این انتخابات است. این طور نیست که انتخابات را باید چند تا مجتهد عمل کنند، این معنی دارد که مثلاً یک دویست تا مجتهد در قم داشتیم و یک صد تا مجتهد در جاهای دیگر داشتیم، اینها هم بیایند انتخاب کنند، دیگر مردم بروند کنار؟! ... دانشگاهی‌ها بدانند این را که همانطوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند. فرق ما بین دانشگاهی و دانشجو و مثلاً مدرسه‌ای و اینها نیست، همه‌شان با هم هستند. اینکه در دانشگاه رفتند و یک همچو مطلبی را گفتند، این یک توطئه‌ای است برای اینکه شما جوان‌ها را مأیوس کنند.» (۶۲/۱۲/۹)

## ۷. حضور نیافتن در انتخابات در رأس گناهان کبیره

در منظومه فکری حضرت امام(ره) هر چند حضور سیاسی و مشارکت در عرصه قدرت جزء حقوق اولیه مردم به حساب می‌آید، اما از دیگر سو فعالیت سیاسی جزء وظایف شرعی، انقلابی و عقلانی آنان نیز به شمار می‌آید؛ لذا مردم موظفند با همه توان پای کار انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی باشند که یکی از مهم‌ترین تجلی‌گاه آن حضور در پای صندوق رأی است. حضرت امام(ره) در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود به این مهم چنین اشاره دارند: «وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود، مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند، چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران پذیر نباشد و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می‌باشند.»

این عبارات به خوبی اهمیت انتخابات و ضرورت هوشیاری و مشارکت ملت در آن را مشخص می‌کند و ایشان را نسبت به عواقب جدی نگرفتن انتخابات و بی‌توجهی به معیارها انداز می‌دهد. بنیانگذار جمهوری اسلامی با مسئول خواندن همه اقشار ملت نسبت به آینده انتخابات، با اشاره به حوادث تلخ دوران مشروطه و خارج شدن کار از دست ملت و به انحراف کشیده شدن نهضت یاد کرده و با صراحت اعلام می‌دارند: «از این قرار، عدم دخالت ملت از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتی؛ و چه بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است.»

پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد و الا کار از دست همه خارج خواهد شد. و این حقیقتی است که بعد از مشروطه لمس نموده‌اید و نموده‌ایم. چه هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست بر طبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد؛ و در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس با طبقه تحصیلکرده متعهد و روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیروابسته به کشورهای قدرتمند استثمارگر و اشتها به تقوا و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده، و با علما و روحانیون با تقوا و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نموده؛ و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند؛ که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه‌داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی‌توانند بفهمند و باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید؛ و مشکلاتی اگر باشد رفع می‌شود.»

انتخابات از نگاه حضرت امام (ره)، یکی از عرصه‌های مهم نبرد با استکبار جهانی و دشمنان ملت ایران است؛ به همین دلیل است که نه تنها در تشویق مردم به شرکت در انتخابات از ادبیات ویژه حماسی بهره می‌بردند، بلکه به وضوح ابراز می‌کردند که شکست در انتخابات و حضور نیافتن گسترده مردم در انتخابات سبب می‌شود که مثل دوره مشروطیت، انقلاب شکست بخورد و عناصر غیر معتقد به انقلاب و اسلام و مزدوران استکبار به قدرت دست یابند. حضرت امام (ره) در این باره می‌فرمودند:

«تکلیفی است که به همه ملت متوجه است، به زن و مرد و به آن کسی که به حد رای دادن قانونی رسیده واجب است این مسئله که در پای صندوق‌های

تعیین رئیس جمهور حاضر بشوند و رای بدهند. اگر سستی بکنید، کسانی که می‌خواهند این کشور را به باد فنا بدهند، ممکن است پیروز بشوند... اگر مردم اسلام را، استقلال و آزادی را، نبودن تحت اسارت شرق و غرب را می‌خواهند، همه در انتخابات شرکت کنند و در صحنه حاضر باشند... در هر صورت ما باید از کید این خائنین هیچ وقت غافل نشویم. اینها دائماً مشغول نقشه‌کشی هستند و دائماً مشغول توطئه هستند برای اینکه این سیلی ای که از اسلام خورده اند اینها، به این زودی جبران پذیر نیست. اینها می‌خواهند و می‌دانند که با زور نمی‌شود این کار را انجام داد، اگر هم یک وقتی می‌گویند که ما با زور و نظامی می‌کنیم، این بیخود می‌گوید خودشان هم می‌فهمند که بیخود می‌گوید. آنها اگر بخواهند کاری بکنند همین از ناحیه خود مردم، از ناحیه دانشگاه، از ناحیه بازار، از ناحیه کارگراها، از ناحیه کارخانه‌ها، از این جاها می‌خواهند صدمه بزنند. شما اگر بخواهید برای خدا باشد یا برای ملت‌تان باشد یا برای زندگی خودتان باشد، بخواهید اسیر نباشید باید همه توجه کنید و گول این حرف‌ها را نخورید و در انتخابات به طور فعال همه دخالت بکنید.» (۶۲/۱۲/۹)

در انتخابات ۱۳۶۷ که آخرین انتخاباتی بود که در زمان حیات امام خمینی (ره) برگزار گردید، معظم‌له در بخشی از پیامی که به مردم درباره شرکت در انتخابات فرستادند، چنین فرمودند: «اینجانب در هر شرایطی در انتخابات شرکت می‌کنم و ان‌شاءالله دنیا خواهد دید که مردم عزیز ایران چگونه حماسه حضور گذشته خویش را در سراسر میهن اسلامی تکرار خواهند کرد.» (۶۷/۱/۷)

حضرت امام (ره) در آستانه سومین دوره انتخابات ریاست جمهوری با صدور پیامی خطاب به ملت ایران از ایشان خواستند که با همه توان به میدان آیند و حماسه‌ای بزرگ خلق کنند که دشمنان انقلاب اسلامی را مأیوس کند. ایشان می‌فرمایند: «امروز شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نه فقط یک وظیفه



اجتماعی و ملی است، بلکه یک وظیفه شرعی اسلامی و الهی است که شکست در آن، شکست جمهوری اسلامی است، که حفظ آن بر جمیع مردم از بزرگترین واجبات و فرایض است و وسوسه در آن از شیطان بلکه عمال شیطان بزرگ است. برادران و خواهران! با هشیری بسیار و دید اسلامی سیاسی با مسائل برخورد کنید و از وسوسه منحرفان و مخالفان اسلام و وابستگان به سیاست اجانب اجتناب نمایید که اینان با هر وسیله می‌خواهند پایه‌های جمهوری اسلامی را متزلزل کنند و به خیال رسیدن به مقاصد خودشان، از هر فرصتی بهره‌برداری نمایند و نگذارند که شما در این امر حیاتی که شخصیت خود و کشورتان بسته به آن است شرکت کنید.» (۶۰/۷/۲)

در این نگاه، انتخابات، عرصه مقابله با استکبار است و وظیفه همه این است که سهمی در این مواجهه داشته باشند. انتخابات جهادی است که هیچ هزینه و هیچ خطری برای سربازانش (عموم مردم) ندارد؛ ولی همین جهاد فی سبیل الله، نتیجه‌ای بسیار بزرگ و با اهمیتی داشته و آینده انقلاب را تضمین می‌کند و دشمنان را بار دیگر مأیوس و ناامید و سرگردان خواهد کرد.

## ۸. شرکت در انتخابات تحت هر شرایط

دشمن با شناخت از پشتوانه عظیم انقلاب اسلامی از همان روز اول، تلاش کرد تا صفوف متحد ملت را از پشتیبانی جمهوری اسلامی خارج کرده و آنگاه در صدد نابودی نظام برآید؛ فرآیندی که با نصرت الهی و بصیرت ملت تا به امروز در همان گام اول ناکام مانده است. تلاش برای کم رنگ نشانیدن حضور ملت در راهپیمایی‌های بزرگ روز قدس و ۲۲ بهمن، تلاش برای بزرگنمایی برخی نارضایتی‌های طبیعی مردم ناشی از وجود برخی کمبودها و سوء مدیریت‌ها، تلاش برای پرهزینه نشان دادن حمایت ملت از جمهوری اسلامی و ایستادگی در

برابر دشمن، بخشی از تاکتیک‌های رسانه‌ای و تبلیغات استکبار جهانی است که در طول چهار دهه اخیر به کار گرفته شده و ناکام مانده است.

تلاش برای کمرنگ کردن حضور مردم در پای صندوق‌های رأی را می‌توان مهم‌ترین اقدام دشمن برای بی‌پشتوانه کردن نظام اسلامی در طول این دوران دانست که در تمامی چهل انتخابات برگزار شده، به طور مستمر پیگیری شده است. رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) در طول عمر پربرکت خود همواره به اهمیت حضور ملت در پای صندوق‌های رأی برای ناکام گذاشتن سناریوی دشمن در این زمینه تأکید ورزیده‌اند.

ایشان در آستانه مجلس دوم خطاب به ملت می‌فرمایند: «از خارج چشم دوخته‌اند به اینکه این انتخابات درست نشود. اعلامیه‌ها، و ... که مردم شرکت نکنید، و شرکت کردند الحمدلله... فرضاً که ما بد باشیم، اما اسلام که خوب است، اسلام را که قبول دارند همه، این یک وظیفه اسلامی است که ما حفظ کنیم جمهوری اسلامی را. اگر مجلس لطمه‌ای بر آن وارد بشود به جمهوری اسلامی لطمه وارد می‌شود.» (۶۳/۲/۲۵) بنیانگذار انقلاب در ادامه نتیجه حضور حداکثری را «شکل‌گیری مجلس مقتدری» دانسته‌اند که «می‌تواند با دنیا که در مقابل ایران واقع شده است کارهایش را به شایستگی عمل بکند».

حضرت روح الله (ره) در انتخابات دور سوم نیز با تأکید بر تأثیر مشارکت حداکثری بر شکست برنامه‌های دشمن می‌فرمایند: «از هم اکنون هم باید مطمئن باشیم رسانه‌های استکباری از عدم حضور مردم در صحنه انتخابات سخن‌ها خواهند گفت؛ و با تحلیل‌های موزیانه و القائات توأم با تهدید و ارباب تلاش خواهند نمود ذهن‌ها را به مسائل دیگر معطوف نمایند. غافل از آنکه امت اسلامی ایران سال‌هاست نشان داده‌اند که از این هیاهوها نمی‌ترسند، و مقاوم و استوار در مقابل تمام ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها می‌ایستند؛ و به یاری خداوند متعال، ملت

شریف ایران با حضور گسترده خود انتخابات را در موعد مقرر و با قدرت و قاطعیت برگزار می‌کنند؛ و مطمئناً در زیر موشک و بمب هم اگر قرار بگیرند، به پای صندوق‌ها می‌روند و به تکلیف شرعی و الهی خود عمل خواهند نمود و اینجانب تحت هر شرایطی در انتخابات شرکت می‌کنم.» (۶۷/۱/۱۱)

## ۹. اصلاح‌گزینی و شایسته‌سالاری

در الگوی حکمرانی مطلوب حضرت امام(ره)، مردم‌سالاری با شایسته‌سالاری تکمیل خواهد شد. یا در تعبیر دقیق‌تر با شایسته‌سالاری تحقق واقعی خواهد یافت. همه تلاش‌ها در معرکه سیاست و انتخابات برای آن است تا شایستگان و کارآمدان بر مسند قدرت بنشینند و برای تأمین منافع ملت تلاش کنند و حاصل تلاش‌شان کارآمدی و حل مشکلات مردم باشد.

لذا از همان ابتدای آغاز مبارزه یکی از دغدغه‌های اصلی حضرت امام(ره)، مسئله قرار گرفتن صاحبان صلاحیت در رأس امور کشور و تسلط ایشان بر سرنوشت ملت بوده است. حضرت امام(ره) در دوران مبارزه و در نقد رژیم ستمشاهی با صراحت تمام اعلام می‌دارند: «بدبختی و خوشبختی ملت‌ها بسته به اموری است که یکی از مهمات آن صلاحیت داشتن هیئت حاکمه است. اگر چنانچه هیئت حاکمه، کسانی که مقدرات یک کشور در دست آنهاست، اینها فاسد باشند، مملکت را به فساد می‌کشند.» (۵۷/۱۰/۱۰)

با پیروزی انقلاب اسلامی نیز قرار گرفتن خادمین واقعی ملت در رأس امور یکی از دغدغه‌های اصلی انقلابیون و حضرت امام(ره) بود. هرچند در عمل، شرایط انقلاب بعد از پیروزی، به دلیل اوضاع خاص آن روزها که شناخت ماهیت افراد را دشوار می‌کرد، به نحوی پیش رفت که برخی ناصالحان و فرصت‌طلبان در راس قدرت قرار گرفتند، اما امام(ره) تا آنجا که شرایط اقتضا می‌کرد نسبت به

این مسئله حساس بودند.

اولین انحراف در این زمینه در انتخاب رئیس دولت موقت بروز کرد که فردی چون مهندس مهدی بازرگان که با مشی و خط امام (ره) بیگانه بود، در رأس دستگاه اجرایی کشور قرار گرفت. در گام بعدی نوبت رئیس جمهور منتخب ملت بود که بنی صدر با فریب افکار عمومی توانست بر کرسی ریاست جمهوری تکیه زند. انتصاب منتظری به عنوان جانشین رهبری اشتباه دیگری بود که مجلس خبرگان رهبری مرتکب شد. همه این انتخاب‌ها در حالی صورت می‌گرفت که فرد منتخب از صلاحیت لازم برای جایگاه مدنظر برخوردار نبود و به همین دلیل نظام و کشور را با مشکلات متعددی مواجه کرد.

حضرت امام (ره) سال‌ها بعد در پیامی که به منشور روحانیت مشهور شد، با صراحت می‌فرمایند: «من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست‌ها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود، گرچه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول نمودم و الآن هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی امریکای جهانخوار قناعت نمی‌کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند.» (۶۷/۱۱/۲۹)

توصیه ایشان در مورد خط به قدرت رسیدن بی‌صلاحیت‌ها در وصیت‌نامه سیاسی - الهی‌شان قابل توجه است: «وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و

اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود، مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند، چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران پذیر نباشد. و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می‌باشند.»

### ۱۰. شاخص اصلح

راه و رسم رشد و تعالی نظام اسلامی قرار گرفتن بهترین‌ها و شایسته‌ها در صدر امور است. مرحوم علامه امینی در کتاب «الغدیر» می‌فرماید، ابن عباس از رسول خدا چنین نقل می‌کند: «من استعمل عاملاً من المسلمین و هو یعلم ان فیهم اولی بذلک منه و اعلم بکتاب الله و سنه نبیه فقد خان الله و رسوله و جمیع المسلمین.» هر کس از مسلمانان عاملی (کارگزاری) را بر سر کار بیاورد - و به او مسئولیت بدهد - در حالی که می‌داند در بین مسلمانان فردی وجود دارد که او برای این کار سزاوارتر است و به کتاب و سنت پیامبر (ص) آشناتر است آن کس به خدا و رسول خدا و جمیع مسلمین خیانت کرده است.

بنابراین بر افراد جامعه اسلامی لازم است تا ویژگی‌های افراد را بررسی کنند و از بین آنها بهترین و شایسته‌ترین فرد را برای تصدی امور و کارگزاری نظام اسلامی برگزینند. این مسئله، اصل اساسی حضرت امام (ره) در انتخاب مسئولان نظام اسلامی بوده و توصیه‌ای است که آن بزرگوار در همه انتخابات‌های نظام اسلامی به مردم داشته‌اند.

امام (ره) در وصیتنامه سیاسی - الهی خود می‌فرمایند: «ملت در هر دوره از انتخابات، وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند و غیرمنحرف از صراط مستقیم به سوی غرب یا شرق

و بدون گرایش به مکتب‌های انحرافی و اشخاص تحصیل کرده و مطلع بر مسائل روز و سیاست‌های اسلامی به مجلس بفرستند»

ایشان خلق و خوی نماینده شایسته را چنین برمی‌شمرند: «اشخاصی را انتخاب کنیم که از هر جهت صالح باشند. مسلمان بودن تنها فایده‌ای ندارد، باید جمهوری اسلامی را قبول داشته باشد و از مسائل روز اطلاع داشته باشد. سعی کنید مثل مرحوم مدرس را انتخاب کنید. کسانی را که انتخاب می‌کنید باید مسائل را تشخیص دهند، نه از افرادی باشند که اگر قدرت دیگری تشری زد بترسند، باید بایستند و مقابله کنند.» (۶۲/۱۰/۱۲)

معظم‌له یکی از شاخص‌های اصلی نمایندگی مجلس آشنایی با مشکلات کشور دانسته و می‌فرماید: «و انتخاب اصلح برای مسلمین یعنی انتخاب فردی که تعهد به اسلام و حیثیت آن داشته باشد؛ و همه چیز را بفهمد، چون در مجلس، اسلام تنها کافی نیست، بلکه باید مسلمانی باشد که احتیاجات مملکت را بشناسد و سیاست را بفهمد و مطلع به مصالح و مفاسد کشور باشد.» (۶۲/۲/۴)

بنیانگذار جمهوری اسلامی در آخرین انتخابات مجلس (دوره سوم) در حیات پربرکت‌شان در ۶۷/۱/۱۱ خطاب به ملت می‌فرماید: «مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رأی دهند که؛

- ۱- متعبد به اسلام و وفادار به مردم باشند
- ۲- و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند،
- ۳- و طعم تلخ فقر را چشیده باشند،
- ۴- و در قول و عمل مدافع اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنج‌دیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه جو، اسلام پاک‌طینتان عارف، و در یک کلمه، مدافع اسلام ناب محمدی- صلی الله علیه و آله وسلم- باشند.
- ۵- و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه داری، اسلام مستکبرین، اسلام

مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت طلبان، اسلام فرصت طلبان، و در یک کلمه، اسلام آمریکایی هستند، طرد نموده و به مردم معرفی نمایند.

۶- ... تمیز بین کسانی که در تفکر خود خدمت به اسلام و محرومان را اصل قرار داده‌اند، با دیگران کار مشکلی نیست.»

## ۱.۱. صیانت از آرای ملت

بدون شک، آنچه موجب تضمین حداقلی و البته قانونی صلاحیت‌هاست، شورای نگهبان است که یکی از مهم‌ترین ارکان حافظ جمهوریت و اسلامیت نظام اسلامی به حساب می‌آید. فلسفه نظارت بر انتخابات، پیشگیری از رقابت ناسالم بین داوطلبان و نیز جلوگیری از تخلفات و خطاهای برگزارکننده انتخابات و صیانت از آرای مردم است. هر جا که تخلف، تقلب و خطای مجری قانون، محتمل باشد، نظارت بر اجرا نیز موضوعیت پیدا می‌کند.

فرآیند بررسی و احراز صلاحیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی برعهده شورای نگهبان گذاشته شده است. این شورا علاوه بر وظیفه نظارت بر تدوین قوانین در مجلس شورای اسلامی، نظارت بر کلیه انتخابات کشور را نیز برعهده دارد و موظف است صلاحیت همه نامزدهایی را که جهت شرکت در هر انتخاباتی (به جز انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا) در وزارت کشور ثبت نام می‌کنند، بررسی کرده و صاحبان صلاحیت را به مردم معرفی کند تا مردم از میان آنها بتوانند بهترین یا بهترین‌ها را برگزینند.

در اهمیت این نهاد همین بس که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نه تنها تأکید می‌کنند که «با شورای نگهبان صددرصد موافقم»، بلکه اعضای آن را «حافظ مصالح اسلام و مسلمین» دانسته و نسبت به کسانی که بی‌پروا به فقهای شورا می‌تازند، می‌فرمایند: «من به این آقایان هشدار می‌دهم که تضعیف و توهین

به فقهای شورای نگهبان امری خطرناک برای کشور و اسلام است.» (۶۳/۲/۲۵)

حضرت امام خمینی (ره) در ۱۸ خرداد سال ۱۳۶۰ و در بحبوحه آشوب آفرینی‌های بنی‌صدر و حامیانش، کسانی را که از قانون یا مصوبات مجلس که به تأیید شورای نگهبان رسیده است، تمکین نمی‌کنند، «مخالفت با اسلام» می‌دانند. ایشان سال‌های بعد در سخنرانی‌ای به برخی مخالف‌ها با نظر شورای نگهبان در ابطال برخی از حوزه‌های انتخابی در مجلس دوم اشاره می‌کنند و با تأکید بر جایگاه رفیع شورای نگهبان و نگرانی از خطر تضعیف آن می‌فرمایند:

«چنانچه مشاهده می‌شود پس از انتخابات مرحله اول از دوره دوم مجلس شورای اسلامی، افرادی که نظریه شورای محترم نگهبان در ابطال یا تأیید بعضی حوزه‌ها موافق میل‌شان نبوده است، دست به شایعه‌افکنی زده و اعضای محترم شورای نگهبان - ایدهم الله تعالی - را که حافظ مصالح اسلام و مسلمین هستند، تضعیف و یا خدای ناکرده توهین می‌نمایند و به پخش اعلامیه و خطابه در مطبوعات و محافل دست زده‌اند، غافل از آنکه پیامد چنین اعمال و جوسازی‌ها آن هم در دوره دوم مجلس و نگذشتن سالی چند از انقلاب چه خواهد بود. امید است چنین اعمال، بی‌توجه به نتایج ناروا و اسف‌بار آن باشد.

معلوم نیست در صدر مشروطیت در دوره اول با فقهای ناظر به قوانین این نحو عمل شده باشد. در آن زمان به تدریج فقها را از مجلس بیرون راندند و به سر این ملت آن آوردند که دیدیم. من به این آقایان هشدار می‌دهم که تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان امری خطرناک برای کشور و اسلام است. همیشه انحرافات به تدریج در یک رژیم وارد می‌شود و در آخر، رژیمی را ساقط می‌نماید. لازم است همه به طور اکید به مصالح اسلام و مسلمین توجه کنیم و به قوانین، هر چند مخالف نظر و سلیقه شخصی مان باشد، احترام بگذاریم و به این جمهوری نوپا که مورد هجوم قدرت‌ها و ابرقدرت‌هاست، وفادار باشیم.



در خاتمه باید بگویم که حضرات آقایان فقهای شورای نگهبان را با آشنایی و شناخت تعیین کردم و احترام به آنان و حفظ مقامشان را لازم می‌دانم و امید آن دارم که این نحو امور تکرار نشود و به شورای نگهبان تذکر می‌دهم که در کار خود استوار باشید و با قاطعیت و دقت عمل فرمایید و به خدای متعال اتکال کنید. از خداوند تعالی عنایت و رحمت برای ملت عزیز را خواستارم.» (۶۳/۲/۲۵)

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که ادامه این خدمت بزرگ (شورای نگهبان) را به اسلام و جمهوری اسلامی امری ضروری می‌دانند، در دیدار فقها و حقوقدانان شورای نگهبان، تأکید می‌کنند: «شورای نگهبان بدون ملاحظه از هیچ کس فقط و فقط خدا را در نظر بگیرند» (۶۲/۹/۲۰)

## ۱۲. مجلس در رأس امور

در میان همه نهادهای قانونی و انقلابی در نظام اسلامی، مجلس شورای اسلامی در منظر حضرت امام خمینی(ره) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت را می‌توان در بخش‌های مختلفی از رهنمودهای ایشان مشاهده کرد. حضرت امام(ره) در سخنرانی که در جمع اعضای دفتر تحکیم وحدت داشته‌اند، با صراحت اعلام می‌دارند: «مجلس در رأس همه امور واقع است.» (۶۱/۹/۶)

ایشان همچنین در جمع فرمانداران، بخشداران و اعضای شوراهای روستایی نیز که در خصوص وظایف فرمانداران و بخشداران در حکومت اسلامی و اهمیت انتخابات سخن گفتند، درباره جایگاه مجلس فرمودند: «مجلس یک چیزی است که در رأس همه اموری که در کشور است واقع است. یعنی مجلس خوب همه چیز را خوب می‌کند و مجلس بد همه چیز را بد می‌کند. و لهذا آنهایی که قبلاً در این کشور حکومت داشتند سعی‌شان این بود که مجلس را نگه دارند.» (۶۲/۱۰/۱۴)

حضرت امام(ره) نه تنها مجلس را خانه واقعی ملت و تجلی اراده ملی، بلکه تعرض به آن را قبیح، بر خلاف مصلحت کشور و خلاف موازین دینی دانسته و می‌فرماید: «مجلس تنها مرجعی است که برای یک ملت است. مجلس قوه مجتمع یک ملت است و مجلس از همه مقاماتی که در یک کشور هست بالاتر است. بنابراین یک همچو مقامی را نشکنید و لو نمی‌توانید.» (۵۸/۱۲/۲۹)

ایشان همچنین در اهمیت مجلس شورای اسلامی و جامعیت نقش آن در پرداختن به مسائل مهم کشور و اصلاح امور جامعه بر این باورند که اگر مجلس شورای اسلامی طبق موازین شکل گیرد و نمایندگان آن افراد صالح و دلسوز مردم باشند، چنین مجلسی منشأ اصلاح همه امور جامعه خواهد بود. به تعبیری اگر مجلس یک مجلس اسلامی باشد که با انتخابات صحیح شکل بگیرد و اشخاصی که انتخاب می‌شوند، واقعا منتخب ملت باشند، تمام کارها با دست مجلسی‌ها اصلاح می‌شود.

حضرت امام (ره) در وصیت نامه سیاسی - الهی خود ضمن اشاره به وضعیت مجالس قبل از انقلاب اسلامی، درباره اهمیت مجلس شورای اسلامی و نقش مردم چنین می‌فرماید: «ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناک‌تر در این رژیم تحمیلی فاسد (پهلوی) خورد چه مصیبت‌ها و خسارت‌های جان‌فرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکر مآب به کشور و ملت وارد شد. از بعد از مشروطه هیچگاه به قانون اساسی عمل نشده... اکنون که با عنایت پروردگار و همت ملت عظیم‌الشأن سرنوشت کشور به دست مردم افتاده و وکلا از خود مردم و با انتخاب خودشان بدون دخالت دولت و خان‌های ولایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند و امید است که با تعهد آنها به اسلام و مصالح کشور جلوگیری از هر انحراف بشود.»

## گفتار چهارم: انتخابات مطلوب در نگاه امام خامنه‌ای

انتخابات شایسته و مایه آبروی نظام اسلامی دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است که در کلام رهبر حکیم فرزانه انقلاب اسلامی در طول سال‌های متمادی معرفی شده است. توجه به این شاخص‌ها می‌تواند برای فعالیت دغدغه‌مندان نظام اسلامی را در انتخابات آتی معین کند. به واقع، همه تلاش‌ها و برنامه‌ها باید در جهت تحقق چنین انتخاباتی صورت گیرد.

### ۱. انتخاباتی پرشور و با مشارکت همگانی

مهم‌ترین ملاحظه مورد توجه رهبر معظم انقلاب اسلامی در همه انتخابات‌های جمهوری اسلامی و «در درجه اول، مشارکت بالاست.» (۱۴۰۰/۲/۲۱) مسئله «مشارکت حداکثری» و حضور گسترده ملت در پای صندوق‌های رأی که همواره مورد تأکید ایشان بوده و در این باره اظهار داشته‌اند: «این حرف اول من و مهم‌ترین حرف من در همه دوره‌های انتخابات بوده است،

الان هم هست: شرکت همگانی و بانشاط مردم.» (۹۴/۱۰/۳۰) از نگاه ایشان «آنچه که باید به عنوان راهبرد اساسی مورد نظر همه باشد، عبارت است از حضور حداکثری مردم.» (۸۳/۸/۲۴)

مشارکت گسترده ملت در انتخابات آنقدر بااهمیت است که معظم‌له با صراحت اعلام می‌دارند: «من بارها گفته‌ام که اصل حضور مردم در انتخابات، حتی از انتخاب اصلح هم مهم‌تر است؛ اگرچه انتخاب اصلح هم بسیار اهمیت دارد.» (۸۴/۲/۱۷) این تأکید برخاسته از عمق باوری است که معظم‌له به جایگاه مردم در نظام اسلامی داشته‌اند؛ به نحوی که از تعبیر «نظام مردم سالاری دینی» برای حکومت اسلامی یاد می‌کنند. معظم‌له در دیدار استادان و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، در جمله معترضه‌ای می‌فرمایند: «بعضی‌ها اسم مردم را می‌آورند؛ اما حقیقتاً اعتقادی به مشارکت مردم ندارند. بعضی اسم مردم را می‌آورند؛ اما به مردم اعتماد ندارند. بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است. بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است.» (۸۷/۹/۲۴)

در نگاه ایشان چنین حضور گسترده‌ای رمز بقا و تداوم انقلاب اسلامی است؛ چرا که جمهوری اسلامی متکی بر رأی و اعتماد به ملت شکل گرفته است. معظم‌له «علاج دردهای مزمن کشور را در پُرشور بودن انتخابات» می‌دانند و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نهم به این حقیقت چنین اشاره می‌کنند: «کشور ما متکی به آرای مردم است. علت اینکه دشمنان ملت و طمع‌ورزان به این آب و خاک نتوانسته‌اند در طول بیست و شش سال گذشته گزندگی وارد کنند، حضور و اراده و مشارکت مردم در صحنه‌های مختلف بوده است. راه‌پیمایی‌های شما در بیست و دوم بهمن یا در روز قدس و شرکت شما در انتخابات‌های گوناگون سال‌های گذشته، این کشور را بیمه کرده است. مشارکت در سرنوشت کشور

علاوه بر اینکه در اداره و تعیین مدیریت کشور نقش دارد، در خنثی کردن دشمنی دشمنان هم بزرگ‌ترین نقش را ایفا می‌کند.» (۸۴/۱/۱)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در آستانه انتخابات اسفندماه ۱۴۰۲ از تعبیر «معجزه مشارکت» استفاده کرده و در شرح آن می‌فرمایند: «اگر حضور پرشور مردم در انتخابات باشد، این وحدت ملی را نشان می‌دهد، این انگیزه ملت ایران را برای حضور در صحنه نشان می‌دهد؛ انگیزه ملت ایران و وحدت ملی، قدرت ملی به وجود می‌آورد؛ قدرت ملی موجب امنیت کشور می‌شود؛ وقتی کشور امنیت پیدا کرد، آن وقت علم در آن کشور پیشرفت می‌کند، اقتصاد در آن کشور به شکوفایی می‌رسد، مشکلات گوناگون فرهنگی و اقتصادی و سیاسی در کشور قابل حل می‌شود؛ مشارکت یک چنین معجزه‌ای می‌کند.» (۱۴۰۲/۱۰/۲)

معظم له تلاش دارند تا نتایج مشارکت پرشور را برشمارند و از سوی دیگر به نتایج منفی مشارکت ضعیف نیز بپردازند تا مشخص شود اگر مردم پای کار نیایند، چه تبعاتی گریبانگیر کشور خواهد شد. لذا در ادامه می‌فرمایند: «اگر مشارکت ضعیف باشد، مجلس ضعیف خواهد شد و مجلس ضعیف توانایی کامل برای رفع مشکلات نخواهد داشت. اگر می‌خواهیم مشکلات برطرف بشود، باید مشارکت را بالا ببریم؛ این وظیفه همه است. هر که می‌خواهد مشکلات کشور برطرف بشود، راهش این است. این، مسئله مشارکت. البته اگر در آینده عمر و فرصت بود، من باز [مطالبی را در این باره] عرض خواهم کرد.» (۱۴۰۲/۱۰/۲)

ایشان از دانشجویان بسیجی چنین مطالبه دارند: «تلاش شما باید این باشد که مشارکت را به معنای حقیقی کلمه حداکثری کنید.» (۸۴/۳/۵) و در مقام یک مرجع عالی‌قدر اعلام می‌دارند: «هر کسی به استحکام این نظام علاقه‌مند است، هر که به اسلام علاقه‌مند است، هر که به ملت ایران علاقه‌مند است، برای او عقلاً و شرعاً واجب است که در این انتخابات شرکت کند.» (۸۸/۳/۱۴)

از نگاه رهبری «بین کسانی که به نظام معتقدند و کسانی که مخالف نظامند، در حقوق شهروندی تفاوتی نیست.» (۸۰/۶/۱۵) و برای حضور در پای صندوق رأی لازم نیست که اعتقادی خاص یا گرایش سیاسی ویژه‌ای داشته باشی، لذا «هر کس اسلام را دوست دارد، انقلاب را دوست دارد، نظام را دوست دارد، ایران را دوست دارد باید در انتخابات شرکت کند.» (۹۸/۱۱/۲۹)

عواملی چون ناآگاهی از اهمیت رأی دادن، نارضایتی مردم از برخی عملکردها و ناکارآمدی‌های دستگاه‌های اجرایی، در کنار بی‌اعتمادی به برخی روندهای انتخاباتی، موجب می‌شود تا بخشی از جامعه با وجود آنکه تعلق به دشمن ندارند، در پازل آنان بازی کرده و در پای صندوق رأی حاضر نگردند. همین امر ضرورت جهاد تبیین برای تحقق مشارکت حداکثری در انتخابات را آشکار می‌کند. باید کاری کرد که مردم اهمیت انتخابات و معنا و پیامدهای حضور و عدم حضورشان را دریابند و همه آنان که ایران را یکپارچه و مقتدر و با عزت می‌خواهند با وجود مشکلات و اختلاف نظر بر سر حضور بر پای صندوق رأی به یک «وفاق ملی» برسند و همچون ۴۴ سال گذشته، نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کنند.

مبتنی بر همین منطوق است که معظم له می‌فرماید: «همه بیایند... آن کسانی که ممکن است نسبت به نظام جمهوری اسلامی هم حتی مسئله داشته باشند، نسبت به امنیت کشور که دیگر مسئله ندارند، نسبت به اقتدار کشور که دیگر مسئله ندارند. خب، امروز این نظام، امنیت کشور را حفظ کرده است، پیشرفت کشور را تسریع کرده است، به این ملت عزت داده است؛ اینها که دیگر قابل انکار نیست، اینها را که دوست دارند؛ [پس] وارد این میدان بشوند برای عزت بخشیدن به ایران و ایرانی، برای استمرار امنیت ملی، برای تضمین پیشرفتی که بحمدالله از اول انقلاب شروع شده و تا امروز بی‌وقفه پیش رفته؛ برای اینها باید

وارد بشوند. همه باید وارد بشوند.» (۹۴/۱۰/۳۰)

ایشان با شناخت جامع و کاملی که از صحنه تقابل انقلاب اسلامی و دشمنان حقیقت دارند، به دقت گوشزد می‌کنند: «یک عده‌ای کمین کرده‌اند که با عدم ورود مردم در عرصه انتخابات یا با تحریم انتخابات یا با سست کردن انتخابات یک مچ‌گیری از نظام جمهوری اسلامی بکنند؛ یک عده‌ای کمین کرده‌اند.» (۹۴/۱۰/۳۰) رهبری از تلاش‌های ناکام دشمن در ادوار گذشته انتخابات چنین یاد می‌کنند: «در یک دوره‌ای سعی کردند انتخابات مجلس شورای اسلامی را به انواع و اقسام حيله‌ها متوقف کنند. خدای متعال نخواست و اراده مردان مؤمن نگذاشت؛ نتوانستند. از این مأیوسند که انتخابات را به کلی تعطیل کنند. در درجه بعد، هدف‌شان این است که انتخابات سبک و سرد برگزار بشود. می‌خواهند ملت ایران حضور فعالی در انتخابات نداشته باشد.» (۸۸/۲/۲۲)

## ۲. انتخاباتی آرام و امن

حفظ امنیت و ثبات و آرامش انتخابات یکی از دغدغه‌های مهم رهبری در تمامی انتخابات بوده است که همواره با رهنمودهای خود نسبت به حفظ آن تأکید داشته‌اند. از منظر ایشان، انتخابات همواره باید مظهر وحدت و انسجام ملی باشد و لازمه و نشانه آن وجود آرامش در انتخابات است. تشنج، درگیری و ناامن‌سازی فضای انتخاباتی، اقداماتی است که از تبدیل فرصت انتخاباتی به تهدیدی برای انسجام و امنیت ملی کشور حکایت دارد. اقدامی که معمولاً با تحرکات و سناریوهای طرح‌ریزی شده در بیرون از مرزها و حمایت‌ی داخلی دشمن و غفلت و سوء تدبیر جناح‌های سیاسی داخلی و گاه هواداران نامزدها به وجود می‌آید.

در سال ۱۳۸۸، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پای صندوق رأی در

انتخابات ریاست جمهوری دهم، فرمودند: «امنیت انتخابات خیلی مهم است. ما سی سال است انتخابات داریم و بحمدالله همیشه در انتخابات‌ها، امنیت برقرار بوده است.» (۸۸/۳/۲۲) انتخاباتی که متأسفانه به واسطه نقش آفرینی فتنه‌گران به آشوب کشیده شد! البته رهبری تلاش کردند تا حوادث تلخ ایجاد شده در انتخابات سال ۱۳۸۸ را به فرصتی برای تنبه و عبرت‌گیری و درس‌آموزی بدل کرده و مسئولان و مردم را از سیاست دشمن برای ناامن سازی انتخابات در این کشور آگاه کنند. لذا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم فرمودند: «انتخابات برای کشور مایه آبروست، مایه افتخار است. همه مراقب باشند که انتخابات مایه بی‌آبرویی برای کشور نشود؛ آنطوری که در سال ۸۸ یک عده‌ای سعی کردند انتخابات را مظهر اختلافات وانمود کنند، جنجال سیاسی طبیعی انتخابات را تبدیل کنند به یک فتنه؛ که البته ملت ایران در مقابلش ایستاد و هر وقت هم شبیه آن اتفاق بیفتد، ملت در مقابل آن خواهد ایستاد.» (۹۱/۷/۲۴)

«بی‌ثبات‌سازی» انتخابات از جمله ترفندهای اساسی مورد نظر دشمن است که در آستانه انتخابات‌ها می‌تواند با ماجراجویی‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ... دنبال شود. لذا رهبر بصیر انقلاب اسلامی در این باره چنین هشدار می‌دهند: «یکی از راه‌ها هم این است که سعی کنند در ایام انتخابات، سر مردم را به یک چیز دیگری گرم کنند؛ یک حادثه‌ای پیش بیاورند، یک ماجرای درست کنند؛ یک ماجرای سیاسی، یک ماجرای اقتصادی، یک ماجرای امنیتی.» (۹۱/۱۰/۱۹)

رهبری همواره از همه مسئولان کشور خواسته‌اند: «تا قبل از انتخابات و در خود انتخابات، باید همت همه مسئولین این باشد که آرامش سیاسی کشور را حفظ کنند؛ نگذارند فضای سیاسی کشور، جنجالی و متلاطم شود.» (۹۱/۷/۲۴) ایشان چندماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری یازدهم تأکید کردند: «از امروز تا روز انتخابات، هر کسی احساسات مردم را در جهت ایجاد اختلاف به کار



بگیرد، قطعاً به کشور خیانت کرده.» (۹۱/۸/۱۰) رهبری در آستانه انتخابات مجلس ششم از وجود دست‌هایی برای ایجاد اختلاف و تشنج در انتخابات چنین سخن گفتند: «احتمالاً دست‌هایی در کار است که در آستانه انتخابات، محیط کشور را محیط متشنج کند؛ اگر نتواند تشنج عملی هم به‌وجود آورد، محیط تشنج فکری و ذهنی و بحران‌سازی مصنوعی کند. این دست‌ها، دست‌های خودمی نیستند؛ دست‌های خودی‌ها نیستند؛ دست‌های بیگانه و دست‌های خائند. ملت ایران باید هشیار باشد و بحمدالله هست.» (۷۸/۱۰/۱۸)

رهبری از بازیگران عرصه انتخابات می‌خواهند که: «انتخابات باید در فضای آرام و با صفا انجام گیرد و دور از تشنج و درگیری و فضای نفرت باشد. بدیهی است که در همه جا نامزدهای گوناگونی با آرا و عقاید و سلیق‌های مختلفی هستند و مردم هم نگاه می‌کنند و ان‌شاءالله با شناسایی و با تدبیر انتخاب می‌کنند و رأی خواهند داد. این کار باید در فضای آرام انجام گیرد.» (۷۸/۱۱/۲۶)

شرایط پیش روی انتخابات ۱۴۰۲ به نحوی است که از ملاحظات امنیتی بیشتری نسبت به ادوار انتخابات گذشته برخوردار خواهد بود. تلاش دشمن در پاییز ۱۴۰۱ بلوایی بود که به کمک جنگ شناختی و ابزار رسانه شعله‌ور شد. هر چند نظام توانست به کمک حماسه بصیرت و حضور ملت بر آن فائق آمده و فتنه را مهار کند، اما دشمنان همچنان سناریوهای متعدد دیگری را در دستور کار دارند و تا آستانه انتخابات اسفندماه دنبال خواهند کرد.

### ۳. انتخاباتی سالم و بی‌شائبه

یکی از دغدغه‌های مهم رهبر معظم انقلاب اسلامی مسئله سلامت انتخابات است. در نگاه ایشان «رأی ملت امانتی است» که در اختیار مسئولان امر قرار دارد و ایشان موظفند که با تمام توان در حفظ و سلامت آن بکوشند. سلامت

انتخابات هم به مرحله «پیش از انتخابات» و هم «حین انتخابات» و هم «پس از انتخابات» توجه دارد. به واقع تمام فرآیند انتخابات از زمان آغاز فعالیت سیاسی جناح‌ها تا اعلام و تأیید نتایج نهایی انتخابات باید مورد توجه قرار گیرد.

انتخابات معیارسنجی است که وقتی ارزشمند است که بازتاب دهنده واقعی خواست و رأی ملت باشد. لذا این میزان و ترازو باید صحیح عمل کرده و آنچه را که هست، به خوبی آشکار کند. در تحقق این امر متولیان برگزارکننده انتخابات نقش مؤثر و کلیدی را دارند که باید سلامت انتخابات را تضمین کنند.

تأکید بر تضمین سلامت انتخابات موضوعی نیست که رهبری هیچ گاه از توجه به آن غفلت کرده باشند و همواره فرموده‌اند: «بنده هم اصرار دارم که انتخابات باید با سلامت کامل، با رعایت امانت کامل انجام بگیرد. مسئولین دولتی و مسئولین غیر دولتی که در کار انتخابات دست‌اندر کارند و مسئول هستند، همه باید طبق قانون، با دقت کامل، با رعایت کمال تقوا و پاکدستی عمل کنند تا انتخابات سالمی پیش بیاید؛ و مطمئناً هم چنین خواهد شد.» (۹۱/۱۰/۱۹)

در همین راستا با تعبیر انتخابات به مثابه «حق الناس» مواجه هستیم که در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای یافته است. معظم‌له در انتخابات خردادماه سال ۹۲، پس از شرکت در انتخابات خطاب به مسئولان صندوق‌ها و بازشماری و قرائت آرا فرموده بودند: «بدانند رأی مردم امانتی است دست آنها و حق الناس است؛ یعنی حفظ امانت در این مسئله، حق الناس است.» (۹۲/۳/۲۴)

برای فهم بهتر ابعاد حق الناس بودن انتخابات باید به این نکته توجه کرد که انتخابات فرآیندی است که بخش‌ها و بازیگران متعددی دارد. لازمه کمال و سلامت آن نیز آن است که هر یک از این بخش‌ها به وظیفه ساختاری خود عمل کنند و اگر خللی به هر یک از این بخش‌ها وارد باشد، به واقع در این امانتی که در اختیار بازیگران و نقش آفرینان نهاده شده است، لطمه‌ای وارد شده است.

مهم‌ترین رکن تحقق انتخابات سالم متعلق به مجریان انتخابات است که به واقع رأی مردم امانتی نزد آنان به حساب می‌آید و انتظار آن می‌رود که در جهت حفظ و صیانت آن بیشترین تلاش را کنند تا کوچک‌ترین تخلفی از خواست و رأی ملت حاصل نشود. رهبری در دیدار با بسیجیان در استان خراسان شمالی یادآور می‌شوند: «فرض ما بر این است که مسئولین کشور با وجدان اسلامی و الهی وارد می‌شوند و انتخابات ما سالم است. در گذشته هم که در دولت‌های مختلف انتخابات انجام گرفته است - چه انتخابات ریاست جمهوری، چه انتخابات مجلس، چه دیگر انتخاب‌ها - فرض ما بر این بوده است که انتخابات، انتخابات سالمی است. البته مراقبت‌های گوناگون از جهات مختلف لازم است انجام بگیرد.» (۹۱/۷/۲۴)

بخش دیگر بخش نظارتی است که هم در مرحله بررسی صلاحیت نامزدها نقش دارند و هم نظارت بر حسن اجرای انتخابات. در مرحله بررسی صلاحیت‌ها رعایت حق‌الناس همان رعایت قانون است تا اولاً همه کسانی که مطابق با قانون شرایط لازم برای ورود به میدان رقابت انتخاباتی را دارند، بتوانند وارد این میدان شوند و به ناحق کسی رد صلاحیت نشود، و ثانياً تنها کسانی که صلاحیت دارند تأیید صلاحیت شده و ناصالحان به هیچ وجه تحت تأثیر تعلقات سیاسی، نفوذ صاحبان قدرت و فشار موافقان و مخالفان اجازه ورود در میدان رقابت انتخاباتی را نیابند. تضمین سلامت انتخابات و صیانت از رأی ملت نیز تجلی دیگری از رعایت حق‌الناس است که بر عهده دستگاه‌های نظارتی گذاشته شده است.

در نگاه معظم له مسئول حفظ سلامت انتخابات تنها ستاد انتخابات کشور و شورای نگهبان نیستند، بلکه همه جناح‌های سیاسی، نامزدهای انتخاباتی، رسانه‌ها، هواداران و توده‌های رأی دهنده در این میان نقش خواهند داشت. به واقع

صحنه‌گردان اصلی رقابت‌های انتخابات نامزدهای انتخاباتی و احزاب و گروه‌های سیاسی حامی آنان هستند که آنان نیز در حفظ سلامت انتخابات وظیفه دارند. احزاب باید تلاش کنند تا منافع جناحی را مقدم بر منافع ملی قرار نداده و متناسب با صلاح کشور و منافع جامعه، بهترین و شایسته‌ترین را برای رقابت سیاسی به مردم معرفی کنند و از فریب و اغواگری افکار عمومی بپرهیزند. پایبندی به قانون و اخلاق انتخاباتی می‌تواند بسترساز سلامت انتخابات شود. احزاب سیاسی باید از هر اقدامی که سلامت انتخابات را زیر سؤال می‌برد، پرهیز کنند و نگذارند که سلامت انتخابات زیر سؤال برود.

انتخابات سالم انتخاباتی است که در آن حتی از یک رأی ملت صیانت شود. عملکرد چهل و چهار ساله جمهوری اسلامی نشان داده است، همواره از رأی ملت صیانت کرده و اجازه نداده است آنچه غیر خواست و رأی ملت است، محقق شود. لذا رهبری خطاب به مسئولان در هنگام رأی‌گیری در انتخابات ریاست جمهوری نهم فرمودند: «امروز هم من از دست‌اندرکاران انتخابات - هم مجریان و هم ناظران - جداً و موکداً درخواست می‌کنم که از آرای مردم حفاظت کنند. آرای مردم امانتی است در دست آنها و بدون هیچ‌گونه جانبداری و دخالت دادن امیال خودشان، رأی مردم را بگیرند و آن‌چنان که هست، بخوانند و ثبت کنند و سپس اعلام کنند. و همین‌طور هم خواهد بود...» (۸۴/۴/۳) معظم‌له در آستانه انتخابات سال ۱۳۹۲ یادآور می‌شوند: «یک مسئله‌ی دیگر این است که به مردم گفته شود، تلقین شود که انتخابات سلامت لازم را ندارد.» (۹۱/۱۰/۱۹)

در این میان دشمنان ملت ایران همواره در القای عدم سلامت در انتخابات تلاش داشته‌اند که این حربه از همان اولین مراجعه به آرای ملت که در فروردین جمهوری اسلامی در فروردین ۱۳۵۸ کلید خورده و تا امروز تداوم یافته است. تلاش مستمر دشمن برای زیر سؤال بردن سلامت انتخابات هرچند همواره

شکست خورده، اما در انتخابات آتی نیز به لطایف الحیلی ادامه خواهد داشت، لذا باید تلاش کرد تا جامعه در این زمینه به آگاهی و اطمینان کامل برسد که انتخابات در جمهوری اسلامی، سالم‌ترین انتخابات در جهان بوده و خواهد بود.

#### ۴. انتخاباتی در چارچوب قانون

یکی از ارکان برگزاری انتخابات طراز انقلاب اسلامی، قانونگرایی و پایبندی به ضوابط قانونی است. این قانون‌گرایی نیز از اصولی است که همه فعالان صحنه انتخابات از مجریان و ناظران و نامزدها تا هواداران و انتخاب‌کنندگان باید به آن پایبند باشند. این مسئله بارها به از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی در آستانه انتخابات گوشزد شده است. برای نمونه، ایشان در آستانه انتخابات مجلس هشتم می‌فرمایند: «من به مجریان انتخابات توصیه کرده‌ام، الان هم توصیه می‌کنم: باید به شدت قانون را رعایت کنند. حد و مرز، قانون است. همه باید الزامات قانونی را بپذیرند و تسلیم الزامات قانونی بشوند. قانون حد فاصل حق و باطل است در حرکت و مشی ملت و مسئولین. قانون را نباید دور زد. این باید رعایت بشود.» (۸۶/۱۱/۱۹)

معظم‌له اعضای شورای نگهبان را از هرگونه تأثیرپذیری از سلايق و مذاق‌ها برحذر داشته و خطاب به ایشان می‌فرماید: «همان‌طور که همیشه گفته‌ایم، در امر نظارت باید قانون و موازین ملاک و معیار باشد و نه مذاق‌ها و سلايق شخصی. مطلقاً دنبال مذاق شخصی نروید و این‌طور نباشد که یک وقت انسان خودش تشخیص دهد که اگر این فرد در مجلس نباشد، برای مجلس خسارتی است؛ اگر این شخص باشد، برای مجلس فایده‌ای دارد؛ آن‌گاه برخلاف موازین و مقررات، این مذاق اعمال شود. باید کاری کنید که بتوانید پیش‌خداي متعال و بندگان او جوابگو باشید. اگر از شما سؤال شد که به چه مناسبت این شخص را رد

کردید، شما بگویید: پروردگارا! من ملزم بودم طبق مقررات عمل کنم. مقررات چنین گفت، من هم این شخص را رد کردم؛ یا مقررات چنین گفت، من این شخص را تأیید کردم؛ اما اینکه من این گونه تشخیص دادم، من این گونه فهمیدم، من این آدم را مضر دانستم، من این آدم را مفید دانستم؛ اینها قابل قبول نیست. اینها را نه خدای متعال قبول خواهد کرد، نه بندگان خدا. باید طبق موازین و مقررات عمل کنید. هیچ‌گونه ملاحظه‌ای نباید مانع از اعمال مقررات شود.»

(۷۴/۱۱/۱۴)

البته قانون انتخابات می‌تواند مورد نقد قرار گرفته و دارای ضعف‌ها و کاستی‌هایی باشد که می‌تواند پیشنهاد تغییر و اصلاح آن در دستور کار قانونگذار قرار گیرد، اما مادامی که اصلاح یا ابطال نشده، قانون کشور بوده و لازم‌الاجرا و فصل الخطاب مناقشات و راهنمایی عمل خواهد بود.

## ۵. انتخاباتی رقابتی

یکی از شاخص‌های انتخابات شایسته نظام اسلامی رقابتی بودن انتخابات است. رقابتی بودن بدین معنا که با تکرر و تعدد نامزدهایی انتخاباتی حق انتخابات و گزینش برای رأی دهندگان وجود داشته باشد. این مسئله خود یکی از عوامل مؤثر در جدی شدن انتخابات و پرشور آن خواهد بود که موجب افزایش اشتیاق شرکت کنندگان در انتخابات خواهد شد.

توجه رهبر معظم انقلاب اسلامی به مسئله اهمیت رقابتی بودن را می‌توان در این بخش از پیام معظم‌له که بعد از انتخابات ریاست جمهوری هفتم صادر فرموده‌اند، به خوبی مشاهده کرد که فرمودند: «از سایر نامزدهای محترم ریاست جمهوری که با آمادگی و حضور خود در میدان این آزمایش الهی، بزرگ‌ترین کمک را به ایجاد رقابت انتخاباتی و انگیزه بخشیدن به مردم کردند، صمیمانه

تشکر می‌کنم. بی‌شک بدون حضور افکار و سلیقه‌ها و منش‌های متنوع در صحنه نامزدی ریاست جمهوری، این موج عظیم حضور ملی پدیدار نمی‌گشت و این افتخار برای ملت ایران به ثبت نمی‌رسید.» (۷۶/۳/۳)

رهبری یکی از شروط باشکوه برگزار شدن انتخابات را وجود تکثر و رقابتی بودن انتخابات می‌داند و با همین باور است که ایشان درخواست دارند: «آن کسانی که نظام، اسلام، قانون اساسی و امام را قبول دارند، باید به میدان رقابت بیایند؛ منتها رقابت سالم و نه رقابت لجوجانه و عنادآمیز.» (۸۲/۱۰/۱۸) البته تأکید ایشان بر رقابت سالم و مثبت است! «رقابت سالم این است که همه خوب بازی کنند، همه خوب حرکت کنند.» (۹۴/۱۰/۳۰) لذا معظم‌له در قبل از انتخابات مجلس هشتم خطاب به اعضای هیئت دولت فرمودند: «بعضی خیال می‌کنند انتخابات، زرمه‌های انتخابات، فضای انتخاباتی، مایه اختلاف است؛ نه، می‌تواند مایه اتحاد باشد؛ می‌تواند تشجیع‌کننده به سرعت عمل و پیشرفت باشد؛ با رقابت مثبت. هر گروهی سعی کند برای خدمتگزاری به این ملت، سهم متناسب با خودشان را که لایق خودشان می‌دانند، به دست بیاورند؛ هیچ اشکالی ندارد. این رقابت مثبت به جامعه نشاط می‌بخشد، ما را زنده‌دل می‌کند، روح جوانی را بر جامعه ما حاکم می‌کند.» (۸۶/۷/۲۱) به واقع «هدف» از این رقابت است که می‌تواند مثبت و منفی بودن آن را مشخص کند، چرا که مبتنی بر تأکیدات معظم‌له «در اسلام برای قبضه کردن قدرت، رقابتی وجود ندارد. این را از آن جهت می‌گوییم که عده‌ای تنها برای کسب قدرت سیاسی تلاش می‌کنند و به رقابت مشغولند. بنابراین رقابت صحیح، مشروع و مقبول، رقابت در خدمت‌رسانی به مردم است.» (۸۲/۱/۱)

نکته مهم و قابل ملاحظه مؤثر در رقابتی شدن انتخابات فراهم آوردن بستری برای حضور همه استعدادها و گرایش‌هایی است که به قانون اساسی و

آرمان‌های ملت اعتقاد داشته و برای اداره کشور برنامه دارند. به واقع انتخابات شایسته و حقیقی به صرف تعدد نامزدها حاصل نخواهد شد، بلکه لازمه این تعدد تکثر و تنوع افراد و سلیقه‌ها و گرایش‌ها خواهد بود که امکان انتخاب‌های مختلف را برای مردم فراهم خواهد آورد.

دغدغه به کارگیری همه نیروها در مدیریت کشور و فراهم آوردن حضور آنها در رقابت انتخاباتی و به نوعی برگزاری انتخاباتی فراگیر با حضور همه گرایش‌های سیاسی به رسمیت شناخته شده در قانون را می‌توان در این توصیه حکیم فرزانه انقلاب اسلامی به اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی مشاهده کرد. معظم‌له در آن دیدار فرمودند: «هرچه افراد از جهات و جناح‌های مختلف بیشتر در انتخابات شرکت کنند، این برای نظام بهتر است؛ برای شورای نگهبان هم بهتر است. ما باید کاری کنیم که این امکان و وسیله برای ورود اشخاص بیشتر فراهم بشود. نباید طوری باشد که یک جریان، ولو در یک شهر خاص، احساس بکند که در این انتخابات وارد نیست؛ باید طوری باشد که در همه جا همه احساس کنند که می‌توانند آن فرد مورد نظر خودشان را واقعاً آزادانه انتخاب بکنند؛ یعنی شورای نگهبان و حرکتی که در این مقطع انجام می‌دهد، باید مظهر و آینه اعتماد عمومی باشد.» (۷۰/۱۲/۴)

بر همین اساس و مبتنی بر همین منطبق بود که در سال ۱۳۸۴ در انتخابات ریاست جمهوری نهم بعد از اینکه شورای نگهبان آقایان مصطفی معین و محسن مهرعلیزاده را رد صلاحیت کرد، رهبری با نگارش نامه‌ای به شورای نگهبان خواهان تجدید نظر شورای نگهبان شده و اعلام داشتند: «از آنجا که مطلوب آن است که همه‌ی افراد کشور از صاحبان سلیق گوناگون سیاسی فرصت و مجال حضور در آزمایش بزرگ انتخابات را بیابند، لذا به نظر می‌رسد نسبت به اعلام



صلاحیت آقایان دکتر مصطفی معین و مهندس مهرعلیزاده تجدید نظر صورت گیرد.» (۸۴/۳/۲)

آیت الله خامنه‌ای حتی در نگاهی فراتر به وجود تکثر سیاسی در چارچوب نظام اسلامی قائلند؛ به نحوی که در دیدار جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم، در تابستان سال ۱۳۸۸ و در ایامی که کشور درگیر فتنه انتخابات ریاست جمهوری دهم بود، اذعان داشتند: «من یک وقتی اینجا به خود آقای خاتمی - همان وقت که ایشان وزیر بود و آمد پیش من - گفتم بین آقای خاتمی! اگر امروز یک جریان چپ در کشور وجود نداشت من لازم می‌دانستم یک جریان چپ به وجود بیاورم تا برآیند این دو حرکت - [یعنی] حرکتی که آقای هاشمی و او شروع کرده - یک برآیند معتدل باشد.» (۸۸/۴/۳۰)

البته این تکثر و تنوع باید دارای چارچوبی باشد که همانطور که پیش از این اشاره شد، از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی «اعتقاد به نظام اسلامی، اسلام، قانون اساسی و حضرت امام(ره)» شروط لازم برای آن است. به واقع این دایره فراگیری تنها جریان‌ها و گروه‌های سیاسی را در بر می‌گیرد که در نظر و عمل پایبندی خود را به انقلاب اسلامی و قانون اساسی و منافع ملی ثابت کرده باشند که در قانون اساسی وظیفه تشخیص آن برعهده شورای نگهبان گذاشته شده است. جریان‌های سیاسی که مرزهای خود و غیرخود را در نوردیده و برای ضربه زدن به نظام اسلامی اردوگاه واحدی را با ضدانقلاب (هرچند موقت) تشکیل داده‌اند و کسانی که برای پیشبرد اهداف خود از تحصن و خانه‌نشینی و ... برای فشار بر نظام اسلامی بهره برده‌اند، باید برای بازگشت به دایره فراخ نیروهای خودی در مقابل رفتار سیاسی‌شان به ملت و نظام اسلامی پاسخگو باشند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، انتخابات در نظام جمهوری اسلامی را یکی از بهترین، آزادترین و استانداردترین

انتخابات در دنیا برشمردند و ضمن دفاع از شورای نگهبان به عنوان عالی‌ترین نهاد مسئول حفظ صحت و سلامت انتخابات فرمودند: «اینکه برخی تلاش دارند، بررسی صلاحیت‌ها در انتخابات را به عنوان یک اشکال نظام اسلامی مطرح کنند، سخن غیرفنی و ناشیانه‌ای است، زیرا بررسی صلاحیت کاندیداها و عبور آنها از صافی‌های قانونی، در دموکراسی‌های دنیا وجود دارد.» (۹۱/۱۲/۱۷) لذا از اعضای شورای نگهبان می‌خواهند: «همانگونه که تا به حال براساس قانون عمل کرده‌اند، در انتخابات ریاست جمهوری نیز در چارچوب قانون عمل کنند و در نهایت هر فردی که براساس ضوابط قانونی، از این صافی عبور کرد، می‌تواند وارد انتخابات شود.» (۹۱/۱۲/۱۷)

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در آخرین بیانات‌شان معطوف به انتخابات اسفند ۱۴۰۲ به طور ویژه‌ای بر راهبرد رقابت تأکید ورزیدند و از مسئولان امر خواستند که از همان ابتدای سال چگونگی تحقق آن را بررسی کنند. معظم‌له در دیدار مردم کرمان و خوزستان به سؤال «رقابت یعنی چه؟» چنین پاسخ دادند: «رقابت یعنی جناح‌های سیاسی برای شرکت در انتخابات با هم مسابقه بگذارند؛ گرایش‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی، در انتخابات با هم مسابقه بگذارند؛ میدان باز باشد برای مسابقه جناح‌های سیاسی و نگاه‌های سیاسی و نظرات سیاسی، همچنین اقتصادی، همچنین فرهنگی؛ این معنای رقابت است. رقابت یعنی جوان‌هایی که می‌خواهند وارد میدان انتخابات بشوند، با افراد سابقه‌دار و باتجربه مسابقه بگذارند؛ اینها تلاش کنند، آنها هم تلاش کنند و یک مجلس خوب و قوی آن مجلسی است که هم از این جوان‌ها داخلش باشند، هم از آن مجرب‌ها و باسابقه‌ها داخلش باشند.

رقابت یعنی این؛ یکی از مهم‌ترین مسائل در باب انتخابات، این مسابقه گذاشتن است. رقابت یعنی همه بتوانند تبلیغات کنند، منتها تبلیغات درست. من

درباره تبلیغات هم ان شاء الله اگر عمری بود، بعداً عرض خواهم کرد. تبلیغات بایستی همراه با اخلاق و دیانت باشد. تبلیغات غیر از تهمت زدن است، غیر از دروغ گفتن است، غیر از وعده خلاف دادن است. تبلیغات یعنی انسان نظرات خودش را برای مردم بیان کند؛ تبلیغات این است و باید ان شاء الله برای همه فراهم باشد. خب حالا در این زمینه حرف زیاد است.» (۱۴۰۲/۱۰/۲)

## ۶. انتخاباتی اخلاقی

یکی دیگر از شاخص‌های مورد تأکید رهبر معظم انقلاب توجه به «سلامت رقابت‌های انتخاباتی» است که تحقق آن در گرو رعایت اخلاق در میدان رقابت‌هاست. توجه به مسائلی از قبیل پرهیز از دروغ، تهمت و افترا، تخریب، سیاه‌نمایی، بزرگنمایی مشکلات، اسراف، هزینه‌کردهای غیرشرعی، دادن وعده‌های غیرواقعی، خرید رای و ... نمونه‌ای از دغدغه‌هایی است که توجه به آن می‌تواند متضمن سلامت رقابت انتخابات باشد. این اصول در سطوح مختلف رقابت انتخاباتی همچون تبلیغات، مناظرات و گفت‌وگوها و مصاحبه‌ها با رسانه‌های مختلف، یادداشت‌های مطبوعاتی وابسته به جریان‌های سیاسی و همچنین رقابت نزد طرفداران و هواداران باید مورد توجه قرار گیرد.

رهبر حکیم انقلاب در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، ضمن تأکید بر رعایت اخلاق، آن را شرط سلامت انتخابات دانستند و فرمودند: «نامزدهای انتخاباتی به یکدیگر اهانت نکنند؛ خب، جنابعالی نامزد هستید، معتقدید که آدم صالحی هستید، آدم برجسته‌ای هستید؛ بسیار خوب، از خودتان هر چه می‌خواهید تعریف کنید بکنید، اما به رقیب‌تان اهانت نکنید، به رقیب‌تان تهمت نزنید، از رقیب‌تان غیبت هم نکنید؛ تهمت و افترا یعنی نسبتی بدهید که واقعیت ندارد، [اما] غیبت یعنی نسبتی بدهید که واقعیت دارد؛ غیبت هم نباید

بکنید. بنابراین این هم یک وظیفه است و یک معیار است برای سلامت انتخابات.»  
(۹۴/۱۰/۳۰)

در سال ۱۳۸۵ نیز رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی با صراحت از این مهم چنین یاد کردند: «بعضی فضای انتخابات را خراب می‌کنند؛ تخریب کردن، اهانت کردن و خُرد کردن شخصیت‌های گوناگون، همه برخلاف اقتضای سلامت انتخابات است. هم مطبوعات، هم رادیو و تلویزیون، هم کسانی که به ابزارهای گوناگون ارتباط جمعی دیگری مجهز هستند- رایانه‌ها و شیوه‌های رایانه‌ای- هم کسانی که یک منبری برای سخن گفتن دارند؛ مثل خطبای جمعه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ همه توجه داشته باشند که «تخریب، فضای انتخابات را خراب می‌کند». شما از آن کسی که به او علاقه‌مندید، دفاع کنید؛ هیچ مانعی ندارد؛ اما به آن کسی که رقیب اوست، مطلقاً حمله نکنید؛ تخریب نکنید. این تخریب و این حرف زدن‌ها و اهانت کردن‌ها، نه حجیت دارد برای مستمعان، و نه جایز است؛ به خاطر اینکه فضا را خراب می‌کند. بنابراین مسئله‌ی حفظ سلامت خودِ انتخابات و حفظ سلامت فضای انتخابات، خیلی مهم است.» (۸۵/۷/۱۸)

معظم‌له در نفی رفتار و قضاوت‌های افراطی در انتخابات می‌فرمایند:  
«بعضی‌ها رقیب انتخاباتی خودشان را «شیطان اکبر» به حساب می‌آورند! شیطان اکبر آمریکاست، شیطان اکبر صهیونیسم است؛ رقیب جناحی که شیطان اکبر نیست، رقیب انتخاباتی که شیطان اکبر نیست. من طرفدار زیدم، شما طرفدار عمروئی؛ من شما را شیطان بدانم؟ چرا؟ به چه مناسبت؟ در حالی که زید و عمرو هر دو ادعای انقلاب و اسلام می‌کنند، در خدمت اسلام و در خدمت انقلابند.»  
(۹۱/۷/۲۴)

رهبر معظم انقلاب قبل از برگزاری انتخابات مجلس هشتم می‌فرمایند: «در

همین انتخابات اگر بد عمل بکنیم، به هم بد بگوییم، با هم کینه‌ورزی کنیم، به یکدیگر تهمت بزنیم، برخلاف قوانین و مقررات رفتار کنیم، می‌تواند وسیله سقوط و ضعف و انحطاط باشد؛ دست خود ماست؛ امتحان الهی است.» (۸۶۷/۲۱)

معظم‌له در انتخابات دهم ریاست جمهوری با تأکیدات بیشتری بر مسئله رعایت اخلاق و قانون از سوی نامزدهای انتخاباتی تأکید کردند و فرمودند: «نامزدهای محترمی که تاکنون نام‌نویسی کرده‌اند و مشغول تبلیغات و اظهاراتی هستند سعی کنند با انصاف عمل کنند. اثبات و نفی‌شان با توجه به حق و صدق باشد!» (۸۸/۲/۲۲) ایشان هشدار می‌دهند: «نامزدهای محترم توجه داشته باشند: اذهان عمومی را تخریب نکنند. این همه نسبت خلاف دادن به این و آن، تخریب کننده‌ی اذهان مردم است؛ واقعیت هم ندارد؛ خلاف واقع هم هست.» (۸۸/۲/۲۲)

## ۷. انتخاباتی شایسته‌سالار

یکی از شاخص‌های انتخابات شایسته نظام اسلامی آن است که فرآیند انتخابات به نحوی باشد که در نهایت شایستگان و اصلحان بر مسند قدرت تکیه زنند. این مسئله رمز تعالی و ارتقای نظام اسلامی است که در آموزه‌های دینی نیز فراوان بر آن تأکید شده است. رهبر معظم انقلاب در تمامی انتخابات گذشته بر ضرورت انتخاب اصلح تأکید داشته‌اند، معظم‌له در سفر به خراسان شمالی و در جمع بسیجیان در این زمینه می‌فرمایند: «آن چیزی که در مورد انتخابات خواسته‌ی ماست، فکر ماست، آرزوی ماست، این چند چیز است... دیگر اینکه از خدا بخواهیم و خودمان هم چشمان را باز کنیم؛ کاری کنیم که نتیجه انتخابات، یک گزینش خوب و همراه با صلاح و صرفه انقلاب و کشور باشد.» (۹۱/۷/۲۴)

ایشان با صراحت اعلام می‌دارند: «مردم باید به فکر شناخت اصلح باشند؛

چون امر کوچکی نیست» (۸۰/۲/۱۱) و معتقدند: «آنچه که برای مردم در این انتخابات و همه‌گزینش‌های ملی و انتخابات‌ها مهم است، این است که سطح کارآمدی نظام روز به روز ارتقا پیدا کند؛ این اساس مسئله است. اگر مردم دنبال رئیس‌جمهور یا دنبال نماینده‌ی مجلس می‌گردند یا دنبال دیگر کسانی هستند که می‌خواهند آنها را با انتخاب تعیین کنند، در پی آن هستند که انسان‌های کارآمدی را بر اریکه مسئولیت بنشانند تا آنها بتوانند سطح کارآمدی نظام را افزایش بدهند و مشکلات مادی و معنوی مردم را حل کنند؛ این خواست مردم است. حالا گروه‌ها و احزاب و عناصر سیاسی هم هرکدام نقطه‌نظرهایی دارند؛ آن نقطه‌نظرات برای خودشان است.» (۸۳/۸/۲۴) لذاست که توجه و تأکید بر انتخاب اصلح معنا می‌یابد.

البته این امر در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی برعهده مردم واگذار شده است نه برعهده مسئولان و نخبگان! خواص نقش مشورت‌دهی و هدایتگری را برعهده دارند؛ اما در نهایت این حق و وظیفه مردم است که باید به‌گزینه اصلح رای دهند. معظم‌له به این وظیفه خطیر مردم در نظام مردم‌سالار دینی چنین اشاره دارند: «البته هرکس صلاحیتش در مراکز قانونی تأیید شود، صالح است؛ اما باید در بین صالح‌ها گشت و صالح‌تر را پیدا و او را انتخاب کرد. این، هنر شما مردم است.» (۸۴/۲/۱۷)

نکته قابل ملاحظه دیگر آنکه «اصلح‌گزینی» نباید موجب اختلافات و درگیری در میان اقشار جامعه شود و هدف بالاتر انتخابات را که افزایش همبستگی ملی است، خدشه‌دار کند، لذا معظم‌له با صراحت اعلام می‌دارند، «افرادی که از تأیید شورای نگهبان عبور کرده‌اند، قانوناً صالح‌اند. البته صلاحیت‌ها یک اندازه نیست؛ صالح داریم، اصلح داریم؛ تشخیص‌ها مختلف است؛ یکی چیزی را ملاک قرار می‌دهد و کسی را اصلح می‌داند و کسی چیز دیگر را ملاک

قرار می‌دهد. اشکالی ندارد؛ این‌ها نباید موجب اختلاف شود. مبدا به خاطر علاقه‌مندی یک دسته به یک نامزد ریاست جمهوری و دسته دیگر به یک نامزد دیگر، بین آحاد مردم شقاق و اختلافی پیدا شود. چه مانعی دارد؟ قانون همین را خواسته است که مردم طبق سلیق خودشان بگردند و انتخاب کنند.» (۸۰/۲/۲۸) و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم ضمن تأکید بر اصلح‌گزینی انذار می‌دهند: «این معنایش این نیست که اگر ما کسی را نپسندیدیم، با او بداخلاقی کنیم، برخورد تند و سخت و غلط بکنیم؛ نه. آن کسانی که خودشان را صالح می‌دانند، برای خودشان اهلیت قائلند، وارد میدان شوند.» (۹۱/۷/۲۴)

هرچند برای رسیدن به شایسته‌ترین فرد باید تلاش و تحقق کرد و به کارشناسان مراجعه کرد، اما وسواس در انتخاب اصلح نیز روا نبوده و نباید به عدم شرکت در انتخابات ختم شود! لذا توصیه دارند: «هرکس که برود رأی بدهد، چه رأی او صائب باشد و به اصلح رأی داده باشد و چه اشتباه کرده باشد و به غیر اصلح رأی بدهد، همین اندازه که از روی احساس تکلیف نسبت به آینده پای صندوق برود و رأی بدهد، این رأی پیش‌خداوند متعال مأجور و موجب ثواب است و این شخص، علاقه‌مند به نظام و رهبری است. آنچه که مهم است، این احساس تکلیف است. همه آحاد ملت، این احساس تکلیف را باید بکنند.» (۷۶/۲/۱۳)

رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورد ویژگی‌های نامزد اصلح در ادوار انتخابات موارد فراوانی از جمله «اعتقاد به نظام اسلامی، اعتقاد به آرمان‌های حضرت امام(ره)، مدیریت، کارآمدی، شجاعت، ساده‌زیستی و ...» را برشمرده‌اند که باید به آنها مراجعه کرد. از جمله این راهنمایی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم است که معظم‌له در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی تلاش دارند تا: «دولتی تشکیل بشود که دارای کفایت

باشد، مدیریت لازم را داشته باشد، باایمان باشد، مردمی باشد، لبریز از امید باشد. مسئولین دولتی باید خودشان ناامید نباشند. اگر یک آدم ناامید و افسرده‌ای را ما در رأس یک کاری گذاشتیم، خب پیدا است که این کار پیش نخواهد رفت؛ باید لبریز از امید باشند. معتقد به توانمندی‌های داخلی باشند. آن که معتقد است که چه از لحاظ دفاعی، چه از لحاظ سیاسی، چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ تولید و امثال اینها کاری در کشور نمی‌شود انجام داد، واقعاً لایق فرمانروایی و حکمرانی بر این مردم نیست؛ بایستی کسانی بر سر کار بیایند که معتقد به مردم باشند، معتقد به جوان‌ها باشند، عقیده به جوان‌ها داشته باشند، واقعاً عنصر جوان را قدر بدانند، [دارای] عملکرد انقلابی باشند و حقیقتاً عدالت‌خواه باشند؛ نه اینکه به لقلقه زبان اسم عدالت آورده بشود؛ به معنای واقعی کلمه عدالت‌خواه باشند و ضدفساد باشند. «عدالت» هم البته فقط عدالت اقتصادی نیست؛ اگر چه رقم مهمّش عدالت اقتصادی است اما در بخش‌های گوناگون، عدالت ساری و جاری است. و یک چنین دولتی ان‌شاءالله اگر به وجود بیاید، آن وقت می‌تواند صدها مدیر جوان و مؤمن را در بخش‌های گوناگون از صدر تا ذیل بگمارد و ان‌شاءالله کار کشور سامان خوبی پیدا کند؛ دنبال این باید باشید.» (۱۴۰۰/۲/۲۱)



## گفتار پنجم: اصلح گزینی در نگاه امام خامنه‌ای

یکی از کلیدواژه‌های اساسی در بحث انتخابات در نظام اسلامی انتخاب اصلح است. انتخاب اصلح به معنای انتخاب بهترین‌ها، هدف اصلی تلاشی است که در قالب فرآیند انتخابات دنبال می‌شود. به واقع ما از انتخابات به دنبال آن هستیم که کارآمدان بر مسند قدرت بنشینند و گره از مشکلات کشور بگشایند و تدبیر امور را تسهیل کنند.

### ۱. نظام اسلامی؛ نظام حاکمیت معیارها

آنچه روح و جوهره حکومت اسلامی است، تحقق عملی احکام و فرامین مترقی است که در سایه آن زمینه رشد و تعالی افراد جامعه آماده خواهد شد. لازمه چنین جامعه‌ای وجود افراد شایسته و باصلاحیتی در رأس مسئولیت‌هاست که توانایی اداره جامعه را داشته و بتوانند اهداف حکومت اسلامی را محقق کنند. به همین دلیل در اسلام معیارها و صلاحیت‌هایی برای حاکمان و مسئولان نظام

اسلامی عنوان شده که وجود آن در مسئولان، شرط لازم برای مشروعیت‌یابی ایشان است و اعتبار حاکمان نیز به تداوم این معیارهاست. به عبارتی می‌توان نظام اسلامی را «نظام معیارها» دانست، به این معنا که به معنای حقیقی کلمه معیارها حاکمیت دارند نه افراد!

آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «در مدینه النبّی، حکومت، حکومت دین است و ولایت فقیه هم به معنای ولایت و حکومت یک شخص نیست؛ حکومت یک معیار و در واقع یک شخصیت است. معیارهایی وجود دارد که این معیارها در هر جایی تحقق یابد، این خصوصیت را می‌تواند پیدا کند که در جامعه به وظایفی که برای ولی فقیه معین شده، رسیدگی کند. به نظر من به این نکته باید توجه و افتخار کرد که برخلاف همه‌ی مقررات عالم در باب حکومت - که در قوانین آنها حاکمیت‌ها یک حالت غیرقابل خدشه دارند - در نظام اسلامی، آن کسی که به‌عنوان ولی فقیه مشخص می‌شود، چون اساساً مسؤولیت او مبتنی بر معیارهاست، چنانچه این معیارها را از دست داد، به خودی خود ساقط می‌شود. وظیفه مجلس خبرگان، تشخیص این قضیه است. اگر تشخیص دادند، می‌فهمند که بله؛ ولی فقیه ندارند. تا فهمیدند که این معیارها در این آقا نیست، می‌فهمند که ولی فقیه ندارند؛ باید بروند دنبال یک ولی فقیه دیگر. محتاج نیست عزلش کنند؛ خودش منعزل می‌شود. به نظر ما این نکته خیلی مهمی است.» (۷۷/۱۲/۴)

توجه به معیارها و صلاحیت‌ها حقیقتی است که غفلت از آن به یکی از عوامل مهم انحطاط نظام‌های سیاسی مغرب زمین تبدیل شده است. تقلیل دادن صلاحیت‌ها و محدود کردن آن تنها به صلاحیت‌های صرفاً علمی و مدیریتی و سیاسی و بی‌توجهی به ملاک‌هایی، چون «سلامت نفس» و «پابندی به اخلاق» که محصول تفکر جدایی اخلاق از سیاست و دین از حوزه حکومتی و تفوق گرایش‌های تکنوکراتیک در غرب است، امروزه به چالشی در نظریه‌پردازی

سیاسی در غرب مبدل شده که راهی برای حل آن نمی‌یابد.

## ۲. نظام اسلامی؛ نظام انتخاب اصلح

یکی از شاخص‌های انتخابات شایسته نظام اسلامی آن است که فرآیند انتخابات به نحوی باشد که در نهایت شایستگان و اصلحان بر مسند قدرت تکیه زنند. این مسئله رمز تعالی و ارتقای نظام اسلامی است که در آموزه‌های دینی نیز فراوان بر آن تأکید شده است. امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ۱۷۳ نهج‌البلاغه چنین می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمَهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»؛ ای مردم، شایسته‌ترین مردم به امر حکومت؛ نیرومندترین آنان بر این امر و داناترین آنان به امر خداوندی در آن است.

رهبر معظم انقلاب در تمامی انتخابات گذشته بر ضرورت انتخاب اصلح تأکید داشته‌اند. معظم‌له در حرم رضوی فرمودند: «نگاه کنید، تشخیص بدهید، اصلح را بشناسید و برای ادای تکلیف، اسم او را به صندوق رأی بیندازید.» (۹۲/۱/۱) و در سفر به خراسان شمالی و در جمع بسیجیان در این زمینه اذعان داشتند: «از خدا بخواهیم و خودمان هم چشم‌مان را باز کنیم؛ کاری کنیم که نتیجه انتخابات، یک گزینش خوب و همراه با صلاح و صرفه انقلاب و کشور باشد... ما هم که می‌خواهیم انتخاب کنیم، نگاه کنیم، حقیقتاً با معیارهای ی که معتقدیم و بین همه ماها مشترک است، بسنجیم... در هر کسی که این معیارها را مشاهده کردیم، کوشش کنیم، تلاش کنیم، کار کنیم - کار سالم - که انتخابات به سمت انتخاب یک چنین کسی برود.» (۹۱/۷/۲۴)

شاید بتوان گفت، دومین اصل مورد تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بعد از اصل مشارکت حداکثری، اصل «انتخاب اصلح» باشد، لذا «مردم باید به فکر شناخت اصلح باشند؛ چون امر کوچکی نیست» (۸۰/۲/۱۱) معظم‌له در باب اهمیت

انتخاب اصلح باصراحت اعلام می‌فرمایند: «همچنان که اصل انتخابات یک تکلیف الهی است، انتخاب اصلح هم یک تکلیف الهی است.» (۷۶/۲/۳۱)

رهبر حکیم و فرزانه تلاش برای «گزینش اصلح» را یکی از شاخص‌های تمایزبخش نظام مردم‌سالاری دین و نظام‌های دموکراتیک غربی دانسته و می‌فرمایند: «در جمهوری اسلامی، انتخاب، انتخاب اصلح است؛ نه رقابت انتخاباتی. این دعوها و رقابت‌ها، متعلق به دمکراسی‌های غربی است که از خدا و دین، هیچ چیزی به مشامشان نرسیده است. کارهایی که بعضی‌ها انجام می‌دهند، باب جمهوری اسلامی نیست. در اینجا ممشا، ممشای اسلامی است و انتخاب، انتخاب اصلح. مردم باید با چشم باز و با بصیرت وارد بشوند و آدم‌هایی را که اطمینان پیدا می‌کنند، انتخاب کنند.» (۶۹/۷/۱۱)

این عبارات به خوبی نشانگر آن است که تلاش در رقابت‌های انتخاباتی باید برای انتخاب اصلح بوده و در این زمینه باید دقت نظر کافی داشت.

یکی از سؤالات مطرح در زمینه انتخاب اصلح آن است که با توجه به وجود دستگاه نظارتی شورای نگهبان و تأیید صلاحیت نامزدها، چرا اینقدر بر تلاش برای انتخاب اصلح تأکید شده است؟ پاسخ این سؤال را در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌توان جست‌وجو کرد. معظم له در این باره چنین توضیح می‌دهند: «البته هیچ کس در صحنه انتخابات وارد نمی‌شود، مگر این که شورای نگهبان صلاحیت او را اعلام کند. بنابراین، کسانی که وارد صحنه انتخابات می‌شوند، اشخاصی هستند که شورای نگهبان که امین مردم در این قضیه است پای اسم آن‌ها را امضا کرده و اعلام صلاحیت نموده است. بنابراین، همه صلاحیت دارند؛ منتها امر ریاست جمهوری، بالاتر از این حرف‌هاست. باید گشت و اصلح را پیدا کرد... مهم است. چون این امر مهم است، تفاضل هرچه هم کم باشد، اهمیت پیدا می‌کند. در کارهای کلان، این طور است. فرق دو مبلغی

که باهم اندکی تفاضل دارند، اگر جنسی که می‌خواهیم با این مبلغ تهیه کنیم، یک کیلو و دو کیلو جنس است، خیلی اهمیت ندارد؛ اما وقتی آنچه که می‌خواهیم جابه‌جا کنیم، فرضاً هزاران تن از این جنس است، آن هنگام تفاضل در قیمت وقتی هم کم باشد، حجم زیادی می‌یابد و اهمیت پیدا می‌کند. همه کارهای کلان، این طوری است. (۷۶/۲/۱۳)

### ۳. اصلاح‌گزینی و کارآمدی

در نگاه اسلام تمامی ملاک‌ها و معیارهایی که برای حاکمان نظام اسلامی و به عنوان شاخصه صلاحیت ایشان مشخص شده، همگی معطوف به کارآمدی است. بدین معنا که وجود این ملاک و معیارها در حاکم اسلامی را، لازمه رسیدن به هدف حکومت اسلامی می‌دانند. با برشمردن شاخصه‌های اصلی حاکمان و مسئولان نظام اسلامی، متوجه می‌شویم که این شرطها، لازمه موفقیت عملی نظام سیاسی اسلام در رسیدن به اهداف است و گرنه خداوند متعال در این فکر نبوده است که برای افراد یا تباری خاص یا طبقه خاص، شأنتی خاص از دیگران قائل شده و دیگران را به تبعیت از ایشان سوق دهد؛ چرا که در بحث حکومت مسئله اصلی، مسئله پذیرش مسئولیت است، مسئولیتی که قرار است کاری را به انجام رساند که همانا تحقق اهداف حکومت دینی باشد؛ و گرنه ذات مسئولیت در نظام اسلامی برای فرد مسئول جایگاه و شأن خاصی به همراه ندارد.

رهبر معظم انقلاب معتقدند: «آنچه که برای مردم در این انتخابات و همه گزینش‌های ملی و انتخابات‌ها مهم است، این است که سطح کارآمدی نظام روز به روز ارتقا پیدا کند؛ این اساس مسئله است. اگر مردم دنبال رئیس‌جمهور یا دنبال نماینده مجلس می‌گردند یا دنبال دیگر کسانی هستند که می‌خواهند آنها را با انتخاب تعیین کنند، در پی آن هستند که انسان‌های کارآمدی را بر اریکه‌ی

مسئولیت بنشانند تا آنها بتوانند سطح کارآمدی نظام را افزایش بدهند و مشکلات مادی و معنوی مردم را حل کنند؛ این خواست مردم است. حالا گروه‌ها و احزاب و عناصر سیاسی هم هر کدام نقطه‌نظرهایی دارند؛ آن نقطه‌نظرات برای خودشان است.» (۸۳/۸/۲۴)

مسئله کارآمدی آنقدر اهمیت می‌یابد که در مشروعیت نظام مردم‌سالاری دینی نیز به عنوان مهم‌ترین شاخص مورد توجه قرار می‌گیرد، به نحوی که حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در باب نسبت بین کارآمدی و مشروعیت می‌فرماید: «مشروعیت همه ما بسته به انجام وظیفه و کارآیی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارآیی‌ها و کارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. اینکه ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس‌جمهور، نماینده مجلس و برای وزیر شریعی قائل شده‌ایم و با این شرایط گفته‌ایم این وظیفه را می‌تواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک مشروعیت برعهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت به ما عطا می‌کند؛ یعنی این حکم ولایت، با همه شعب و شاخه‌هایی که از آن منشعب است، رفته روی این عناوین، نه روی اشخاص. تا وقتی که این عناوین، محفوظ و موجودند، این مشروعیت وجود دارد. وقتی این عناوین زایل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه مسئولان در بخش‌های مختلف، آن مشروعیت هم زایل خواهد شد. ما باید به دنبال کارآمدی باشیم. باید هر یک از کسانی که متصدی این مسئولیت‌ها، از صدر تا ساقه هستند، بتوانند آنچه را که برعهده آنهاست، به‌قدر معقول انجام دهند. انتظار معجزه و کار خارق‌العاده نداریم و نباید داشته باشیم؛ اما بایست انتظار تلاش موفق را، که در آن نشانه‌های توفیق هم مشاهده شود، داشته باشیم.» (۸۳/۶/۳۱)

## ۴. وظیفه شرعی گزینش اصلح

حال که اهمیت و جایگاه انتخاب اصلح به عنوان یک تکلیف شرعی آشکار شد، باید به این نکته نیز توجه شود که تلاش برای شناخت اصلح نیز امر واجبی است که باید به آن اهمیت داد. در نگاه رهبر حکیم انقلاب اسلامی «افرادی که از تأیید شورای نگهبان عبور کرده‌اند، قانوناً صالحند.» (۸۰/۲/۲۸) اما این بدان معنا نیست که ما باید به صرف رأی دادن قناعت کنیم و به هر که شد رأی دهیم؛ بلکه مبتنی بر نظر ایشان باید گشت و اصلح را برگزید. لذا معظم له تأکید دارند: «هر کس صلاحیتش در مراکز قانونی تأیید شود، صالح است؛ اما باید در بین صالح‌ها گشت و صالح‌تر را پیدا و او را انتخاب کرد. این، هنر شما مردم است.» (۸۴/۲/۱۷)

معظم له در آستانه انتخابات ریاست جمهوری هفتم خطاب به ملت فرمودند: «ملت باید تلاش خود را بکند، باید زحمت بکشد و دنبال اصلح بگردد... همچنان که شرکت در انتخابات یک وظیفه است، گزینش خوب و آگاهانه هم یک وظیفه است. البته ممکن است همه‌ی تلاش‌ها به نتیجه نرسد؛ اما انتخاب‌کنندگان تلاش کنند، برای این که گزینش درستی داشته باشند. این، خیلی مهم است.» (۷۶/۲/۱۳)

## ۵. حجت شرعی برای رأی به اصلح

نکته قابل توجه دیگر آنکه برای شناخت و تشخیص گزینه اصلح و رأی دادن به وی باید حجت شرعی داشته و مبتنی بر معیارهای ناصواب یا عدم شناخت و تحقیق و تنها مبتنی بر ظواهر و احساسات و فارغ از معیارهای غیرعقلی، لذا رهبر معظم انقلاب اسلامی با صراحت می‌فرمایند: «باید بگردید، بین خودتان و خدا حجت پیدا کنید؛ یعنی بتوانید از راهی بروید که اگر خدای متعال پرسید شما به

چه دلیل به این فرد رأی دادید، بتوانید بگویید به این دلیل. بین خودتان و خدا، دلیل و حجتی فراهم کنید و بعد با خیال راحت بروید رأی بدهید.» (۷۶/۲/۳۱)

طبیعی است که حجت در شرع در این زمینه یا از طریق یقین فردی حاصل می‌شود یا آنکه افراد امین و صاحب صلاحیت فردی را معرفی کنند. رهبری تأکید دارند: «اگر می‌توانید، تشخیص بدهید؛ اگر نمی‌شناسید، از دیگری که می‌تواند امین باشد، سؤال کنید.» (۸۰/۲/۲۸)

## ۶. پرهیز از وسواس در انتخاب اصلح

از سوی دیگر، تلاش برای انتخاب اصلح نباید به وسواس در گزینش بینجامد. لذا رهبر معظم انقلاب انذار می‌دهند «بعضی‌ها در شناخت اصلح دچار وسواس و دغدغه زیاد می‌شوند. شما تلاش خود را بکنید؛ مشورت خود را بکنید؛ از کسانی که فکر می‌کنید می‌توانند شما را راهنمایی کنند، راهنمایی بخواهید؛ به هر نتیجه‌ای که رسیدید، عمل کنید و رأی بدهید؛ اجر شما را خدای متعال خواهد داد.» (۸۴/۳/۳)

به واقع وسواس در انتخاب اصلح نباید به شرکت نکردن در انتخابات به بهانه «ناتوانی در تشخیص اصلح» بینجامد! لذا مرجع عالیقدر شیعه در این زمینه چنین حکم می‌دهند: «هرکس که برود رأی بدهد، چه رأی او صائب باشد و به اصلح رأی داده باشد و چه اشتباه کرده باشد و به غیر اصلح رأی بدهد، همین اندازه که از روی احساس تکلیف نسبت به آینده پای صندوق برود و رأی بدهد، این رأی پیش خدای متعال مأجور و موجب ثواب است و این شخص، علاقه‌مند به نظام و رهبری است. آنچه که مهم است، این احساس تکلیف است. همه آحاد ملت، این احساس تکلیف را باید بکنند.» (۷۶/۲/۱۳)



## ۷. انتخاب اصلح؛ هنر مردم

یکی از مسائل قابل توجه در نظام مردم‌سالاری دینی آن است که تشخیص و انتخاب اصلح برعهده مردم واگذار شده است نه برعهده مسئولان و نخبگان! معظم‌له به این وظیفه خطیر مردم در نظام مردم‌سالار دینی چنین اشاره دارند: «باید در بین صالح‌ها گشت و صالح‌تر را پیدا و او را انتخاب کرد. این، هنر شما مردم است.» (۸۴/۲/۱۷)

ایشان همچنین انتخاب اصلح را برعهده مردم گذاشته و با صراحت اعلام می‌دارند: «در نهایت، رأی مردم تعیین کننده است. آنچه اهمیت دارد، تشخیص شما و رأی شماست. باید خودتان تحقیق کنید، ملاحظه کنید، دقت کنید، از انسانهای مورد اعتمادتان پرسید، تا به اصلح برسید و اصلح را انتخاب کنید.» (۹۲/۱/۱)

این تعبیر البته بدان معنا نیست که توده‌های ملت نیازمند راهنمایی و مشورت با نخبگان و آگاهان نیستند؛ بلکه به معنای آن است که قرار نیست نخبگان به جای توده‌ها تصمیم بگیرند و ملت در امر انتخابات مقلد نخبگان شوند! به واقع رهنمود و توصیه نخبگان و آگاهان ملت تنها در سطح ارشاد و راهنمایی باقی می‌ماند و تصمیم نهایی به ملت واگذار می‌شود که آزادانه و البته آگاهانه به پای صندوق‌های رأی رفته و نامزدهای مورد علاقه خود را تعیین خواهند کرد و هر چه حاصل خروجی این فرآیند باشد، قطعاً مورد تأیید رهبری معظم انقلاب اسلامی نیز خواهد بود. به واقع «مردم اگر خودشان نامزدهای انتخاباتی را می‌شناسند، طبق تشخیص خودشان حتماً عمل کنند؛ اگر نمی‌شناسند، از افراد بصیر و متدین در گزینش‌های انتخاباتی استفاده کنند.» (۹۰/۱۱/۱۴)

همچنین «در عین حال مردم می‌توانند به همدیگر بگویند، سفارش کنند، تأکید کنند، توصیه کنند، یکدیگر را توجیه کنند و به هم کمک کنند برای

شناخت اصلح.» (۹۲/۱/۱)

در همین مسیر است که رهبری معظم‌له خود به عنوان مؤثرترین مرجع تأثیرگذار بر جامعه تلاش دارند تا با برشمردن وضعیت کشور و نیازهای انقلاب اسلامی، معیارها و شاخص‌های گزینش نامزد اصلح را در هر مقطع از انتخابات معرفی کنند.

### ۸. تکرر گزینه‌های اصلح

تلاش برای یافتن اصلح البته در میان ملت نیز از یک فرآیند واحدی تبعیت نمی‌کند. بالاخره تفاوت معیارها، تنوع سلیقه‌ها و اختلاف تشخیص‌ها، منجر به آن می‌شود که نوع تکرر و تعدد در همان گزینه اصلح نیز حاصل شود که این البته طبیعی است و نباید نگران آن بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره باصراحت می‌فرمایند: «البته صلاحیت‌ها یک اندازه نیست؛ صالح داریم، اصلح داریم؛ تشخیص‌ها مختلف است؛ یکی چیزی را ملاک قرار می‌دهد و کسی را اصلح می‌داند و کسی چیز دیگر را ملاک قرار می‌دهد. اشکالی ندارد.» (۸۰/۲/۲۸)

### ۹. اصلح‌گزینی عامل وحدت نه افتراق

در عین حال که بر اهمیت اصلح‌گزینی و ضرورت تلاش برای داشتن حجت شرعی در انتخاب اصلح تأکید شد، این مسئله نباید با افراطی‌گری‌ها و انحرافات همراه باشد. از جمله آنکه «اصلح‌گزینی» نباید موجب اختلافات و درگیری در میان اقشار جامعه شود و هدف بالاتر انتخابات را که «افزایش همبستگی ملی» است خدشه‌دار کند، لذا معظم‌له با صراحت اعلام می‌دارند: «افرادی که از تأیید شورای نگهبان عبور کرده‌اند، قانوناً صالحند. البته صلاحیت‌ها

یک اندازه نیست؛ صالح داریم، اصلح داریم؛ تشخیص‌ها مختلف است؛ یکی چیزی را ملاک قرار می‌دهد و کسی را اصلح می‌داند و کسی چیز دیگر را ملاک قرار می‌دهد. اشکالی ندارد؛ این‌ها نباید موجب اختلاف شود. مبدا به خاطر علاقه‌مندی یک دسته به یک نامزد ریاست جمهوری و دسته‌ی دیگر به یک نامزد دیگر، بین آحاد مردم شقاق و اختلافی پیدا شود. چه مانعی دارد؟ قانون همین را خواسته است که مردم طبق سلیق خودشان بگردند و انتخاب کنند.» (۸۰/۲/۲۸)

اهمیت حفظ وحدت و پرهیز از مناقشات و دامن زدن به اختلافات در جامعه تا بدانجاست که معظم‌له پیش از این با صراحت فرموده بودند: «حفظ وحدت را اصل قرار بدهیم و اگر تکلیف شرعی‌ای هم احساس کردیم، ولی دیدیم عمل به این تکلیف ممکن است مقداری تشنج به وجود آورد و وحدت را از بین ببرد، قطعاً انجام آنچه که تصور می‌کردیم تکلیف شرعی است، حرام است و حفظ وحدت واجب خواهد بود.» (۶۸/۴/۱۲)

### ۱۰. شاخص‌های نماینده اصلح

همانطور که اشاره شد وظیفه علما و نخبگان و دردمندان جامعه اسلامی و از باب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، ارائه معیارها و شاخص‌های گزینه اصلح است. لذا برای تعیین شاخص‌ها و معیارها و ملاک‌های نامزد اصلح و رئیس جمهوری مطلوب نظام اسلامی باید به رهنمودها و کلام ایشان توجه کرد. در رأس گروه‌های مرجع و دردمندان نظام اسلامی، رهبری معظم انقلاب اسلامی قرار دارند که با برشمردن معیارها - نه نام بردن از اشخاص - امت را به سوی تحقق دولت اسلامی مطلوب هدایت می‌کنند. معظم‌له در این باب می‌فرمایند: «البته بدیهی است که رهبری از فرد خاصی حمایت نمی‌کند؛ از معیارها حمایت می‌کند.» (۸۴/۲/۱۱)

در نگاه رهبری «نمایندگان اصلح» کسانی هستند که:

- به فکر مردمند؛
- برای مردم دل می‌سوزانند؛
- حاضرند با همکاران خودشان در دولت، در قوه قضائیه، در بخش‌های مختلف، دست به دست هم بدهند و با اتحاد و اتفاق، یک کار بزرگ انجام بدهند؛ اینجور افرادی را انتخاب کنند. (۸۷/۲/۴)
- نماینده متدین،
- امین،
- طرفدار عدالت،
- مخالف با فساد،
- طرفدار حقوق محرومان،
- پایبند به مبانی اسلام و ارزش‌های اسلامی و خط امام؛ یک چنین نماینده‌ای را بفرستند مجلس (۸۶/۱۲/۲۲)

- نماینده‌ی صالح آن کسی است که:

- پایبندی او به اسلام باشد،
- پایبندی او به عدالت باشد،
- پایبندی او به منافع ملی باشد،
- مرز او با دشمن مرز مشخصی باشد. اگر این نشد، آن نماینده، نماینده خوبی نخواهد بود؛ نماینده ملت در واقع نخواهد بود... آن کسانی که مرزشان با دشمن و دست‌نشانندگان دشمن مرز کمرنگی است، اینها برای ورود به مجلس اصلح نیستند. کسانی باید باشند که مرز روشنی با دشمن داشته باشند. (۸۶/۱۲/۲۲)
- مؤمن باشد. کسانی را انتخاب کنید که دارای ایمان باشند. ایمان است که از کج‌روی و انحراف و پای غلط گذاشتن و پای کج گذاشتن جلوگیری می‌کند؛ ایمان، نمی‌گذارد که وسوسه‌ها در انسان اثر بکند. بعضی‌ها ابتدای کار، آدم‌های خوبی هستند، منتها وقتی وارد عرصه‌هایی می‌شوند، وسوسه‌ها اینها را به

این طرف و آن طرف می‌کشاند؛ اگر ایمان قوی باشد، از این انحراف‌ها مصون می‌مانند. [پس]، مؤمن باشند.

- انقلابی باشند؛ واقعاً به معنای واقعی کلمه، دل به انقلاب داده باشند و انقلاب را به معنای واقعی کلمه پذیرفته باشند؛ اینها را انتخاب کنید.

- شجاع باشند. آن نماینده‌ای که از حرف زدن علیه فلان قدرت خارجی هم می‌ترسد، لایق این نیست که بیاید [برای] مردم ایران، با این عزت، با این شجاعت نمایندگی کند... باید شجاعانه، البته مدبرانه و عاقلانه عمل کرد.

- دارای روحیه جهادی باشند؛ شب و روز نشناسند.

- کارآمد باشند.

- به معنی واقعی کلمه طرفدار عدالت باشند... به معنای واقعی کلمه دنبال عدالت باشیم؛ هم عدالت اقتصادی، هم عدالت حقوقی، هم عدالت سیاسی؛ در همه زمینه‌ها عدالت باید وجود داشته باشد. (۹۸/۱۱/۱۶)

- کسی که می‌آید به مجلس، باید با تقوا باشد. اولین شرط تقواست: «انّ اکرمکم عندالله اتقاکم».

- باید طرفدار محرومان باشد؛ بداند که در کشور محرومیت هست و سعی و همت او باشد که رفع محرومیت کند.

- باید ضدّ فساد هم باشد و با فساد مالی و اقتصادی به شدت و به جد، از بن‌دندان و نه به لفظ، مخالف باشد، تا با فساد مبارزه کند.

- توانمند،

- با اخلاص و

- عالم هم باشد. (۸۲/۱۰/۱۸)

## ۱. شاخص‌های نماینده انقلابی

بدون شک اگر بخواهیم کلیدواژه‌ای برای معرفی نماینده اصلح انتخاب کنیم، آن واژه انقلابی بودن است. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در دیدارشان با

نمایندگان مجلس دوازدهم در تاریخ چهارم خرداد ۱۴۰۱ که رهبری آن مجلس را «مجلس انقلابی» نامیده است، اوصاف نماینده انقلابی را برشمرده‌اند:

### ۱۱,۱. ساده‌زیستی

اولش ساده‌زیستی است؛ اسیر تجملات و اعیان‌منشی و امثال اینها نشدن؛ شما قبل از اینکه بیایید در مجلس، یک جور زندگی‌ای داشتید؛ حالا که آمدید مجلس، نباید فکر کنید که دیگر حالا ما نماینده‌ایم، مثلاً باید این جور زندگی کنیم؛ نخیر؛ ساده‌زیست، همان زندگی معمولی‌ای که داشتید، همان را ادامه بدهید.

### ۱۱,۲. امانتداری

یکی‌اش امانتداری است؛ امانتداری خیلی مهم است؛ این آیه‌ای که این قاری عزیزمان اینجا خواند: *أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ*، انسان امانت را قبول کرده، امانت الهی را. بخشی از این امانت الهی همینی است که الان دست شما است. بخشی از آن امانت، همینی است که الان در اختیار شما است! این امانت را باید درست حفظ کنید.

### ۱۱,۳. مسئولیت‌پذیری

یک مسئله، مسئله مسئولیت‌پذیری است؛ قانونی را تصویب می‌کنید، اگر به نظرتان این قانون، قانون خوبی است و باید تصویب می‌شده، محکم بایستید، بگویید بله، من این را تصویب کردم؛ بله، ما تصویب کردیم. این جور نباشد که ما بگوییم ما این قانون را تصویب می‌کنیم، می‌دانیم هم که شورای نگهبان رد می‌کند، خب بگذار مسئولیتش بیفتد به گردن شورای نگهبان. می‌دانیم که این قانون عملی نیست، بعضی از قوانین [این جور] است؛ ببینید من خودم نماینده مجلس بودم، بنده مجلس را از داخل می‌شناسم؛ گاهی آدم می‌داند که این قانون

را دولت با این امکاناتی که دارد، با این شرایطی که دارد، نمی‌تواند عمل کند؛ می‌گوید خیلی خب، من تصویب می‌کنم، بگذار او عمل نکند، مردم او را متهم کنند، او را مسئول به حساب بیاورند که چرا عمل نشد. نه، این درست نیست؛ باید مسئولیت‌پذیری داشته باشید.

#### ۱۱،۴. مردمی بودن

یکی دیگر از شاخص‌ها مردمی بودن است؛ مردمی بودن یعنی چه؟ مردمی بودن یعنی با مردم عادی معمولی مخلوط شدن، نشست و برخاست کردن، هم گوش شنوا برای شنیدن حرف مردم داشتن، هم زبان گویا برای روشن کردن ذهن مردم داشتن. اینکه ما برویم در یک جمعی از مردم، یک داعیه‌ای دارند، یک خواسته‌ای دارند، حرف‌شان را بشنویم و بعد هم بگوییم «بله، صد درصد حق با شما است و این کسانی که گوش نمی‌کنند، عمل نمی‌کنند، چنین و چنان هستند»، نه، [کافی نیست]؛ یک وقت‌هایی هست یک گرهی در ذهن مردم هست، شماها باید این گره را باز کنید؛ این «جهاد تبیین» که ما عرض کردیم، شامل این موارد می‌شود. مشکلاتی وجود دارد؛ فرض کنید فلان قشر یک مطالبه‌ای دارد، خب شما نماینده مجلسید، از مصرف کشور و درآمد کشور مطلعید، می‌دانید که این عملی نیست؛ وقتی می‌دانید عملی نیست، منتظر نمانید که مثلاً فلان نماینده اجرایی یا قضایی بیاید بگوید نمی‌توانیم؛ نه، شما بگویید نمی‌شود؛ یعنی هم گوش برای شنیدن حرف مردم، هم زبان برای روشن کردن ذهن مردم داشته باشید. ممکن است در آن جمعی که مقابل شما هستند، دو نفر، سه نفر، ده نفر جماعتی هم بگویند «برو بابا! این هم [کاری نکرد]!» بگویند؛ شماها بایست [به وظیفه خودتان عمل کنید]. مردمی بودن یعنی این؛ اینکه می‌گوییم «مردمی»، مردمی، فقط این نیست که ما مثلاً فرض کنید که همین طور مدام شعار طرف‌داری از مردم بدهیم؛ نه، باید به مردم کمک کنیم؛ «کمک»، هم شنیدن

حرف آنهاست، هم اجرا کردن خواسته آنهاست در صورت امکان، هم روشن کردن ذهن آنها است در صورت وجود اشکال و عدم امکان.

### ۱۱،۵. دنبال حل مشکلات اساسی کشور بودن

دنبال حل مشکلات اساسی کشور بودن؛ یعنی واقعاً اساسی‌ترین مسائل را نگاه کنید، آنها را [دنبال کنید]. من به تعبیر بهتر بگویم، در مسائل کشور، مسائل اصلی وجود دارد، مسائل فرعی وجود دارد؛ تا وقتی مسائل اصلی پیش پای ما است، نوبت به مسائل فرعی نمی‌رسد. سراغ مسائل فرعی رفتن در حالی که ما مسائل اصلی را جلوی چشم داریم، جایز نیست. دنبال حل مشکلات اساسی و مسائل اصلی باشید؛ اصلی - فرعی کنید موضوعات را.

### ۱۱،۶. اجتناب جدی از تبعیض و فساد

اجتناب جدی از تبعیض و فساد؛ اجتناب! یک وقت می‌گوییم ضدیت جدی با فساد، خب بله، همه ضدند، ما هم همه ضدیم؛ منتها گاهی اوقات می‌شود که این ضدیت با فساد در دیگران است، با تبعیض در دیگران است. باید خودمان مراقبت کنیم، خودمان جدیت داشته باشیم، هم با تبعیض و فساد در زید و عمرو، هم با تبعیض و فساد در شخص خودمان.

### ۱۱،۷. همکاری صمیمانه با دیگر دست‌اندرکاران مدیریت

#### کشور

همکاری صمیمانه با دیگر دست‌اندرکاران مدیریت کشور. یکی از مشکلات کشور ناهماهنگی بوده؛ ناهماهنگی مسئولان سه قوه و بدنه سه قوه. حالا گاهی مسئولان هم با هم رقیقند، می‌نشینند دور هم و توافق می‌کنند، بدنه توافق نمی‌کند؛ این اشکال ایجاد می‌کند در اداره‌ی کشور؛ این دیگر تجربه سال‌های متمادی ما است. باید همکاری صمیمانه وجود داشته باشد؛ گروکشی نباید وجود داشته باشد؛ معارضه بی‌معنا نباید وجود داشته باشد. همکاری صمیمانه با دولت، با



دستگاه قضایی، با دیگران، با هر کسی که به نحوی سر و کار دارد؛ همکاری کنند برای پیشرفت کارهای درست کشور. البته اگر چنانچه آدم خطایی در آن طرف مشاهده می‌کند، باید صریح آن خطا را متذکر بشود؛ اما آنجایی که واقعاً جای همکاری است، همکاری کند.

### ۱۱،۸. عوامزده نبودن

یکی از شاخصه‌های نماینده انقلابی این است که با عموم مردم، با عامه مردم همراه است اما عوامزده نیست. من به شما عرض بکنم هیچ وقت جَوَزده نشوید. بعضی از مشکلات ما در بخشی از این سال‌ها به خاطر این بود که جَوَزده شدیم. فرض کنید در یک جلسه‌ای نشستیم، از مسئولین عالی‌رتبه کشور - اینها یک چیزهایی است که اتفاق افتاده، بنده هم همان وقت‌ها به‌شان اعتراض کردم - در جلسه‌ای نشسته بودند، مثلاً فرض کنید اساتید دانشگاه هم آنجا حضور داشتند، یکی یک چیزی گفته، یکی‌شان بلافاصله یک امتیاز بزرگی را که به صلاح هم نبوده، همان‌جا مثلاً در بین سخنرانی به مجموعه حاضر در جلسه داده؛ این جَوَزدگی است، این فایده‌ای ندارد، این مضر است. همراهی با مردم، غیر از عوامزدگی و جَوَزدگی و تحت تأثیرهای و هو قرار گرفتن است.

### ۱۱،۹. پابندی به قانون اساسی

پابندی به قانون اساسی. یکی از مسائل بسیار مهم در کار مجلس، پابندی به قانون اساسی است؛ آن مواردی که قانون اساسی تکلیفی معین کرده، حتماً رعایت بشود. این قانون اساسی نباید حتی اندکی مخدوش بشود. حالا البته تکلیف انطباق با قانون اساسی با شورای نگهبان است اما خود شما هم یک مواردی را می‌توانید [بررسی کنید]؛ حالا اینها مثال‌هایی هم دارد. برخی از نشانه‌های نماینده انقلابی‌ای - که ما هم مخلص نمایندگان انقلابی هستیم و مرید شما هستیم - اینها است.



## گفتار ششم: رقابت‌های ادوار انتخابات مجلس

با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، سرفصل جدیدی در حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش آغاز شد که نشانه‌های آن در شتون مختلف نظام سیاسی جدید متجلی شد. یکی از این نمادهای مردم‌سالاری تأسیس مجلس شورای اسلامی بود که با حضور نمایندگان منتخب ملت شکل گرفت. در دوره ستمشاهی به جز مواردی انگشت‌شمار، نمایندگان مجلس بیش از آنکه وکیل ملت باشند، منصوبان دربار بودند و ملت بالاخص در دوران پهلوی دوم ترجیح می‌دادند تا در نمایش دربار شرکت نکرده و بر سر صندوق‌های رأی حاضر نشوند!

با پیروزی انقلاب اسلامی و اعتماد ملت به نظام اسلامی، توده‌های مردم با صندوق‌های رأی آشتی کردند و بازگشتند و شاهد مشارکت بالای ملت در انتخابات مجالس شورای اسلامی بودیم.

## انتخابات مجلس اول

پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب تشکیل مجلس شورای اسلامی بود که نخستین دوره آن در هفتم خرداد ماه ۱۳۵۹ آغاز به کار کرد. انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی در ۲۴ اسفند ماه سال ۱۳۵۸ برگزار شد که در آن بیش از ۱۹۰۰ نفر از سراسر کشور نامزد شده بودند.

**رقابت‌های سیاسی:** در نخستین انتخابات مجلس در نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی، بسیاری از نیروهای شناخته شده انقلاب، آمادگی خود را برای بر عهده گرفتن نمایندگی ملت در خانه ملت اعلام کردند. اولین انتخابات مجلس با حضور جریان‌ها و گروه‌های سیاسی متعددی برگزار شد، چنانکه انتخابات این دوره مجلس شورای اسلامی از حیث تعدد گروه‌ها و دسته‌های سیاسی از انتخابات‌های دیگر دوره‌ها متمایز است.

در این انتخابات در مجموع سه نیروی عمده مذهبی، ملی و گروه‌های چپ در مقابل هم قرار گرفتند که در رأس نیروهای مذهبی حزب جمهوری اسلامی و گروه‌های مؤتلفه آن مانند روحانیت مبارز تهران و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی قرار داشت. جناح ملی‌گرایان به سرمداری «دفتر هماهنگی مردم» با رئیس‌جمهور از حمایت رئیس‌جمهور بنی‌صدر برخوردار بود. البته در این میان احزاب دیگری چون نهضت آزادی ایران با عنوان «گروه همنام» در انتخابات شرکت کردند و جبهه ملی ایران در فهرست جداگانه‌ای نامزدهای خود را معرفی کردند. گروه‌های چپ شامل احزاب توده، چریک‌های فدایی خلق، پیکار و چند گروه کوچک کاندیداهای مستقلی را معرفی کردند. گروه‌های التقاطی مانند سازمان مجاهدین خلق ایران که با عنوان شورای مرکزی کاندیداهای انقلابی و ترقی خواه در انتخابات شرکت کرد و حزب جاما و جنبش مسلمانان مبارز از

کاندیداهای مشترک با سایر گروه‌ها بهره می‌بردند؛ اما رقابت اصلی بین حزب جمهوری اسلامی و دفتر هماهنگی رئیس‌جمهور با مردم و گروه همنام بود.

در این دور از انتخابات مجلس حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت بعد از رایزنی‌های فراوان بر سر ارائه فهرست مشترک با هم به توافق رسیده و ائتلاف خود را با عنوان «ائتلاف بزرگ» اعلام کردند. در این ائتلاف علاوه بر گروه‌های همسو با دو تشکل یاد شده، گروه‌هایی نظیر «سازمان مجاهدین»، «سازمان فجر اسلام»، «نهضت زنان مسلمان»، «اتحادیه انجمن‌های اسلامی» و «بنیاد الهادی» نیز شرکت کردند.

گروه‌های دیگری نیز که در انتخابات حضور داشتند از جمله «دفتر هماهنگی مردم با رئیس‌جمهور» (ابوالحسن بنی‌صدر)، «نهضت آزادی» و گروه‌های اقماری آن نیز لیست‌های جداگانه‌ای ارائه کردند. نهضت آزادی با وجود استعفای دولت موقت و جریان اشغال سفارت آمریکا فهرست انتخاباتی خود را ذیل عنوان «کاندیداهای همگام» منتشر کرد. منافقین (مجاهدین خلق) نیز که از روزهای نخستین انقلاب مسیر سهم‌خواهی از قدرت را می‌پیمودند، در این دور از انتخابات حاضر شدند. نکته دیگر آنکه در این دوره نظارت شورای نگهبان برای انتخابات وجود نداشت.

**نتایج انتخابات:** مرحله اول انتخابات تنها ۹۷ نفر نماینده توانستند به مجلس راه یابند و انتخاب بقیه نمایندگان به دوره دوم موکول شد. در این دوره از مجموع ۲۰۸۵۷۳۹۱ نفر واجد شرایط تعداد ۱۰۸۷۵۹۶۹ نفر (معادل ۵۲/۱۴ درصد) در رأی‌گیری شرکت کردند. در ۱۴ فروردین ۱۳۵۹ نتایج اولیه انتخابات به صورت رسمی اعلام شد و ۱۸ نفر در تهران اکثریت مطلق را به دست آوردند که عبارت بودند از: فخرالدین حجازی، حسن حبیبی، سیدعلی خامنه‌ای، معینی‌فر، محمدجواد حجتی کرمانی، محمدجواد باهنر، مهدی بازرگان، حسن آیت،

محمدعلی رجایی، علی گلزاده، مصطفی چمران، هادی غفاری، سیدمحمد خویینی‌ها، اکبر هاشمی رفسنجانی، ابراهیم یزدی، عزت‌الله سبحانی و اعظم طالقانی.

از میان ۱۸ نفر کاندیدای برگزیده دور اول یازده نفر از لیست ائتلاف بزرگ، پنج نفر از لیست گروه همنام و دو نفر از دفتر هماهنگی‌های مردم با رئیس به مجلس راه یافتند. پس از برگزاری انتخابات تعدادی از گروه‌هایی که نمایندگان‌شان به مجلس راه نیافته بودند، به نحوه برگزاری انتخابات اعتراض کردند و تقاضای تجدید انتخابات به خصوص در تهران و چند شهرستان دیگر را داشتند.

جهت انتخاب بقیه نمایندگان تهران و شهرستان‌ها در ۵۹/۲/۱۹ دور دوم انتخابات شروع شد و ۱۳۷ نفر از سراسر کشور انتخاب شدند و در تهران نیز ۱۲ نفر در دور دوم مشخص شدند که عبارت بودند از: محسن مجتهدشستر، گوهرالشریعه دستغیب، دکتر علی اکبر ولایتی، کاظم سامی، یدالله سبحانی، محمدباقر حسینی لوسانی، محمدعلی هادی نجف‌آبادی، عبدالمجید معادی‌خواه، حبیب‌الله عسگر اولادی، محمدکاظم موسوی بجنوردی، هاشم صباغیان، مهدی شاه‌آبادی. به طور کلی در دو مرحله ۲۳۴ نفر از سراسر کشور انتخاب شدند و چون تعداد انتخاب شدگان از ۱۸۰ نفر حد نصاب (دو سوم نمایندگان که ۲۷ نفر هستند) بیشتر بود، مجلس می‌توانست رسمیت یابد.

## انتخابات مجلس دوم

انتخابات دومین دوره مجلس در روز ۲۶ فروردین‌ماه سال ۱۳۶۳ برگزار شد؛ انتخاباتی که نسبت به دور گذشته خود از تفاوت‌هایی برخوردار بود. آغاز جنگ تحمیلی و درگیری بخشی از شهرهای مرزی عملاً برگزاری انتخابات در

این مناطق را غیرممکن کرده بود، لذا انتخابات حوزه‌های جنگ‌زده برای مهاجران آن شهرها در حوزه‌های مجاور برگزار شد.

**رقابت‌های سیاسی:** در این دوره با توجه به حوادث پیش آمده سال‌های گذشته، شاهد طیف‌بندی و صف‌آرایی متفاوتی در انتخابات بودیم. در بعد سیاسی نیز گروهک‌ها و جریان‌های ضدانقلاب نفوذی نیز بعد از حوادث خونین سال ۱۳۶۰ و آشکار شدن ماهیت انحرافی آنها برای ملت، از صحنه سیاسی کشور حذف شده بودند.

اعضای اصلی و وابسته به نهضت آزادی ایران نیز که پیش از این در مجلس اول نماینده بودند، به دلیل عملکرد ناصواب و همسویی با ضدانقلاب و بیگانگان، از طرف شورای نگهبان رد صلاحیت شدند. نهضت نیز در واکنش به اقدام شورای نگهبان، رسماً انتخابات را تحریم کرد. در نتیجه جامعه روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی به عنوان گروه‌های فعال و تأثیرگذار صحنه سیاسی، بازیگر میدان انتخابات دور دوم مجلس بودند.

با حذف جریان اپوزیسیون، به تدریج از ابتدای دهه ۶۰ اختلافات بین نیروهای خط امام شکل گرفت و تقریباً تمامی تشکل‌های سیاسی در این دوره را با انشقاق مواجه کرد. یک جریان با محوریت اکثریت جامعه روحانیت، اکثریت اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، طیف راست حزب جمهوری، طیف راست سازمان مجاهدین انقلاب، حزب مؤتلفه و برخی تشکل‌های وابسته به بازار در یک گروه قرار می‌گرفتند. در مقابل جریان‌های حامیان دولت موسوی، طیف چپ جامعه روحانیت، اعضای چپ سازمان مجاهدین انقلاب، دفتر تحکیم وحدت و انجمن‌های اسلامی معلمان و مدرسین دانشگاه‌ها قرار داشتند. این اختلافات در نهایت منجر به ارائه دو لیست در تهران شد و دفتر تحکیم وحدت در برابر جامعه روحانیت تهران لیستی مستقل ارائه کرد که البته از مشترکات

فراوانی نیز برخوردار بود.

در آستانه انتخابات زمزمه‌هایی مطرح بود مبنی بر اینکه مسئله انتخابات جزء مسائلی است که مجتهدان واجد شرایط حق اظهار نظر و معرفی افراد شایسته به مردم را دارند و از دخالت دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی در انتخابات چندان راضی نبودند و حتی برخی از ایشان مسئله را پنهان نمی‌کردند و صریحاً در دانشگاه و در بین دانشجویان آنان را از حضور در صحنه‌های سیاسی برحذر می‌داشتند. انتشار این اخبار با واکنش حضرت امام (ره) مواجه شد. ایشان در عباراتی حکیمانه در برابر این نگرش انحرافی که مدعی بود در اسلام سیاست امری تخصصی است و تنها اسلام‌شناسان باید در آن دخالت کنند و دیگران باید از آنها تبعیت کنند، چنین هشدار می‌دهند:

«از قراری که من شنیده‌ام در دانشگاه بعضی از اشخاص رفته‌اند گفته‌اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدان است. تا حالا می‌گفتند که مجتهدان در سیاست نباید دخالت بکنند، این منافی با حق مجتهدان است، آنجا شکست خورده‌اند، حالا عکسش را دارند می‌گویند. این هم روی همین زمینه است، اینکه می‌گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاسی هم حق مجتهدان است هر دوی غلط است. انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می‌کند، انتخابات بر فرض اینکه سیاسی باشد و هست هم، این دارد سرنوشت همه ملت را تعیین می‌کند، یعنی آحاد ملت سرنوشت زندگی‌شان در دنیا و آخرت منوط به این انتخابات است. این طور نیست که انتخابات را باید چند تا مجتهد عمل کنند، این معنی دارد که مثلاً یک دویست تا مجتهد در قم داشتیم و یک صد تا مجتهد در جاهای دیگر داشتیم، اینها هم بیایند انتخاب کنند، دیگر مردم بروند کنار؟! ... دانشگاهی‌ها بدانند این را که همانطوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت



خودش دخالت کند. فرق ما بین دانشگاهی و دانشجو و مثلاً مدرسه‌ای و اینها نیست، همه‌شان با هم هستند. اینکه در دانشگاه رفتند و یک همچو مطلبی را گفتند، این یک توطئه‌ای است برای اینکه شما جوان‌ها را مأیوس کنند.» (۶۲/۱۲/۹)

### نتایج انتخابات: سرانجام مرحله اول انتخابات در ۶۳/۱/۲۶ برگزار شد.

در این دوره ۲۴۱۴۳۴۹۸ نفر واجد شرایط بودند که از میان آنها ۱۵۶۰۷۳۰۶ نفر در انتخابات شرکت کردند. میزان مشارکت مردم در این انتخابات تقریباً ۶۵ درصد بود که نسبت به دور گذشته ۱۳ درصد افزایش داشت و این حاکی از آن بود که تحریم انتخابات از سوی اپوزیسیون و ضدانقلاب نه تنها تأثیری بر حضور ملت نداشته، بلکه موجب افزایش حضور نیز شده بود.

نتایج حاصله نیز از توفیق نسبی هر دو جناح به یک اندازه در این انتخابات حکایت داشت، به طوری که جناح چپ ۱۲ کرسی و جناح راست ۱۸ کرسی را در تهران به دست آورد. در سراسر کشور نیز توزیع آرا به همین گونه بود، به نحوی که در مجموع مجلسی متوازن با حضور دو طیف اصلی در جریان خط امام شکل گرفت.

منتخبان تهران به ترتیب عبارت بودند از: حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، مهدی کروبی، مهدی ربانی املشی، عباس شیبانی، موحدی کرمانی، سید محمود دعایی، سید محمد اصغری، گوهر الشریعه دستغیب، حسین کمالی، مهدی شاه‌آبادی، جلال‌الدین فارسی، حسن روحانی، ابراهیم اسرافیلیان، کمال‌الدین نیک‌روش، عسگر اولادی، فضل‌الله محلاتی، مرضیه دباغ، مریم بهروزی، سعید امانی، حسین موسویان، موسی زرگر، محمدعلی هادی، محی‌الدین انواری، فخرالدین حجازی، محسن مجتهد شبستری، محمد یزدی، هادی غفاری، عاتقه صدیقی (رجایی).

## انتخابات مجلس سوم

انتخابات مجلس سوم در روز ۶۷/۱/۱۹ و در حالی که جنگ به روزهای سخت خود رسیده و رژیم بعثی شهرهای کشور را تهدید به بمباران هوایی و حتی بمباران شیمیایی کرده بود، با حضور ملت شجاع ایران در پای صندوق‌های رأی برگزار شد. فضای سیاسی کشور نیز در آستانه برگزاری این انتخابات دستخوش تحولاتی مهم بود. در مهرماه ۱۳۶۵ بود که سازمان مجاهدین انقلاب به دلیل ایجاد و گسترش اختلافات دو جناح شکل دهنده آن، به دستور حضرت امام(ره) منحل شد. حزب جمهوری اسلامی نیز از این گزند به دور نبود و این حزب نیز به درخواست بزرگان و تأیید حضرت امام(ره) در خرداد سال ۱۳۶۶ منحل شد. این اختلافات در سطوح گوناگون کشور در حال بسط بود و یکی دیگر از فزایندهایی که خود را به عینه نشان داد، در انتخاب میرحسین موسوی به نخست‌وزیری بود که با اختلافات و تنش فراوان همراه بود و سرانجام با اعلام نظر حضرت امام(ره) و انتخاب مجدد وی به پایان رسید.

**رقابت‌های سیاسی:** در آستانه انتخابات مجلس سوم اختلافات درون گروه‌های سیاسی خط امام به اوج خود رسیده بود، به نحوی که زمینه‌های جدی شکل‌گیری تشکلی جدید فراهم آمد و عملاً در تهران دو لیست متفاوت به نام‌های «جامعه روحانیت مبارز» و «مجمع روحانیون مبارز» منتشر شد. در بین انتخابات مرحله اول و دوم این دوره از انتخابات بود که مجمع روحانیون مبارز با انتشار نامه‌ای در ۶۷/۱/۲۵ به حضرت امام(ره) و پاسخ ایشان رسمیت یافت، هرچند که عملاً از چندماه پیش فعالیت خود را آغاز کرده بود. در آن پاسخنامه آمده بود: «انشعاب از تشکیلاتی برای اظهار عقیده مستقل و ایجاد تشکیلات

جدید، به معنای اختلاف نیست.»<sup>۱</sup>

مجمع روحانیون توانست اکثریت کرسی‌های مجلس را به دست آورد و دبیرکل آن - مهدی کروبی - به مقام نائب رئیس مجلس سوم انتخاب شود و بعد از مدتی در سال ۱۳۶۸ و پس از انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس‌جمهور، وی به صندلی ریاست مجلس سوم تکیه زند.

همچنین در این دوره وزیر وقت کشور در مورد صلاحیت اعضای گروهک نهضت آزادی از حضرت امام (ره) سؤال کردند که حضرت امام (ره) طی نامه‌ای کتبی آن گروه را غیرقانونی اعلام داشته<sup>۲</sup> و هیئت اجرایی نیز بر همان

---

۱ - صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸، ۶۷/۱/۲۵.

۲ - در پاسخ حضرت امام (ره) آمده بود: «در موضوع نهضت به اصطلاح آزادی مسائل فراوانی است که بررسی آن محتاج به وقت زیاد است. آنچه باید اجمالاً گفت آن است که پرونده این نهضت و همین‌طور عملکرد آن در دولت موقت اول انقلاب شهادت می‌دهد که نهضت به اصطلاح آزادی طرفدار جدی و ابستگی کشور ایران به آمریکا است و در اینباره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است؛ و حمل به صحت اگر داشته باشد، آن است که شاید آمریکای جهان‌خوار را، که هر چه بدبختی ملت مظلوم ایران و سایر ملت‌های تحت سلطه او دارند از ستمکاری اوست، بهتر از شوروی ملحد می‌دانند و این از اشتباهات آنها است.

در هر صورت، به حسب این پرونده‌های قطور و نیز ملاقات‌های مکرر اعضای نهضت، چه در منازل خودشان و چه در سفارت آمریکا و به حسب آنچه من مشاهده کردم از انحرافات آنها، که اگر خدای متعال عنایت نفرموده بود و مدتی در حکومت موقت باقی مانده بودند ملت‌های مظلوم به‌ویژه ملت عزیز ما اکنون در زیر چنگال آمریکا و مستشاران او دست و پا می‌زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می‌خورد که قرن‌ها سر بلند نمی‌کرد و به حسب امور بسیار دیگر، نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی را ندارند؛ و ضرر آنها، به اعتبار آنکه متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی‌مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث

اساس، داوطلبان وابسته به این گروه را تأیید صلاحیت نمی‌کند.

**نتایج انتخابات:** در این انتخابات ۲۷ میلیون و ۹۸۶ هزار و ۷۳۶ نفر جمعیت واجد شرایط رأی دادن را تشکیل می‌دادند که از این تعداد ۱۶ میلیون و ۷۱۴ هزار و ۲۸۱ نفر (۵۹/۷۲ درصد) در انتخابات شرکت کردند. اسامی نمایندگان منتخب تهران به این شرح بود:

اکبر هاشمی رفسنجانی، مهدی کروبی، فخرالدین حجازی، هادی غفاری، حسین کمالی، محسن نوربخش، گوهرالشریعه دستغیب، محمود دعایی، محمدعلی صدوقی، عاتقه صدیقی رجایی، عباس شیبانی، مصطفی معین، محمد اصغری و محمد سلامتی در مرحله اول به مجلس راه یافتند. در مرحله دوم مرضیه حدیدچی دباغ، مرتضی الویری، حسن روحانی، محمد ابراهیم اصغرزاده، عباس دوزدوزانی، حسین فروتن، مرتضی کتیرایی، عباس عمید زنجانی، عبدالواحد موسوی لاری، عیسی ولایی، محمدسعید تسلیمی، نجفقلی حبیبی، سعید رجایی خراسانی، علی اکبر ناطق نوری، حسین مظفری نژاد و محمدرضا باهنر.

---

شریفه و تأویل‌های جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است بشوند، از ضرر گروهک‌های دیگر، حتی منافقین این فرزندان عزیز مهندس بازرگان، بیشتر و بالاتر است.

«نهیضت آزادی» و افراد آن از اسلام اطلاعی ندارند و با فقه اسلامی آشنا نیستند. از این جهت، گفتارها و نوشتارهای آنها که منتشر کرده‌اند مستلزم آن است که دستورات حضرت مولی‌الموالی امیرالمؤمنین را در نصب ولات و اجرای تعزیرات حکومتی که گاهی بر خلاف احکام اولیه و ثانویه اسلام است، بر خلاف اسلام دانسته و آن بزرگوار را - نعوذ بالله - تخطئه، بلکه مرتد بدانند! و یا آنکه همه این امور را از وحی الهی بدانند که آن هم بر خلاف ضرورت اسلام است.

نتیجه آنکه نهیضت به اصطلاح آزادی و افراد آن چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی‌اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می‌گردند، باید با آنها برخورد قاطعانه شود، و نباید رسمیت داشته باشند.» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۸۱، ۳۰/۱۰/۶۶)

بدین سان مجلس سوم در اختیار جریان چپ افتاد و این در حالی بود که در رأس قوه مجریه و دستگاه قضایی نیز عناصری همسو با این جریان قرار داشتند.

## انتخابات مجلس چهارم

در فاصله انتخابات دوره سوم و چهارم مجلس، جمهوری اسلامی با تحولات متعددی مواجه بود. پایان جنگ تحمیلی در تابستان سال ۱۳۶۷، ارتحال امام خمینی (ره) در روز چهاردهم خرداد ماه سال ۱۳۶۸ و برگزیده شدن آیت الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب، آغاز دوران سازندگی با ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی رویدادهای بزرگ و تأثیرگذاری بودند که انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی را تحت الشعاع قرار می‌داد.

مدت‌ها قبل از آنکه انتخابات مجلس چهارم به مرحله اجرایی برسد، بحث نحوه نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس به یک بحث روز مبدل شد. پیش از این در جریان انتخابات مجلس سوم، میان شورای نگهبان و وزارت کشور (به وزارت سیدعلی اکبر محتشمی) بر سر نحوه نظارت و مشخصاً نحوه تأیید و رد صلاحیت نامزدها، اختلاف نظر پیش آمده بود. وزارت کشور معتقد بود هیئت اجرایی، مسئول اولیه تأیید یا رد صلاحیت‌هاست و هیئت‌های نظارت فقط در مورد افراد رد صلاحیت شده از سوی هیئت‌های اجرایی می‌توانند اعلام نظر کنند و احراز صلاحیت افراد تأیید شده از سوی هیئت‌های اجرایی برای حضورشان در رقابت انتخاباتی کافی است؛ اما شورای نگهبان با تفسیری متفاوت، معتقد بود که حتی افراد تأیید شده از سوی هیئت‌های اجرایی را هم می‌توان رد صلاحیت کرد.

در تاریخ ۷۰/۲/۲۳ آیت‌الله غلامرضا رضوانی، عضو فقهای شورای نگهبان و رئیس هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، با نگارش نامه‌ای خطاب به شورای نگهبان نظر تفسیری آن شورا را درباره نحوه نظارت بر انتخابات

در خواست کرد. در نامه آیت‌الله رضوانی آمده است: «نظر به اینکه امر انتخابات از امور مهمه کشور است و امت اسلامی با رشد انقلابی در تمام دوره‌های اخذ رأی به نحو چشمگیر در انتخابات شرکت کرده‌اند و من بعد نیز باید به نحوی عمل شود که حضور آزادانه مردم همچنان محفوظ بماند و این امر مستلزم نظارت شورای نگهبان است تا در تمام جهات، رعایت بی‌طرفی کامل معمول گردد و در این خصوص در کیفیت اجرا و نظارت گاهی شائبه تداخل مطرح می‌گردد بنا به مراتب استدعا دارد نظر تفسیری آن شورای محترم را در مورد مدلول اصل نود و نه قانون اساسی اعلام فرمایند.» پاسخ شورای نگهبان در تاریخ ۷۰/۳/۱ چنین بود: «نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود.»

اعمال این نوع نظارت در جریان انتخابات مجلس چهارم، واکنش‌های متفاوت و گوناگونی از سوی جریان‌های سیاسی را به دنبال داشت: طیف راست از آن استقبال کرد و افزایش دامنه اختیار این شورا را در راستای پاسداری هرچه بیشتر از آنچه دستاوردهای نظام و دقت نظر در بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی می‌خواند، تلقی کرد. در مقابل مجمع روحانیون مبارز و گروه‌های همفکرش این حرکت شورای نگهبان را جناحی خوانده و نسبت به برخورد با داوطلبان طیف چپ شدیداً هشدار داد.

**رقابت‌های سیاسی:** این دوره از انتخابات را می‌توان یکی از رقابت‌های سنگین بین جریان چپ با محوریت مجمع روحانیون مبارز و جریان راست با محوریت جامعه روحانیت مبارز دانست که بعد از پایان جنگ و آغاز به کار دولت سازندگی به اوج رسیده بود. به واقع این انتخابات آخرین تلاش جناح چپ برای باقی ماندن در عرصه قدرت بعد از دست دادن قوه مجریه، قوه قضائیه و مجلس خبرگان رهبری بود که با پیروزی کاندیداهای جناح مقابل در انتخابات

این تلاش نیز بی‌ثمر ماند و بعد از مشخص شدن نتایج انتخابات بود که مجمع روحانیون مبارز به عنوان رهبر و لیدر جریان چپ فعالیت سیاسی خود را تعطیل کرد تا اینکه سال‌ها بعد در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری هفتم فعالیت خود را بار دیگر از سر گرفت.

در جریان رسیدگی به صلاحیت داوطلبان نمایندگی انتخابات مجلس، نامزدهای بخشی از طیف چپ رد صلاحیت شدند (حدود ۸۰ نفر)<sup>۱</sup>، اما اصرار شورای نگهبان بر صحت بررسی صلاحیت داوطلبان، مجمع روحانیون را وا داشت تا در نامه‌ای به مقام معظم رهبری نسبت به این امر اعتراض کند. این وضعیت بدانجا انجامید که مجمع روحانیون قصد داشت تا از رقابت در انتخابات کناره‌گیری کند، اما با وساطت رهبر معظم انقلاب اسلامی، از این اقدام صرف‌نظر کرد. در کنار مجمع روحانیون مبارز در این دوره، ائتلاف خط امام شامل دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی معلمان ایران، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، انجمن اسلامی مهندسين و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی قرار داشتند.

طیف راست<sup>۲</sup> در سطح گسترده‌ای با شعار پیروی از خط امام، اطاعت از رهبری و حمایت از هاشمی به صحنه انتخابات آمد و در مقابل جریان چپ که افکار عمومی عملکرد این طیف را در مجلس سوم در مخالفت با دولت هاشمی و تا حدی عدم اطاعت از رهبری<sup>۳</sup> ارزیابی می‌کرد، پایگاه خود را از دست داد و در

---

۱- هادی خامنه‌ای، هادی غفاری و بهزاد نبوی از جمله این افراد بودند.

۲- جامعه روحانیت مبارز تهران، جمعیت مؤتلفه، جامعه وعاظ، جامعه اسلامی مهندسين و جامعه اسلامی فرهنگیان، جامعه زینب، جامعه اصناف و بازار در مجموع طیف راست را در این انتخابات تشکیل می‌دادند.

۳- از جمله این موارد که شائبه مخالفت با رهبری را تقویت کرد ماجرای ملاقات ناباورانه قریب به ۱۰۰ نفر از نمایندگان مجلس سوم با آقای منتظری در اواسط سال ۱۳۷۰ بود و

تهران لیست ۳۰ نفره جامعه روحانیت پیروز میدان شد.

### نتایج انتخابات: انتخابات در روز ۷۱/۱/۲۱ برگزار شد که از میان ۳۲

میلیون و ۴۶۵ هزار نفر واجد شرایط، ۱۸ میلیون و ۷۶۷ هزار و ۴۲ نفر، (۵۸ درصد) به پای صندوق‌های رأی رفتند. در تهران تنها دو نفر، آقایان سیدعلی اکبر موسوی حسینی با ۹۳۷ هزار و ۳۰۲ رأی و سیدعلی اکبر ابوترابی با ۶۷۲ هزار و ۱۵۵ رأی توانستند از میان یک میلیون و ۷۰۱ هزار و ۲۹۹ نفر رأی، وارد مجلس شوند.

در مرحله دوم که در ۷۱/۲/۸ برگزار شد، مردم ۱۹ استان کشور در پای صندوق‌های رأی حاضر شده و ۱۳۳ نماینده باقی‌مانده مجلس چهارم را انتخاب کردند. در این بین یک میلیون و ۲۵ هزار و ۶۲۹ نفر در تهران شرکت کرده بودند که اکثریت به فهرست کاندیدای جناح راست رأی دادند. حتی مهدی کروبی دبیر کل مجمع روحانیون و رئیس مجلس سوم نیز از راهیابی به مجلس بازماند. منتخبان تهران که همگی از فهرست مورد حمایت جامعه روحانیت بودند عبارتند از: سیدعلی اکبر موسوی حسینی، سیدعلی اکبر ابوترابی، عباس شیانی، محمدجواد اردشیر لاریجانی، محسن یحیوی، محمدرضا باهنر، علی اکبر ناطق نوری، سید محمود دعایی، محمدعلی موحدی کرمانی، سعید رجایی خراسانی، حسن روحانی، علی عباسپور تهرانی، نفیسه فیاض‌بخش، محسن مجتهد شبستری، علی‌نقی خاموشی، عباس‌علی عمیدزنجانی، مریم بهروزی، پروین سلیحی،

---

این در حالی بود که در میان اقشار جامعه بالاخص نیروهای مذهبی و انقلاب حساسیت بر روی آقای منتظری به عنوان مطرود حضرت امام(ره) زیاد بود. بالاخص سخنان مرتضی‌الویری - رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس - که از ضرورت استفاده از نظرات فقهی ایشان در حل معضلات نظام سخن گفت. بی‌شک این اقدام تأثیر بسزایی در از دست دادن جایگاه مردمی جناح چپ داشت.



سیدمرتضی نبوی، سیدشهاب‌الدین صدر، مرضیه وحیددستجردی، قربانعلی دری نجف‌آبادی، منیره نوبخت، علی غیوری نجف‌آبادی، سیدرضا تقوی، محمدکاظم سیفیان، حبیب‌الله عسکراولادی، محمدهاشم رهبری، علی موحدی ساوجی و محمود صابر همیشگی.

### انتخابات مجلس پنجم

انتخابات مجلس پنجم شورای اسلامی را می‌توان سرفصلی جدید در تحول سیاسی کشور و سرآغاز طیف بندی جدید اصولگرا و اصلاح طلب دانست. در ابتدای سال ۱۳۷۴، تاریخ ۱۸ اسفندماه به عنوان روز برگزاری انتخابات مجلس دور پنجم تعیین شد و به تدریج فعالیت‌های انتخاباتی گروه‌های سیاسی کلید خورد. این در حالی بود که محوری‌ترین تشکیل سیاسی طیف چپ؛ مجمع روحانیون مبارز، دوران فترت خود را می‌گذراند و به طور غیررسمی در غیاب مجمع، رهبری طیف چپ در انتخابات مجلس پنجم بر دوش سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران و مجموعه گروه‌های «ائتلاف خط امام» نهاده شده بود.

انتخابات مجلس پنجم از جهات متعددی اهمیت داشت؛ از جمله آنکه دوران ریاست جمهوری هشت ساله آقای هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۷۶ به پایان می‌رسید و او دیگر نمی‌توانست نامزد شود، لذا جریان پیروز انتخابات مجلس پنجم می‌توانست به پیروزی درانتخابات ریاست جمهوری هفتم نیز امیدوار باشد.

**رقابت‌های سیاسی:** رقابت انتخاباتی در مجلس پنجم انتخابات پنج‌مین دوره مجلس در نبود مجمع روحانیون مبارز با حضور چهار گروه عمده «ائتلاف خط امام»، «جامعه روحانیت مبارز»، «کارگزاران سازندگی» و «جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب» شکل گرفت.

جریان اصلی متعلق به جامعه روحانیت و گروه‌های همسو بود که اکثریت

مجلس چهارم را در اختیار داشته و با تمام توان برای فتح مجلس پنجم وارد میدان شدند. در صدر فهرست این جریان اسامی حجت‌الاسلام ناطق‌نوری، رئیس مجلس و مرحوم سیدعلی اکبر ابوترابی فرد و حجت‌الاسلام محمدعلی موحدی کرمانی قرار داشتند.

جریان چپ با محوریت سازمان مجاهدین، تبلیغات انتخاباتی خود را خیلی زود آغاز کرد و خط تبلیغی ویژه‌ای با محورهای زیر را در دستور کار خود قرار داد: ۱- طرح ادعای عملکرد جناحی شورای نگهبان همسو با منافع طیف راست سنتی، ۲- زیرسؤال بردن اصلاحیه قانون انتخابات در مجلس چهارم که طبق آن نظارت استصوابی شورای نگهبان عام و شامل کلیه مراحل انتخابات خواهد بود، ۳- بزرگنمایی تغییرات صورت گرفته در سطح مجریان و متولیان برگزارکننده انتخابات در استان‌ها، ۴- طرح مسئله خطر رد صلاحیت گسترده کاندیداهای طیف چپ از سوی شورای نگهبان.

در ادامه کار در شرایطی که حدود یک ماه تا انتخابات مجلس باقی مانده بود، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی توانست در کنار انجمن اسلامی معلمان، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها و انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران، نهضت اسلامی تعاون؛ «ائتلاف گروه‌های خط امام» را تشکیل داده و خود را برای شرکت در انتخابات آماده کند. این در حالی بود که مجمع روحانیون مبارز و دفتر تحکیم وحدت، غایبان بزرگ این ائتلاف به شمار می‌رفتند.

اما آنچه به عنوان چالش اصلی در فضای رسانه‌ای و تبلیغی اذهان عمومی را مورد توجه قرار داده بود، اختلاف چپ و راست نبود، بلکه اخباری بود که از درون جبهه ائتلافی طیف راست به گوش می‌رسید. در حالی که تلاش‌های بسیاری شد تا طیف راست سنتی و راست مدرن لیست واحد و مشترکی را برای انتخابات مجلس پنجم ارائه دهند و در این بین آقای هاشمی رفسنجانی که عضو

شورای مرکزی جامعه روحانیت بوده و همچنین رهبری معنوی طیف راست مدرن را نیز برعهده داشت، برای ایجاد این تفاهم بسیار تلاش کرد، ولی اختلاف بیش از آن بود که به نظر می‌رسید و طیف راست سنتی در لیست تهران حتی از پذیرش پنج نفر از فهرست پیشنهادی راست مدرن<sup>۱</sup> در برابر ۲۵ نفر لیست جامعه روحانیت سر باز زد و این تیر خلاصی بر ائتلاف راست سنتی و مدرن بود.

سرانجام در ۳۰ دی ماه ۱۳۷۴ نامه‌ای از سوی جمعی با عنوان «خدمتگزاران سازندگی» خطاب به مجلس شورای اسلامی منتشر شد که پای آن را ۱۰ وزیر و چهار معاون رئیس‌جمهور و دو مدیر ارشد دولت امضا کرده بودند<sup>۲</sup> و با اعلام رسمیت فعالیت انتخاباتی خود وارد صحنه رقابت شدند. شعار انتخاباتی این گروه نیز «عزت اسلامی، تداوم سازندگی، آبادانی ایران» انتخاب شد. در فضای سیاسی آن دوران این گروه به عنوان جریان تکنونوکرات معرفی شدند که مروج نوعی لیبرالیسم خواهند بود و این موضوع نگرانی‌هایی را برای انقلابیون به وجود آورده بود.

---

۱ - این ۵ نفر عبارت بودند از: عبدالله نوری، مصطفی معین، سعیدی کیا، علیرضا محجوب و دکتر ملک زاده.

۲ - این ۱۶ نفر عبارت بودند از: غلامحسین کرباسچی (شهردار تهران)، محسن نوربخش (رئیس کل بانک مرکزی)، عطاالله مهاجرانی (معاون حقوقی رئیس‌جمهور)، محمد هاشمی (معاون رئیس‌جمهور)، مصطفی هاشمی‌طبا (معاون تربیت بدنی رئیس‌جمهور)، محمدعلی نجفی (وزیر آموزش و پرورش)، محمدرضا نعمت‌زاده (وزیر صنایع)، غلامرضا فروزش (وزیر جهاد)، غلامرضا شافعی (وزیر تعاون)، رضا امراللهی (معاون انرژی اتمی رئیس‌جمهور)، بیژن زنگنه (وزیر نیرو)، سیدمحمد غرضی (وزیر نفت)، اکبر ترکان (وزیر راه)، عیسی کلانتری (وزیر کشاورزی)، مرتضی محمدخان (وزیر اقتصاد) و اسماعیل شوشتری (وزیر دادگستری)

یکی از این مؤلفه‌ها که نقش بسزایی در ایجاد این فضای ضدکارگزارانی مؤثر بود، حمایت‌هایی بود که رسانه‌های بیگانه از این جریان داشته و عبارات تحریک‌کننده‌ای بود که برای توصیف کارگزاران به کار گرفته می‌شد.

یکی دیگر از عواملی که موجب شد تا فضای تبلیغاتی سنگینی علیه کارگزاران شکل گیرد، شیوه‌های تبلیغاتی و پر زرق و برق این گروه بود که تا آن موقع سابقه نداشت. وابستگی اعضای این گروه به قوه مجریه و ارتباط با شرکت‌های صنعتی و مؤسسات مالی این شبهه را تقویت کرد که این گروه از امکانات دولتی برای هزینه‌های انتخاباتی بهره جسته یا با بده بستان سیاسی با سرمایه داران بزرگ، به نوعی خود را وامدار این طبقات کرده است.

به هر حال حدود یک ماه مانده به روز موعود؛ ۷۴/۱۲/۱۸، صحنه انتخابات به رقابت دو جریان جامعه روحانیت و کارگزاران سازندگی مبدل شد و دیگر گروه‌های ضعیف‌تر در ذیل این فضای دو قطبی مختصات خود را یافتند.

تشکل دیگری که آرام و بی صدا در آستانه انتخاب شکل گرفت، جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب بود. این گروه ابتدا تحت عنوان «جمعیت از دلسوزان انقلاب» با چهره شاخصش «محمد محمدی ری شهری» در بیانیه‌ای اعلام موجودیت کرد و سپس با عنوان جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب به صحنه آمد و فهرست انتخاباتی خود را منتشر کرد. لیست نامزدهای این گروه برای انتخابات در واقع تلفیقی از فهرست کارگزاران و جامعه روحانیت بود.

**نتایج انتخابات:** انتخابات در روز جمعه ۷۴/۱۲/۱۸ در سراسر کشور آغاز شد. در این انتخابات ۲۴ میلیون و ۶۸۲ هزار و ۳۸۶ نفر به پای صندوق‌های رأی رفتند و در برخی از شهرها نمایندگان حداقل رأی لازم برای انتخاب را کسب نکرده، لذا ادامه انتخابات به مرحله دوم کشیده شد. در این دوره بیش از ۷۱ درصد از واجدان شرایط در انتخابات شرکت کردند که در بین تمام ادوار

انتخابات مجلس بیشترین بوده است.

در تهران دو میلیون و ۴۴۴ هزار و ۴۱۵ نفر در این مرحله انتخابات شرکت کردند و برحسب این نتایج در مرحله اول فقط علی اکبر ناطق نوری با ۸۷۹ هزار و ۸۹۳ رأی و فائزه هاشمی با ۸۵۲ هزار و ۶۰۹ رأی می توانستند به مجلس راه یابند.<sup>۱</sup> قبل از مشخص شدن نتایج، هر دو گروه کارگزاران و روحانیت ادعا داشتند پیروز انتخابات هستند، اما نتایج نشان می داد سرنوشت انتخابات مجلس پنجم در مرحله دوم مشخص خواهد شد. مرحله دوم انتخابات نیز در روز ۳۱ فروردین ۱۳۷۵ برگزار شد. در این روز میلیون ها نفر از مردم سراسر کشور در انتخابات شرکت کردند و باقی مانده نمایندگان مجلس را برگزیدند. در شهر تهران در مرحله دوم تمامی ۲۹ کاندیدای باقی مانده جامعه روحانیت در فهرست دور دوم نیز حضور داشتند. از فهرست کارگزاران هم ۲۹ مورد که ۹ مورد آن با جامعه روحانیت مشترک بود، در فهرست این گروه حضور داشت. از کاندیداهای ائتلاف خط امام ۱۱ نفر در دور دوم حضور داشت که ۸ نفر آنها را کارگزاران معرفی کرده بود.

در این مرحله در تهران ۱ میلیون و ۴۳۱ هزار و ۴۳۱ رأی به صندوقها ریخته شد و از بین ۵۸ نفر باقی مانده در مرحله دوم افراد زیر که اکثریت آنها از فهرست جامعه روحانیت بودند به ترتیب به عنوان منتخب مردم تهران راهی مجلس پنجم شدند: سیدعلی اکبر ابوترابی فرد، عباس شیبانی، مرضیه وحید دستجردی، محمدرضا باهنر، محمدعلی موحدی کرمانی، نفیسه فیاض بخش، قربانعلی دری نجف آبادی، سهیلا جلودارزاده، محسن یحیوی، حسن روحانی، سید محمود دعایی، عبدالله نوری، منیره نوبخت، علیرضا محجوب، ابوالقاسم

سرحدی زاده، سیدرضا اکرمی، موسی زرگر، محمدجواد اردشیر لاریجانی، مجید انصاری، داود دانش جعفری، فاطمه رمضان‌زاده، سیدمرتضی نبوی، سیدرضا تقوی، علی موحدی ساوجی، شهاب‌الدین صدر.<sup>۱</sup>

## انتخابات مجلس ششم

انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در روز ۷۸/۱۱/۳۰ برگزار شد. این اولین انتخابات مجلسی بود که دولت اصلاحات معجری آن بود و بنا بر قانونی که در مجلس پنجم به تصویب رسیده بود، تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این دوره از ۲۷۰ نفر به ۲۹۰ نفر افزایش می‌یافت. حوادث تلخ کوی دانشگاه در تیرماه این سال نیز بر روند انتخابات بی‌تأثیر نبود.

**رقابت‌های سیاسی:** در این دوره از انتخابات جریان‌های سیاسی کشور، به طور فعال در انتخابات شرکت کردند. جامعه روحانیت و جریان حامیان خط امام و رهبری و گروه‌های همسو، مجمع روحانیون مبارز، حزب مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب و کارگزاران سازندگی از جمله تشکل‌های سیاسی بودند که به طور جدی وارد عرصه رقابت انتخاباتی شدند.

میدان‌داری انتخابات مجلس ششم با جریان دوم خرداد توانسته بود با پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری و اولین دوره شورای شهر، فضای سیاسی کشور را در اختیار خود بگیرد. پیروزی در انتخابات مجلس ششم برای جبهه دوم خرداد نقش حیاتی داشته و رمز تداوم و ماندگاری این جریان را بعد از هشت سال دوری از قدرت تضمین می‌کرد. ضمن آنکه این جریان، مجلسی مشابه با مجلس

---

۱ - جواد دلیری، جریان شناسی شش دوره انتخابات مجلس، روزنامه ایران، شماره

پنجم را مانعی پیش روی خود می‌دید و تلاش داشت تا به هر نحو ممکن از شکل‌گیری مجلسی مشابه با آن جلوگیری کند. (در مجلس پنجم بود که دو وزیر خاتمی - عبدالله نوری و عطاالله مهاجرانی - استیضاح شده و بخشی از طرح‌های دولت اصلاحات مخالفت شد)

جریان دوم خرداد با وجود آنکه یکپارچه و متحد نشان می‌داد، خیلی زود دچار تشتت شد و با ورود آقای هاشمی رفسنجانی به صحنه انتخابات به عنوان رهبر جریان کارگزاران سازندگی، این تشتت آشکار شد. کارگزاران سازندگی بر حضور هاشمی به عنوان سرلیست تهران و ریاست مجلس تأکید داشتند و در دیگر سوی، عناصر افراطی طیف دوم خرداد بودند که با حضور هاشمی در فهرست انتخاباتی دوم خرداد مخالف بودند.

در این میان برخی چهره‌های افراطی جناح دوم خرداد مانند «اکبر گنجی» و «عباس عبدی» علیه هاشمی رفسنجانی موضع‌گیری کرده و در مطبوعات زنجیره‌ای مقالات انتقادی متعددی را به قصد تخریب چهره هاشمی و جلوگیری از حضور وی در عرصه انتخابات درج کردند. با وجود همه جوسازی‌ها و فشارهای مطبوعاتی در بعدازظهر روز ۷۸/۹/۲۴ آقای هاشمی رفسنجانی در فرمانداری تهران حضور یافت و برای شرکت در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی ثبت‌نام کرد.

جریان راست نیز که مجلس پنجم را در اختیار داشت، با تمام توان و تقریباً با وحدت نظر در میان گروه‌های منسوب به این اردوگاه و برخلاف رقیب بالیستی واحد وارد میدان رقابت شد تا نگذارد آخرین نهاد انتخابی بعد از قوه مجریه و شوراها نیز در اختیار جریان رقیب قرار گیرد.

**نتایج انتخابات:** انتخابات در روز سی‌ام بهمن ماه سال ۱۳۷۸ برگزار شد. واجدان شرایط رأی دادن در این انتخابات ۳۸ میلیون و ۷۲۶ هزار و ۴۳۱ نفر بودند

که از این تعداد ۲۶ میلیون و ۸۲ هزار و ۱۵۷ نفر در پای صندوق‌های رأی حضور یافتند. میزان مشارکت مردم در این انتخابات ۶۷/۳۵ درصد بود.

پس از پایان یافتن زمان اخذ رأی و آغاز شمارش آرا از سوی وزارت کشور، مردم منتظر اعلان نتایج انتخابات در شهرستان‌ها و پایتخت بودند. این انتظار اگرچه در شهرستان‌های کوچک زودتر از شهرهای بزرگ و پایتخت پایان یافت، اما آرای تهران بعد از سه روز اعلام شد که در این میان جریان دوم خرداد توانست با اکثریت مطلق پیروز انتخابات تهران شود.

اما شورای نگهبان مدعی شد در انتخابات تهران تخلفاتی صورت گرفته است و این شورا در حال بررسی این تخلفات است. این شورا پس از دریافت پاره‌ای شکایات، تعداد ۸۶۷ صندوق را به طور تصادفی از حوزه‌های انتخابیه تهران، ری، شمیرانات و اسلام شهر بازشماری کرد. در نتیجه این بازشماری معلوم می‌شود که در ۵۳۴ صندوق از مجموع ۸۶۷ صندوق بازشماری شده، تخلفات کلان و بی‌سابقه رخ داده است. به تصریح شورای نگهبان در شکوائیه خود به قوه قضائیه، قطعاً تخلفات در بقیه صندوق‌ها هم تفاوت چندانی با صندوق‌های بازشماری شده نداشت و به این ترتیب از نظر شورای نگهبان انتخابات پایتخت باطل و غیر قابل تأیید بود.<sup>۱</sup>

از سویی دیگر بازشماری تمامی صندوق‌ها نیز به زمان زیادی نیاز داشت که به هیچ وجه به مصلحت نظام و انقلاب نبود. رعایت امانتداری و پاسداری از آرای مردم از یک سو و رعایت مصلحت از سوی دیگر، شورای نگهبان را بر سر یک دو راهی دشواری قرار داده بود. از این رو دبیر شورای نگهبان با ارسال نامه‌ای به محضر رهبر معظم انقلاب خواستار ارائه راه حلی برای خروج از این بن



بست شدند که معظم‌له ادامه خواهان اعلام رأی نهایی شورای نگهبان و توقف روند شمارش مجدد شدند. سرانجام بعد از گذشت حدود سه ماه از برگزاری انتخابات، شورای نگهبان مبتنی بر نظر اعلام شده رهبر معظم انقلاب اسلامی، انتخابات شهر تهران را تأیید کرد، این در حالی بود که با بازشماری و ابطال برخی صندوق‌های مخدوش حدود ۷۲۰ هزار رأی ابطال شده بود و تغییراتی نیز در فهرست اعلام شده اولیه از سوی وزارت کشور قابل مشاهده بود.

منتخبان تهران که ۲۸ نفر آن از فهرست جبهه مشارکت بودند به ترتیب عبارتند از: ۱- سیدمحمدرضا خاتمی، ۲- جمیله کدیور، ۳- علیرضا نوری، ۴- سیدهادی خامنه‌ای، ۵- محسن آرمین، ۶- سهیلاجلودارزاده، ۷- مجیدانصاری، ۸- محسن میردامادی، ۹- بهزاد نبوی، ۱۰- احمد بورقانی‌نژاد، ۱۱- وحیده علائی‌طالقانی، ۱۲- احمد پورنجاتی، ۱۳- داود سلیمانی، ۱۴- سیدعلی اکبر موسوی خوئینی‌ها، ۱۵- محسن صفایی فراهانی، ۱۶- علی شکوری‌راد، ۱۷- الهه کولایی، ۱۸- ابوالقاسم سرحدی‌زاده، ۱۹- محمدرضا سعیدی، ۲۰- اکبر هاشمی رفسنجانی، ۲۱- فاطمه حقیقت‌جو، ۲۲- سیدشمس‌الدین وهابی، ۲۳- مهدی کروی، ۲۴- بهروز افخمی، ۲۵- محمد نعیمی‌پور، ۲۶- سیدمحمود دعایی، ۲۷- فاطمه راکعی، ۲۸- غلامعلی حدادعادل، ۲۹- سیدعلی اکبر محتشمی‌پور، ۳۰- الیاس حضرتی.

## انتخابات مجلس هفتم

سال ۱۳۸۲، سال پایانی فعالیت مجلس ششم بود و مبتنی بر قانون و طبق اعلام ستاد انتخابات کشور، روز اول اسفندماه به عنوان روز برگزاری انتخابات تعیین شد. این انتخابات از جهات مختلفی حائز اهمیت بود. اولاً: پیروز انتخابات می‌توانست، با روحیه‌ای بالاتر وارد میدان انتخابات ریاست جمهوری نهم شود که

در سال ۱۳۸۴ قرار بر برگزاری آن بود. انتخاباتی که در آن سیدمحمدخاتمی نمی‌توانست حضور یابد و به همین خاطر از حساسیت رقابتی بالاتری نسبت به انتخابات دور هشتم ریاست جمهوری برخوردار بود. ثانیاً: پیروزی اصول‌گرا در انتخابات دوردوم شوراها در سال ۱۳۸۱ زنگ خطری بود که از قرار گرفتن قطار دوم خرداد در سراسیمگی سقوط و افول حکایت داشت. در این شرایط بود که موفقیت در انتخابات دور هفتم به مسئله حیاتی برای احزاب و گروه‌های سیاسی دوم خرداد مبدل شده بود.

**رقابت‌های سیاسی:** بعد از شکست جریان راست در انتخابات ریاست جمهوری هفتم و مجلس ششم، دگرگونی جدی در این طیف حاصل آمد و بخشی از جریان‌های سنتی و چهره‌های قدیمی این جریان، به حاشیه رفتند و جریان جوان با آرمان‌ها و رویکردهای متفاوت و با نقد عملکرد جریان راست، وارد میدان رقابت سیاسی شدند تا با بازتعریف هویت انقلابی خود فعالیت جدیدی را با عنوان «جریان اصول‌گرایی» شکل دهند. این بازتعریف از آنجایی ضرورت بیشتری می‌یافت که بخشی از جریان دوم خرداد که پیش از آن خود را در درون گفتمان انقلاب اسلامی و در پیروی از خط امام تعریف می‌کرد، دچار استحاله شده و در مسیر تجدیدنظرطلبی در حرکت بود. این حرکت انحرافی دغدغه‌ها و واکنش‌های نیروهای ارزشی را به همراه داشت و آنان را بر آن داشت تا با تأکید بر شاخصه‌های خط امام و رهبری، گفتمان اصیل انقلاب اسلامی را با شکل دادن تشکلی جدید با عنوان «آبادگران ایران اسلامی» احیا کنند. این مجموعه در دور دوم انتخابات شورای شهر با اقبال مردمی مواجه شد و بر رقیب قدر خود غلبه کرد. آبادگران با این موفقیت بود که به عنوان قدرتی نوظهور وارد عرصه رقابت هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی شد.

گروه‌های جریان چپ نیز در این انتخابات به طور فعال وارد انتخابات

شدند. در این دوره اختلافات جدی در درون جریان دوم خرداد آشکار شده بود و جریان‌های افراطی صف خود را از دیگر جریان‌های اصلاح‌طلبان جدا کرده بودند.

با پایان ثبت‌نام نامزدها (۲۲ تا ۲۹ آذر) و آغاز رسیدگی به صلاحیت ایشان از سوی دستگاه‌های اجرایی وزارت کشور و در مرحله بعد توسط شورای نگهبان، جریان دوم خرداد که می‌دانست تعدادی از افراد وابسته به آن به دلیل عملکرد و مواضع ساختارشکنانه خود از سوی دستگاه‌های نظارتی رد صلاحیت خواهند شد، خود را مهیای اقدامی کرد تا ضمن فشار آوردن به دستگاه نظارتی، بتواند از نظام امتیاز گرفته و نامزدهای مورد علاقه خود را با وجود نداشتن صلاحی‌های قانونی، به تأیید برساند.

روز ۲۰/۱۰/۱۳۸۲ هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس هفتم اطلاعیه‌ای صادر کرد و ضمن اعلام پایان رسیدگی به صلاحیت کاندیداها در هیئت‌های نظارت استان‌ها، روند بررسی صلاحیت‌ها و نیز نحوه اعتراض کاندیداهایی را که صلاحیت آنها رد یا احراز نشده، تشریح کرد. مبتنی بر نتایج اعلام شده، برای نمونه از مجموع ۱۷۰۹ نفر داوطلب در شهر تهران ۸۹۳ نفر و از بین ۲۵۷ نفر از نمایندگان ثبت نامی ۸۴ نفر آنان از سوی هیئت مرکزی نظارت رد صلاحیت شدند.

۲۴ ساعت پس از اعلام نظر هیئت مرکزی نظارت درباره صلاحیت کاندیداهای مجلس هفتم، در مجلس ششم اتفاقاتی در شرف وقوع بود. ابتدا شمس‌الدین وهابی، عضو ارشد حزب مشارکت در مجلس ششم، به عنوان نطق قبل از دستور، بیانیه‌ای را قرائت کرد که در آن ضمن محکومیت رد صلاحیت‌ها، از تحصن سخن به میان آمده بود. ساعت ۴ بعدازظهر همان روز تحصن در راهروی مجلس آغاز شد. بهزاد نبوی به خبرنگاران اعلام کرد تمام تدارکات لازم

برای تداوم تحصن پیش‌بینی شده و لوازم خواب و خوراک مهیاست. سه روز بعد افراطیون در راستای افزایش فشارهای‌شان در بیانیه شماره شش خود در ۲۴ دی‌ماه، طرح «روزه سیاسی» و «استعفا» را به سناریوی تحصن افزودند. در حالی که محفل متحصنان با سخنرانی افراد مختلفی از جریان چپ و با قصد حمایت از تحصن‌کنندگان رونق یافته بود، آنچه در میان مردم در حال جریان بود، بی‌اعتنایی کاملی بود که به تدریج عصبانیت تحصن‌کنندگان را به همراه داشت.

در روز ۱۴ بهمن پیش از ۱۲۵ نماینده مجلس استعفای دسته‌جمعی خود را در اعتراض به رد صلاحیت‌های گسترده تقدیم رئیس مجلس کردند. همان روز استانداران سراسر کشور نیز در اقدامی غیرقانونی و خارج از حیطه اختیارات این افراد، با انتشار بیانیه‌ای تعویق زمان برگزاری انتخابات و فراهم آوردن فضای انتخاباتی در فرصت باقی مانده تا اول اسفند را برای برگزاری انتخاباتی آزاد، سالم، رقابتی و عادلانه خواستار شدند.

اما اظهارات رهبر معظم انقلاب اسلامی و ایستادگی ایشان در برابر انحراف و بدعتی که در حال شکل‌گیری بود منجر شد تا جریان انحرافی نتواند به کار خود ادامه دهد. معظم‌له در روز ۱۶ بهمن در دیدار با مردم انتخابات را مظهر آزادی و اراده ملت در تعیین سرنوشت کشور خواند و گفت انتخابات مجلس حتی بدون یک روز تأخیر در اول اسفند برگزار خواهد شد. آقای خامنه‌ای شانه خالی کردن از مسئولیت به شکل استعفا یا هر شکل دیگر را خلاف قانون و حرام شرعی دانست.

همین سخنان بود که منجر شد تا در روز ۱۸ بهمن متحصنان در مجلس که به شدت دچار انفعال شده بودند، با صدور بیانیه و اعلام کناره‌گیری از انتخابات مجلس به تحصن ۲۶ روزه خود پایان دهند. محمد خاتمی و مهدی کروبی نیز در روز ۱۹ بهمن ماه در نامه مشترک خود به رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید

کرده‌اند با وجود عملکرد شورایی نگهبان که آن را خلاف توصیه رهبر جمهوری اسلامی دانسته‌اند، انتخابات بر اساس حکم حکومتی وی، از سوی وزارت کشور و با همکاری دولت در موعد مقرر برگزار خواهد شد.

با وجود کناره‌گیری سازمان مجاهدین، جبهه مشارکت و دفتر تحکیم از حضور در انتخابات، مجمع روحانیون مبارز، حزب اعتدال و توسعه، خانه کارگر، ائتلاف کاندیداهای مستقل، جبهه وفاق ایران اسلامی، مجمع اسلامی بانوان، جمعیت دفاع از انقلاب اسلامی، حزب آبادگران ایران اسلامی، خدمتگزاران ایران اسلامی و چکاد آزاد اندیشان، از جمله گروه‌های نزدیک به جریان دوم خرداد بودند که از روز پنجشنبه ۲۳ بهمن که زمان آغاز تبلیغات بود، با نصب تابلو، پوستر و پارچه نوشته، مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کرده و برنامه‌های تبلیغاتی خود را تشریح کرده‌اند. همچنین ائتلاف موجود جریان دوم خرداد نیز «ائتلاف برای ایران» نام گرفت که با ارائه یک فهرست ۲۶ نفری در تهران و با حضور گروه‌هایی نظیر مجمع روحانیون مبارز، حزب کارگزاران سازندگی، حزب همبستگی، حزب اسلامی کار، خانه کارگر، مجمع اسلامی بانوان و مجمع نیروهای خط امام وارد رقابت انتخاباتی شد.

**نتایج انتخابات:** سرانجام روز جمعه اول اسفند ۱۳۸۲ فرا رسید و انتخابات با وجود تلاش دشمنان انقلاب اسلامی و بازی خوردگان داخلی آنان در زمان موعد و با حضور باشکوه ملت در سراسر کشور برگزار شد. در این انتخابات از مجموع ۴۶ میلیون و ۳۵۱ هزار واجد شرایط ۲۳ میلیون و ۷۳۴ هزار و ۶۶۷ نفر (۵۱/۲۱ درصد) در انتخابات شرکت کردند. در تهران از میان ۳۰ کرسی، تکلیف ۲۵ کرسی مشخص شد و کار انتخاب پنج نماینده دیگر به دور دوم انتخابات کشیده شد.

اسامی منتخبان شهر تهران که هر ۳۰ نفر آن از فهرست اصول‌گرا بودند، به

ترتیب رأی آوری عبارتند از: ۱- غلامعلی حداد عادل، ۲- احمد توکلی، ۳- امیررضا خادم ازغدی، ۴- مهدی طباطبایی، ۵- احمد احمدی، ۶- حسین مظفر، ۷- محمد خوش چهره، ۸- نفیسه فیاض‌بخش، ۹- سعید ابوطالب، ۱۰- عماد افروغ، ۱۱- داود دانش جعفری، ۱۲- علیرضا زاکانی، ۱۳- لاله افتخاری، ۱۴- حسین شیخ‌الاسلام، ۱۵- فاطمه آلیا، ۱۶- الهام امی‌زاده، ۱۷- عباسعلی اختری، ۱۸- سیدعلی ریاض، ۱۹- حسین نجابت، ۲۰- فضل‌الله موسوی، ۲۱- حمیدکاتوزیان، ۲۲- فاطمه رهبر، ۲۳- الیاس نادران، ۲۴- پرویز سروری، ۲۵- منوچهر متکی، ۲۶- غلامرضا مصباحی مقدم، ۲۷- حسین فدایی آشتیانی، ۲۸- مهدی کوچک‌زاده، ۲۹- زینب کدخدا، ۳۰- علی عباسپور تهرانی‌فرد.

### انتخابات مجلس هشتم

انتخابات هشتمین دوره در روز جمعه ۸۶/۱۲/۲۴ در حالی برگزار شد که دولت اصول‌گرای نهم که در سوم تیرماه ۱۳۸۴ به ریاست دکتر محمد احمدی‌نژاد به قدرت رسیده بود، متولی برگزاری آن بود. حاکمیت تمام‌عیار گفتمان اصول‌گرایی بعد از فتح قوه مجریه و قوه مقننه شرایط را برای پیروزی جریان اصول‌گرا در انتخابات دور هشتم آماده و کار را بر جریان رقیب سخت کرده بود. البته وجود برخی اختلافات در اردوگاه اصول‌گرا که در انتخابات دور سوم شوراها عیان و منجر به ارائه دو لیست متفاوت شد و نتیجه آن ورود چند نامزد اصلاح‌طلب به شورای شهر تهران بود. در این دوره از انتخابات همچنین سن رأی‌دهندگان در قانون انتخابات مجلس از ۱۶ به ۱۸ سال افزایش یافت و به همین دلیل جمعیت واجدان حق رأی و در نتیجه تعداد شرکت‌کنندگان کمتر از انتخابات مجلس هفتم شد.

**رقابت‌های سیاسی:** اختلافات ایجاد شده در انتخابات دور سوم شوراها

کافی بود تا جریان اصول‌گرا با تدبیر بیشتری وارد رقابت‌های انتخاباتی شده و تلاش کند تا رایزنی و تعامل در جهت وحدت گام بردارد. در این شرایط مجموعه‌ای با عنوان کمیته ۶+۵ که متشکل از نمایندگان همه طیف‌های مختلف این اردوگاه بود، شکل گرفت تا استراتژی و تاکتیک اصول‌گرا را در انتخابات مجلس هشتم مدیریت کند.

این مجموعه که به «جبهه متحد اصول‌گرایان» شهرت یافت از سه ضلع «جبهه پیروان خط امام و رهبری»، «جمعیت ایثارگران» و «تحول‌خواهان» و «رایحه خوش خدمت» تشکیل می‌شد که سرانجام در تهران ۱۰ نفر نصیب هر یک از این سه جریان شد تا فهرست تهران با ۳۰ نفر شکل گیرد.

در مقابل جریان دوم خرداد در حالی خود را آماده هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی می‌کرد که در چند انتخابات گذشته، نتوانسته بود موفقیت قابل توجهی را کسب کند. پیروزی در این دوره می‌توانست امیدهای این جریان برای بازگشت به قدرت را زنده کند و این جریان را از محاق حاصل شده خارج کند.

با اعلام نتایج بررسی صلاحیت‌ها در هیئت‌های اجرایی مشخص شد که از میان ۷۲۰۰ نفر داوطلب انتخابات مجلس هشتم، صلاحیت بیش از ۲۲۰۰ نفر، معادل ۳۱ درصد کل داوطلبان تأیید نشده‌است. این مسئله موجب شد تا جریان اصلاح‌طلب به این مسئله اعتراض کند. سرانجام جریان دوم خرداد شامل گروه‌هایی چون حزب مشارکت، سازمان مجاهدین و مجمع روحانیون مبارز و گروه‌های همسوی دیگر با عنوان «ائتلاف اصلاح‌طلبان» (یاران خاتمی) وارد میدان شدند.

از سوی دیگر حزب اعتماد ملی به رهبری مهدی کروبی قرار داشت که پس از انتخابات ریاست‌جمهوری نهم در سال ۱۳۸۴، از مجمع روحانیون استعفا

داده و ضمن انتقاد به عملکرد گروه‌های دوم خرداد از قبیل حزب مشارکت، سازمان مجاهدین و مجمع روحانیون مبارز، خود مدعی اصلاح‌طلبی شده و این تشکیلات جدید را به راه انداخته بود. این انتخابات اولین انتخاباتی بود که حزب اعتماد ملی تجربه می‌کرد و به همین خاطر با لیستی مستقل وارد انتخابات شد، هر چند لیست این حزب اشتراکاتی با ستاد ائتلاف و جبهه مردمی اصلاحات داشت و حتی در لیست خود از وجود چهره‌های اصول‌گرا بهره گرفته بود.

**نتایج انتخابات:** سرانجام زمان موعد سررسید و مرحله اول انتخابات در تاریخ ۲۴ اسفند سال ۱۳۸۶ در سراسر ایران برگزار شد. واجدان شرایط شرکت در این انتخابات ۴۳۸۲۴۰۰۰ هزار نفر بودند که از این تعداد حدود ۲۲ میلیون و ۳۵۰ هزار و ۲۵۴ نفر در انتخابات شرکت کردند. درصد مشارکت و میزان حضور مردم در این دوره از انتخابات حدود ۵۷ درصد اعلام شد.

از ۲۹۰ کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دور اول انتخابات ۲۰۹ نفر به صورت قطعی به مجلس شورای اسلامی راه یافتند که از این میان ۱۳۰ نماینده اصول‌گرا و ۳۶ نماینده اصلاح‌طلب، همچنین ۲۴ نفر مستقل با گرایش اصول‌گرا، ۱۴ نفر مستقل با گرایش اصلاح‌طلب و ۵ نفر نیز نماینده اقلیت‌های دینی هستند.

در مرحله دوم انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی نیز که در تاریخ ۶ اردیبهشت سال ۱۳۸۷ برگزار شد، ۱۶۴ داوطلب نمایندگی مجلس شورای اسلامی برای کسب ۸۲ کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی، از مجموع ۵۴ حوزه انتخابیه در ۲۱ استان کشور، با یکدیگر رقابت کردند. در مرحله دوم انتخابات مجلس هشتم، ۱۸ نامزد انتخاباتی اصلاح‌طلب (حدود ۲۱/۵ درصد)، ۱۸ نامزد انتخاباتی مستقل (۲۱/۵ درصد) و ۴۶ اصول‌گرا (۵۷ درصد)، به مجلس هشتم راه یافتند.



اسامی منتخبان شهر تهران که ۲۹ نفر از ۳۰ نفر آن از فهرستاصول‌گرا بود به ترتیب رأی‌آوری عبارت بودند از: غلامعلی حدادعادل، مرتضی آقانهانی، علی مطهری، احمد توکلی، حسن غفوری‌فرد، محمدرضا باهنر، بیژن نوباوه، وطن، سیدشهاب‌الدین صدر، سیدعلیرضا مرندی، حمیدرضا کاتوزیان کاتوزیان، علی عباسپور طهرانی‌فرد، اسماعیل کوثری، سیدرضا اکرمی، غلامرضامصباحی مقدم، فاطمه رهبر، فاطمه آلیا، روح‌الله حسینیان، حسین نجابت، اسدالله بادامچیان، علی‌اصغر زارعی، الیاس نادران، لاله افتخاری، مهدی کوچک‌زاده، علیرضا زاکانی، حسین فدایی آشیانی، حمید رسایی، پرویز سروری، زهره الهیان، طیبه صفایی، علیرضا محجوب.

### انتخابات مجلس نهم

سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ را می‌توان سال‌های پر حادثه در ابعاد و زمینه‌های مختلف داخلی و عرصه جهانی دانست که به نحوی در افکار عمومی و فضای سیاسی کشور اثرگذار بود. حوادث و تحولاتی چون آغاز انقلاب در کشورهای عربی و سقوط سلاطینی چون حسنی مبارک، بن علی، قذافی، علی عبدالله صالح و...؛ آغاز حوادث سوریه؛ آغاز جنبش وال استریت؛ عزل و ابقای وزیر اطلاعات؛ ۱۱ روز خانه‌نشینی رئیس‌جمهور، شکل‌گیری جبهه پایداری و ...

**رقابت‌های سیاسی:** انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی، با توجه به شرایط و بسترهای تاریخی، سیاسی، اجتماعی خود دارای اهمیت و ویژگی‌های منحصر به فردی بود که آن را از ادوار انتخابات مجلس پیشین متفاوت می‌کرد. این تفاوت‌ها بدانجا منجر شد که در نوع جناح‌بندی‌ها و آرایش سیاسی و رقابت سیاسی گروه‌ها نیز تفاوت‌هایی حاصل شود. اتخاذ خط تحریم از سوی اصلاح‌طلبان آنان را از صحنه رقابت انتخابات بیرون کرد.

همفکران جریان آقای احمدی نژاد نیز صاحب صلاحیت برای نامزدی در انتخابات از سوی شورای نگهبان شناخته نشدند و این شرایط موجب شد تا رقابت انتخاباتی با حضور جریان اصولگرایی و برخی از فعالان سیاسی مستقل و تعداد انگشت‌شماری از اصلاح طلبان معتدل شکل بگیرد.

حاصل این وضع آن بود که فضا برای رقابت در درون اردوگاه اصولگرایی فراهم آمد و دو قطبی درون گفتگمانی با محوریت جبهه متحد اصولگرایی و جبهه تازه تأسیس پایداری شکل بگیرد که اگر بخواهیم ضلع سومی هم برای آن در نظر بگیریم، می‌توان از چهره‌های مستقل یاد کرد. همین رقابت ایجاد شده موجب شد تا بازار انتخابات رونق بگیرد و شاهد شور و شوق توده‌ای مردم برای حضور در پای صندوق‌های رأی باشیم.

تلاش برای امنیتی کردن انتخابات از جمله آرزوهای شکست خورده استکبار و ایادی آنان بود که بحمدالله بدون کمترین مصداقی شکست خورد و شاهد یکی از آرام‌ترین و امن‌ترین انتخابات‌ها بودیم.

### **نتایج انتخابات:** انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی را می‌توان

یکی از باشکوه‌ترین انتخابات ادوار مجلس دانست که مرحله اول آن در ۱۲ اسفندماه سال ۱۳۹۰ و مرحله دوم آن در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۲ برگزار شد. تعداد واجدان شرایط ۴۸.۲۸۸.۷۹۹ نفر اعلام شد که در این بین تعداد رأی اولی‌ها حدود ۳.۹۶۰.۰۰۰ بودند. در این انتخابات ۳۰ میلیون و ۹۰۵ هزار و ۶۰۵ رأی به صندوق‌ها ریخته شد و در مجموع مشارکت ۶۴ درصدی را در این انتخابات رقم زدند.

انتخابات نشان داد نظام اسلامی آنقدر از پشتوانه مردمی برخوردار است که در سخت‌ترین شرایط فشارهای همه‌جانبه دشمنان خارجی و ایادی داخلی آن نیز می‌تواند انتخاباتی باشکوه با مشارکت حداکثری (بیش از ۶۰ درصد) ملت برگزار کند.

## انتخابات مجلس دهم

انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی در حالی برگزار می‌شد که اعتدال‌گرایان در پیوند با اصلاح‌طلبان توانسته بودند در بهار ۱۳۹۲ قدرت اجرایی کشور را در اختیار خود گیرند. طبیعی بود که این تغییر در دولت می‌توانست زمینه‌ساز تغییر در قوه مقننه را نیز فراهم آورد، چرا که زمانه، زمانه تغییر شده بود و اصلاح‌طلبان به اعتبار رأی خود در انتخابات ریاست جمهوری آمده بودند که فاتح انتخابات مجلس نیز شوند!

همچنین این انتخابات با پنجمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری همزمان شده بود و مردم باید نامزدهای خود برای این مجلس را نیز انتخاب می‌کردند. طبیعی بود که سایه رقابت‌های سیاسی انتخاباتی مجلس به این رقابت‌ها نیز سایه انداخته و آن را به یکی از سیاسی‌ترین انتخابات ادوار مجلس خبرگان رهبری مبدل کند.

**رقابت‌های سیاسی:** در این دوره از انتخابات اصلاح‌طلبان با همه توان به میدان آمدند تا با لیستی قدرتمند به رقابت انتخاباتی بپردازند. اما در این میان هنوز از حساسیت‌های شورای نگهبان نسبت به ماجرای فتنه ۸۸ و اقدامات غیرقانونی منسوبان به این جریان کاسته نشده بود و معتقد بودند چنین افرادی از صلاحیت‌های قانونی برای تصدی قدرت در مجلس برخوردار نیستند. این امر موجب شد تا چهره‌های کمتر شناخته شده‌ای در فهرست اصلاح‌طلبان قرار گیرند و صورت جدیدی از آن لیست بدون حضور نام‌های جنجالی این جریان پدید آید که با عنوان «لیست امید» شهرت یافت.

مسئله اول اصولگرایان همچنان ائتلاف بود و رسیدن به رویه‌ای که بتواند اضلاع مختلف اصولگرایی از طیف هواداران لاریجانی (فراکسیون رهروان ولایت مجلس) تا جمعیت مؤتلفه و جمعیت ایثارگران و تا جبهه پایداری را در

یک لیست جمع کرد. اتفاقی که در نهایت به ثمر نرسید و به جدایی هواداران لاریجانی و پیوستن به اصلاح‌طلبان و اعتدالیون انجامید.

**نتایج انتخابات:** انتخابات در هفتم اسفندماه ۱۳۹۴ در سراسر کشور برگزار شد و بیش از ۶۱۸۳ درصد از واجدان شرایط در انتخابات شرکت کردند و حدود ۳۴ میلیون رأی به صندوق‌ها ریخته شد.

در این انتخابات پیروزی نسبی با لیست امید و اصلاح‌طلبان بود که توانستند بیش از ۱۲۶ صندلی را در پارلمان کسب کنند و به وزین‌ترین فراکسیون مجلس تبدیل شوند. اصولگرایان تنها ۹۲ صندلی را کسب کردند. مابقی صندلی‌ها به مستقلان اختصاص یافت. در تهران اما پیروزی مطلق به لیست امید رسید و هر ۳۰ کرسی انتخابات در اختیار این جریان قرار گرفت. هر چند سرلیست فهرست امید - محمد رضا عارف - با وجود این موفقیت، هیچ‌گاه نتوانست در مجلس بر صندلی ریاست تکیه زند!

### انتخابات مجلس یازدهم

انتخابات مجلس یازدهم در حالی در پایان سال ۱۳۹۸ برگزار می‌شد که احزاب و گروه‌های سیاسی خود را آماده آن می‌کردند. اصلاح‌طلبان از مدت‌ها قبل برای حضور تمام عیار برای دستیابی به کرسی‌های حداکثری مجلس آماده می‌شدند. آنها امیدوارانه خود را فاتح انتخابات دانسته و قرار را بر حضور بدون شرط در انتخابات با حداکثر توان در صحنه گذاشته بودند. زمزمه‌های تک فاز مبنی بر مشارکت مشروط را نیز به واقع باید سناریوی مکملی برای بسترسازی برای سناریوی اصلی دانست که بدون شک در ادامه به مشارکت بدون شرط تبدیل می‌شد.

**رقابت‌های سیاسی:** حوادث آبان ماه ۱۳۹۸ و تصمیم پرحاشیه دولت

که به بلوا و آشوب به بهانه گرانی بنزین انجامید، آب سردی بود که اصلاح‌طلبان را از ادامه کار ناامید کرد. آنها گمان نمی‌کردند میزان نارضایتی از دولتی که با حمایت ایشان به قدرت رسیده است تا این اندازه پایین آمده باشد که عوارض آن دامنگیر اصلاح‌طلبان نیز شود!

در این شرایط پس از حوادث آبان ماه بود که بخش قابل ملاحظه‌ای از اصلاح‌طلبان شناخته شده که خود را آماده حضور در صحنه انتخابات می‌کردند، پشیمان شده و «نهضت ثبت نام» مدنظر اصلاح‌طلبان اتفاق نیفتاد. حادثه تلخی که با واکنش بخشی از فعالان سیاسی این اردوگاه همراه بود. برای نمونه محمد قوچانی در روزنامه سازندگی نوشت: «این آغاز یک پایان است.» «آغاز پایان اصلاح‌طلبان» خسته و نااستواری که فقط در زمین هموار می‌توانند سیاست ورزی کنند. ما به یک شکست نیاز داریم تا به خود آییم و اصلاح‌طلبی را اصلاح کنیم... ما اصلاح طلب می‌مانیم، حتی اگر در اقلیت باشیم... این بی‌تدبیری است که ما را اقلیت می‌کند، نه رأی اکثریت...»

جریان اصولگرا با همه توان در میدان انتخابات حاضر شد و شهادت حاج قاسم نیز فرصتی برای این جریان فراهم آورد تا بر شعارهای انقلابی که خود پرچمدار آن است، اصرار ورزد و فضای عمومی جامعه را در دست گیرد. ضمن آنکه عملکرد فراقسیون امید مجلس که اکثریت مجلس دهم را در اختیار داشت نیز فرصت دیگری بود که این جریان بتواند خود را در جایگاه پیروزی در انتخابات ببیند.

### نتایج انتخابات: سرانجام یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای

اسلامی روز جمعه ۲ اسفند ۱۳۹۸ با رأی‌گیری در ۵۵ هزار شعبه اخذ رأی در سراسر ایران در ۲۰۸ حوزه انتخابیه برگزار شد، در حالی که کشور چند روزی بود به طور رسمی درگیر بیماری کرونا شده بود و این خود عاملی برای نگرانی

مردم از حضور در پای صندوق رأی بود! طبق آمار اعلام شده ۲۴ میلیون و ۵۱۲ هزار و ۴۰۴ نفر از مجموع ۵۷ میلیون و ۹۱۸ هزار و ۱۵۹ نفر با مشارکت ۴۲.۵۷ درصدی در انتخابات شرکت کردند.

انتخاباتی که کمترین میزان مشارکت را در ادوار انتخابات مجلس داشت. بیشترین درصد مشارکت در استان کهگیلویه و بویراحمد با ۷۱ درصد و کمترین مشارکت هم به استان تهران با ۲۶.۲ درصد مربوط است. پیروز انتخابات جریان اصولگرا بود که با اکثریت آرا وارد مجلس شود و ریاست مجلس را نیز به محمدباقر قالیباف بسپارد.

## گفتار هفتم: راهبرد مشارکت حداکثری

### ۱. مفهوم مشارکت سیاسی

«مشارکت» واژه‌ای عربی و بر وزن مفاعله است که در لغت‌نامه‌های فارسی به معنای شریک شدن، شرکت کردن، انبازی کردن آمده است و از آن به تعیین سود یا زیان دو یا چند نفر که با سرمایه‌های معین در زمان‌های مشخص به بازرگانی پرداخته‌اند، نیز اشاره شده است. در زبان انگلیسی، مشارکت با واژه «Participate» به معنای شریک شدن و دخالت کردن آمده است.

در اصطلاح علوم سیاسی، واژه مشارکت به دخالت مردم و درگیر شدن آنها در سیاست به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه، اختیاری یا غیراختیاری، مستقیم و یا غیر مستقیم اطلاق شده است و در تعریف آن گفته‌اند: «مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم

در سیاست‌گذاری عمومی است.»<sup>۱</sup>

در مورد مشارکت سیاسی نویسندگان فرهنگ جامعه‌شناسی، آن را به صورت شرکت در فرآیندهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد، تعریف کرده‌اند.<sup>۲</sup>

دایره‌المعارف علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را عبارت از فعالیت‌های داوطلبانه‌ای می‌داند که اعضای یک جامعه در انتخابات حکام به طور مستقیم یا غیرمستقیم و در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند.<sup>۳</sup>

«مایرون واینر» در مقاله معروف خود در مورد مشارکت سیاسی با ذکر ده مورد از عملیات مشارکتی، این تعریف را ارائه می‌دهد: «مشارکت سیاسی، هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا سازمان نیافته، مستمر یا غیرمستمر، شامل روش‌های مشروع یا نامشروع برای تأثیر انتخاب رهبران، سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است.»<sup>۴</sup>

بنابراین مشارکت سیاسی، آن دسته از فعالیت‌های شهروندان عادی است که شهروندان از طریق آن در صدد تأثیرگذاری یا حمایت از حکومت و سیاست

---

۱ - نسرین مصفا (۱۳۷۵)، مشارکت سیاسی زنان در ایران، نشر وزارت خارجه،

تهران، ص ۹.

۲ - نیکلاس آبراگرامی و استفان هیل و بریایان اس. ترنر (۱۳۷۷)، فرهنگ

جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، انتشارات چاپخش، تهران، ص ۲۸۶.

۳ - محبوب شهبازی (۱۳۸۰)، تقدیر مردم سالاری ایرانی، انتشارات روزنه،

تهران، ص ۵۹.

۴ - سعید کریمی (۱۳۸۲)، رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در

صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، بوستان کتاب، قم، ص ۲۰.



برمی آیند. این تعریف کلی تر از غالب تعاریف دیگر است؛ زیرا هم شامل نقش مؤثری می شود که مردم برای تأثیرگذاری بر برون دادهای سیاسی ایفا می کنند و هم فعالیت های حمایتی و تشریفاتی را در برمی گیرد.<sup>۱</sup>

«مایکل راش» مشارکت سیاسی را «درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی می داند و آن را با اجتماعی شدن سیاسی مرتبط می کند».<sup>۲</sup>

با توجه به تعاریف یاد شده باید گفت، اولاً مشارکت سیاسی، فعل و عمل است و تنها با اراده نفسانی محقق نمی شود، دیگر آنکه اراده معطوف به تأثیر و نفوذ در نظام سیاسی از کمترین درجه تا درجات بالای تأثیر را شامل می شود.

## ۲. سطوح مشارکت سیاسی

مشارکت مردم در حوزه مسائل سیاسی از سطح واحدی برخوردار نیست و همه افراد به یک میزان در فعالیت های سیاسی مشارکت ندارند. لذا مبتنی بر مؤلفه های گوناگونی می توان میزان مشارکت سیاسی افراد را مورد سنجش و سطح بندی قرار داد.

مشارکت از نظر کمی می تواند در سطوح مختلف خرد (فردی)، میانی (سازمانی) و کلان (اجتماعی) انجام پذیرد و از لحاظ کیفیت نیز می تواند به سه صورت طبیعی و خودجوش، اجباری و همچنین داوطلبانه و ارادی باشد. از نظر

---

۱ - استرملبرث، ویل ساتومل (۱۳۸۶)، مشارکت سیاسی، ترجمه سید رحیم

ابوالحسنی، نشر میزان، تهران، ص ۱۰.

۲ - مایکل راش (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، نشر سمت،

تهران، ص ۴۰.

انگیزه نیز می‌تواند مبتنی بر یک ضرورت عقلی باشد؛ چرا که اصولاً انسان بالطبع اجتماعی است و طبیعت اجتماع، داشتن رابطه یا نوعی از تعامل و مشارکت است. از این جهت یک حق شهروندی محسوب می‌شود. یا از یک روحیه و احساس تعلق ناشی شود که به تعصبات و پیوستگی‌های ملی و قومی باز می‌گردد. در عین حال می‌تواند بر پایه باورهای دینی و ارزش‌ها و بایسته‌های مذهبی باشد که دو نوع اخیر نوعی تکلیف محسوب می‌شود.

در یک جمع‌بندی اگر بخواهیم اهم موارد سطوح مشارکت سیاسی را برشمریم، به ترتیب اهمیت، از پایین‌ترین تا بالاترین سطوح مشارکت سیاسی را در پنج سطح ذکر می‌کنیم:

سطح یک: حق رأی و شرکت در انتخابات و گزینش مسئولین سیاسی و اجتماعی،

سطح دو: حق فعالیت‌های سیاسی و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی،

سطح سه: حق نامزدی در جهت پُست‌ها و کرسی‌های سیاسی و فعالیت آزاد انتخاباتی،

سطح چهار: دخالت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان و تغییرات ساختاری،

سطح پنج: اقدام و عمل برای تغییرات بنیادین نهادها و ساختارهای نظام حکومتی.

در ارزیابی این سطوح باید گفت، از لحاظ اولویت و اهمیت و نیز میزان تأثیرگذاری سطح پنجم تأثیرگذارترین و پر اهمیت‌ترین سطح است؛ ولی از لحاظ پراکندگی در سطح اول بیشترین میزان مشارکت سیاسی وجود دارد. بنابراین احتمال رخداد سطح پنجم که می‌تواند منجر به تغییر نظام شود در مقایسه

با چهار سطح دیگر کمتر است. به بیانی دیگر، می‌توان گفت هرچه میزان فعالیت سیاسی بالا رفته و شدت پذیرد، از میزان مشارکت افراد کاسته می‌شود؛ یعنی میان سطح فعالیت سیاسی و شدت آن با میزان مشارکت سیاسی رابطه‌ای معکوس برقرار است.

در همه سطوح مذکور، وجود برخی صلاحیت‌ها برای افراد جامعه ضروری به نظر می‌رسد. البته هرچه سطح مشارکت و تأثیرگذاری بر سیاست افزایش یابد، باید انتظار داشت که به همان اندازه شاخصه صلاحیت‌ها بالا رفته و بدین معنا جمع کمتری از افراد بتوانند بالفعل در آن سطح از مشارکت نقش آفرین باشند، مگر آنکه قبل از آن صلاحیت‌های لازم را کسب کنند.

برای نمونه، درباره سطح اول از مشارکت می‌توان گفت در بسیاری از کشورهای غربی در نیم قرن اخیر زنان حق رأی پیدا کرده‌اند. در سوئیس تا ۱۹۷۱ و در انگلستان تا ۱۹۷۸ زنان از حق دادن رأی محروم بودند. امروز نیز افراد زیر ۱۸ سال در اغلب کشورهای جهان از دادن رأی محرومند.

صلاحیت‌های مذکور در هر نظام سیاسی مبتنی بر دستگاه ایدئولوژیک آن جامعه شکل می‌گیرد. در نظام‌های لیبرالیستی، این آموزه‌های فردگرایانه و کاپیتالیستی لیبرالیسم است که شاخص‌ها را مشخص می‌کند. اما در نظام مردم‌سالاری اسلامی، مکتب اسلام و دستگاه ارزشی آن است که صلاحیت‌ها را تعریف می‌کند. در این نگاه اخلاق و علم مهم‌ترین مؤلفه برای تعیین شاخصه‌های صلاحیت هستند. هرچه میزان اثرگذاری در مشارکت سیاسی بالا رود، به همان اندازه تأکید بر فضایل اخلاقی و توانایی‌های علمی و آگاه به آموزه‌های دینی بالاتر خواهد رفت.

نکته اساسی در این میان آن است که وجود شروط برای احراز صلاحیت به معنای وجود نگاه طبقاتی به قدرت و محرومیت بخشی از افراد جامعه از

مشارکت سیاسی نیست، چرا که شرایط مشخص شده برای احراز صلاحیت، همگی اکتسابی است و موانع ذاتی برای رسیدن به آن وجود ندارد.

### ۳. مشارکت سیاسی حق یا تکلیف؟

یکی از مسائل مهم در بررسی مفهوم مشارکت سیاسی توجه به ماهیت آن در نظام سیاسی اسلام است که می‌توان تفاوت ماهوی آن را با آنچه در اندیشه سیاسی غرب تحت همین عنوان آمده است، آشکار کند و نشان دهد که چگونه مفاهیمی از این قبیل در دستگاه معانی اسلامی ارتقای معنا داده اند.

در نظام سیاسی اسلام از مشارکت سیاسی به عنوان حق و تکلیف مردم یاد شده است. طبق تعابیری که از بزرگان آمده، انتخاب کردن و رأی دادن هم به عنوان یک حق برای مردم معرفی شده و هم از آن به یک تکلیف شرعی در ردیف دیگر تکالیف شرعی و شاید بالاتر از برخی از تکالیف دیگر یاد شده است.

در نگاه اسلامی منشأ تمامی حقوق خداوند است و اوست که نظام حقوق و تکالیف را برای زندگی بشر تعریف کرده و از طریق فطرت و ارسال شریعت نبوی در اختیار بشریت قرار داده است. یکی از این حقوق، «حق تعیین سرنوشت» است که در نظام سیاسی اسلام به منزله یکی از ارکان مهم شکل‌گیری حکومت اسلامی محوریت دارد. از آنجا که در اسلام رأی و انتخاب ملت در عرصه نصب کارگزاران حکومت اسلامی اعتبار دارد، ملت حق دارند در انتخابات حاضر شده و به نامزد مورد علاقه خود رأی دهند. هیچ کس نیز در جایگاهی نیست که بتواند مانع تحقق این حق شود. به واقع آنچه در نظام‌های غربی مبتنی بر منشأیی خیالی چون «قرارداد اجتماعی» شکل گرفته است، در اسلام اساس و بنیانی محکم داشته و مستظهر به آموزه‌های الهی است.

از سوی دیگر مشارکت سیاسی فعال در جامعه که مصادق بارز آن حضور در عرصه انتخابات است، به عنوان یک ضرورت شرعی و تکلیف الهی مورد تأکید قرار گرفته است، چرا که اولاً نظام سیاسی اسلام بدون حضور ملت در صحنه معنا نمی‌یابد و ثانیاً این حضور موجب حفظ و تقویت نظام اسلامی که به فرموده حضرت امام حفظ آن از اهم واجبات است، شده و آن را در برابر تهدیدات مختلف مصون می‌کند.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای به این حقیقت چنین اشاره دارند: «... هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و با انتخاب صحیح و آزادانه، قانونگذارانشان را در قوه‌ی مقننه معین کنند؛ مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است، معین کنند. این حق مردم است و متعلق به آنهاست؛ اما تکلیف هم هست. این طور نیست که یکی بگوید من نمی‌خواهم از این حقم استفاده کنم؛ نه، سرنوشت نظام بسته‌ی به احقاق و استنقاذ این حق است؛ این تکلیف است؛ باید همه شرکت کنند.» (۷۸/۱۱/۲۶)

در به‌کارگیری تعبیر تکلیف نکته دیگری نیز نهفته است و آن اینکه عمل به تکلیف مستلزم رعایت چارچوبی است و با رعایت اصول و قواعدی معنا می‌یابد. لذا مکلف باید ضمن آشنایی با الزامات تکلیف مورد نظر، کار را به بهترین نحو به ثمر رساند. در نگاه تکلیف‌مدارانه حضور در انتخابات، فرد باید به اصول دیگری نیز توجه کند که از آن جمله می‌توان به اصل شایسته‌سالاری و انتخاب کاندیدای اصلح اشاره کرد. به این تعبیر رهبری: «همچنان که اصل انتخابات یک تکلیف الهی است، انتخاب اصلح هم یک تکلیف الهی است.» (۷۶/۲/۳۱)

به واقع با نگاه تکلیف‌مدارانه به انتخابات، رأی و گزینش ملت با توصیه‌ها

و رهنمودهای دینی در مسیری صحیح و کم اشتباه قرار گرفته و این «حق انتخاب» با رهنمودهای الهی بارور شده و به سوی کمال و شایسته‌گزینی سوق می‌یابد.

#### ۴. عوامل مؤثر در کاهش مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی مفهومی تشکیکی است که در هر اجتماعی می‌تواند دچار افزایش و کاهش شود. در این میان عواملی هستند که موجب ترغیب ملت به سوی مشارکت سیاسی شده و برعکس عواملی از انگیزه‌های ملت برای حضور در عرصه‌های مشارکت بکاهد.

به نظر می‌رسد تلاش برای تأثیرگذاری بر سرنوشت سیاسی - اجتماعی موضوعی نیست که برای تبیین ضرورت آن برای انسان امروز باید استدلال کرد. این مسئله آنقدر بدیهی است که شرح اهمیت و ضرورت آن را بیان واضحات و بدیهیات می‌توان دانست، اما با وجود به ظاهر بدیهی بودن این مسئله، باز هم در جامعه شاهد آن هستیم که بخش قابل توجهی از صاحبان حق مشارکت، ترجیح می‌دهند تا از این حقوق خود بهره‌نجنسته و در پای صندوق‌های رأی حاضر نباشند. برای شناخت این موانع بد نیست تا برای این سؤال که «چرا یک شهروند در روز انتخابات به پای صندوق رأی حاضر نمی‌شود؟» پاسخی درخور بیابیم.

۱- اولین سطح از علل حضور نیافتن افراد در پای صندوق‌های رأی؛ نداشتن آگاهی لازم نسبت به اهمیت انتخابات است. هرچند امروز آموزش‌های عمومی و اطلاع‌رسانی رسانه‌های فراگیر، آگاهی و دانش را در تمامی وسعت جامعه منتشر کرده است، ولی همچنان هستند افرادی که در مواجهه با چرایی عدم حضور در پای صندوق رأی، به ندانستن اهمیت این امر اشاره می‌کنند.

۲- سطح دوم افرادی هستند که هر چند نسبت به اهمیت حضور در انتخابات آگاهند، ولی رأی و حضور خود را مؤثر نمی‌دانند. کسانی که بین آمدن

و نیامدنشان فرقی نمی‌بینند و رأی خود را صاحب تأثیر نمی‌دانند.

۳- بخش دیگری از کسانی که در انتخابات شرکت نمی‌کنند، کسانی هستند که آنقدر در مسائل دیگر زندگی غرق هستند که مشارکت سیاسی و شرکت در انتخابات برای آنها دیگر مسئله نخواهد بود. برای نمونه از فردی که هنوز نتوانسته نیازهای اولیه خود را رفع کرده و غرق در محرومیت و تلاش برای رفع آن است، کمتر می‌توان انتظار داشت که به نیازها و حقوق ثانویه خود همچون مشارکت سیاسی بیندیشد.

۴- علت بخشی از عدم مشارکت‌ها (هرچند محدود) را می‌توان «موانع فیزیکی» دانست که آن را نیز در محاسبات میزان مشارکت‌ها باید توجه کرد. به همراه نداشتن شناسنامه و کارت هویت به دلایل مختلف (مثلاً برای افرادی که در سربازخانه‌ها حضور دارند)، مسافرت‌ها، ناتوانی‌های جسمی از جمله کهولت سن و بیماری‌ها، و ... نیز هرچند موارد محدودی هستند، اما از عواملی به شمار می‌آیند که نتیجه‌ای جز کاستن از مشارکت نخواهد داشت.

۵- بخش دیگری از افراد به دلیل آنکه فضای انتخابات را فضای رقابتی نمی‌بینند، لذا برای خود حق‌گزینی نیافته و از حضور در پای صندوق‌های رأی صرف نظر می‌کنند. مبتنی بر نگاه این بخش معنای حقیقی انتخابات، برگزیدن از میان گزینه‌های مختلف است و در صورت وجود تنوع و تکثر است که رقابت معنا می‌یابد. این بخش از افراد چون فضای انتخابات را رقابتی ندانسته، حاضر به شرکت در انتخابات نیستند.

۶- دسته دیگری از افراد، اعتماد نداشتن به ساختار انتخابات و سلامت برگزاری آن را بهانه‌ای برای حضور نیافتن خود می‌دانند. این افراد معتقدند در انتخابات امکان تقلب وجود داشته و از درون صندوق کسانی بیرون می‌آیند که نظام خواستار انتخابی آنان است. لذا حضور در انتخابات بیهوده بوده و به واقع

فرآیند مذکور «انتصاب» بوده و انتخابی صورت نمی‌گیرد!

۷- دسته دیگری غایبان در انتخابات، کسانی هستند که مدعی‌اند، هر کس انتخابات شود نخواهد توانست کاری از پیش برده و بر مشکلات و موانع موجود فائق آید. این نگاه بدبینانه از وجود قدرت برتر پشت پرده‌ای سخن می‌راند که با تفوق و هژمون خود مانع فعالیت اصلاح مسئولان پایین دستی است، لذا حضور در انتخابات بیهوده بوده و منجر به تغییر و تحول اساسی در کشور نخواهد شد.

۸- ناکارآمدی مسئولان و معضلات اقتصادی - اجتماعی، عامل مؤثر دیگری در حضور نیافتن بخشی از مردم در پای صندوق‌های رأی است. این افراد که بیشتر از طبقات آسیب‌پذیر اجتماعند، تلاش دارند تا اعتراض خود را به عملکردها و ناکارآمدی‌ها در قالب حاضر نشدن در پای صندوق رأی نشان دهند. رفتار این قشر به معنای مخالفت با نظام سیاسی نیست، بلکه صرف وجود مشکلات و فضاهای اقتصادی است که خود را در قالب پرخاشگری‌هایی، چون عدم حضور در پای صندوق‌های رأی نشان می‌دهد.

۹- برخی دیگر حضور نیافتن در انتخابات را از جنس «تحریم انتخابات» دانسته و به دلیل مخالفت و معاندت با نظام سیاسی، و به جهت کاستن از مشروعیت آن، به طور آگاهانه از حضور در پای صندوق‌های رأی امتناع می‌کنند. این افراد تحریم را نوع ابزار مبارزاتی علیه رژیم دانسته و پیام آن را اعتراض به نظام موجود و نامشروع جلوه دادن آن می‌دانند.

## ۵. راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی

برای ساماندهی به ۹ دسته مختلف طیف غایبان، سه دسته علل را برای عدم حضور ایشان در پای صندوق‌های رأی می‌توان در نظر گرفت، که توجه به آنها می‌تواند رمز عبور از موانع مشارکت حداکثری باشد. این عوامل را می‌توان به



ترتیب چنین برشمرد: ۱- ناآگاهی، ۲- بی‌اعتمادی، ۳- نارضایتی. که برای مقابله با آن سیاست آگاه‌سازی، اعتمادسازی و رضایتمندسازی پیشنهاد می‌شود:

**۱- آگاه‌سازی:** اولین مانعی که موجب می‌شود تا فرد با بی‌حوصلگی و تبلی از حضور در پای صندوق رأی طفره رود، ناآگاهی است. همانطور که گفته شد بخشی از افراد جامعه آنقدر از جایگاه اجتماعی خود بی‌اطلاعتند که نمی‌دانند تأمین بخش قابل توجهی از حقوق خود با مشارکت در امور سیاسی از جمله انتخابات حاصل می‌شود. گاه فرد اطلاعاتی نیز از این جایگاه دارد، ولی این آگاهی تا آن حد نیست که فرد را به اقدام وادار کند. بیشتر این افراد از اقشار کم سواد جامعه بوده که در مسیر آموزش‌های جامعه‌پذیری سیاسی در مدارس و مراکز آموزشی قرار نگرفته‌اند و در این زمینه نیازمند آگاهی بخشی و آموزش‌اند. راه مساعدت برای حضور چنین افرادی در پای صندوق رأی «آگاه‌سازی» است.

- شرح اهمیت جایگاه مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در نظام تصمیم‌گیری کشور،

- شرح اهمیت حضور و مشارکت حداکثری در پای صندوق‌های رأی،

- شرح میزان تأثیرگذاری رأی تک تک افراد در انتخابات مجلس و اینکه

گاه یک رأی می‌تواند سرنوشت انتخاباتی را دگرگون کند،

- شرح ابعاد شرعی ضرورت حضور در انتخابات،

- شرح وضعیت حساس کشور در مواجهه با استکبار جهانی در آستانه

انتخابات مجلس و نقشی که مشارکت حداکثری می‌تواند در شکست نقشه‌های شوم دشمن داشته باشد،

- تبیین نقش مشارکت حداکثری در افزایش مشروعیت و اقتدار جمهوری

اسلامی، و ...

بخشی از آگاهی‌هایی است که می‌تواند در این زمینه سودمند باشد. وظیفه اصلی آگاه‌سازی در این زمینه بر عهده اصحاب رسانه است که در رأس آن صاحبان منبر و تریبون، مطبوعات، سایت‌های خبری و رسانه ملی قرار دارند، که انتظار می‌رود با انجام وظیفه قانونی خود در این زمینه مثمر ثمر باشند. همچنین گروه‌های مرجع و تأثیرگذار بر اقشار مختلف جامعه نیز در این زمینه نقش کلیدی و مهمی بر عهده دارند.

به فرموده حکیم انقلاب اسلامی «همه کسانی که مخاطبانی دارند، وظیفه دارند مردم را به انتخابات دعوت کنند. علمای اعلام، اساتید دانشگاه، اساتید حوزه، صداوسیما، مطبوعاتی‌ها، جوان‌ها، افراد در داخل خانواده، اینها همه می‌توانند منادی انتخابات باشند و مخاطبان خودشان را به انتخابات دعوت کنند؛ آن وقت انتخابات، انتخابات پُرشوری خواهد شد.» (۱۴۰۲/۱۰/۲)

**۲- اعتمادسازی:** دسته دیگری از افراد جامعه کسانی هستند که نسبت به اهمیت مشارکت سیاسی و حضور در انتخابات آگاهند، اما به دلیل «بی‌اعتمادی» حاضر نیستند در رأی‌گیری شرکت کنند. منشأ این بی‌اعتمادی را می‌توان در تجربیات تلخ فردی، برخی حوادث در انتخابات گذشته و القانات و شبهه‌افکنی‌های دشمنان نظام اسلامی دانست که ذهن افراد را تحت تأثیر قرار داده و اراده آنان برای حضور در انتخابات را سست می‌کنند.

تلاش‌های رسانه‌های دشمنان انقلاب اسلامی در قالب طرح ادعای تقلب، رقابتی نبودن، نمایشی بودن، فرمایشی بودن، مهندسی شده بودن آرا و ... از جمله ترندهایی است که اذهان عمومی را نشانه رفته است. اوج این سناریوی تبلیغاتی را می‌توان در قالب کودتای مخملین سال ۱۳۸۸ مشاهده کرد که چطور ادعای «تقلب» به رمز آشوب‌فتنه گران مبدل شد.

اغلب اقشار این دسته را جوانان، دانشجویان و طبقات متوسطی تشکیل

می دهند که بیشتر در معرض شبهه پراکنی رسانه های بیگانه و تأثیر پذیری از فضای مجازی قرار دارند و می توانند بر دیگر اقشار جامعه نیز تأثیرگذار باشند. لذا مواجهه با این معضل یکی از ضروریات نظام سیاسی است تا مانع شیوع بیماری «بی اعتمادی سیاسی» در جامعه شود.

راه مقابله با این معضل، «اعتمادسازی» است. اعتمادسازی هم از طریق ارائه پاسخ های اقناعی و مستدل حاصل می آید که این امر بر عهده رسانه های عمومی و تریبون های مختلف است.

در اعتمادسازی گروه های مرجع و تأثیرگذار و ذی نفوذ در میان توده های ملت از جایگاه ویژه ای برخوردارند، چرا که در اغلب مواقع فرد بی اعتماد به نظام سیاسی تنها از این گروه های مرجع حرف شنوی دارد. لذا نقش محوری در اعتمادسازی را در جایی که رسانه ملی و مطبوعات داخلی به دلیل قرار داشتن در درون سیستم، از اعتبار شان نزد مخاطب کاسته شده است، گروه های مرجع باید بر عهده بگیرند.

همچنین برای مقابله با رسانه های شبهه افکن بیگانه نیز باید چاره ای اندیشید و ضمن مقابله سخت افزارانه با آنها، ابعاد پشت پرده و اغراض منفعت طلبانه آنها را برای مخاطبان واکاوی کرد.

ضمن آنکه برای اعتمادسازی نهادهای قانونی متولی برگزاری انتخابات نیز باید ضمن شفاف سازی و پاسخگویی به شبهات احتمالی مطرحه، با حساسیت کامل از هر اقدامی که به ترویج شایعات کمک می رساند، پرهیز کنند.

### ۳- رضایتمندسازی: بخش اصلی از میان کسانی که در روز انتخابات به

پای صندوق های رأی نمی آیند، آنهايي نیستند که بی اطلاع بوده یا تحت تأثیر القائات بی اعتماد شده باشند؛ بلکه کسانی هستند که به دلیل مشکلات متنوع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که وجود بخشی از آن طبیعی و بخشی دیگر به

دلیل سوء مدیریت هاست، حاضر نیستند به پای صندوق‌های رأی روند. فشارهای اقتصادی اعم از گرانی و تورم و عدم ثبات قیمت‌ها، بوروکراسی تنبل و اذیت‌کننده ادارات، وجود بیکاری، شکل‌گیری فسادهای اقتصادی و معضلاتی این‌چنینی آنان را در صف عدم رأی دهندگان قرار داده است.

برای کسب رضایت این افراد و رفع کدورت‌های ایجاد شده، بیش از هر کس مسئولان و دستگاه‌های اجرایی وظیفه دارند که با اصلاح رفتار و ارائه پاسخ و عذرخواهی از سوءمدیریت‌ها و تلاش برای جبران کاستی‌ها برای کسب رضایت تلاش کنند. ضمن آنکه معتمدان ملت و کارشناسان متخصص نیز وظیفه دارند تا با توجیه این بخش از جامعه، این مهم را برای افراد جا بیندازند که اتفاقاً راه حل صحیح حل معضلات موجود مشارکت سیاسی و تلاش برای انتخاب کاندیدای اصلح و کنار گذاشتن ناکارآمدان است نه قهر با صندوق‌های رأی!

در کنار راهکارهای اصلی، برخی اقدامات مقطعی نیز می‌تواند به بهبود رضایت عمومی در آستانه برگزاری انتخابات‌ها کمک کند. تبلیغات مؤثر نامزدهای انتخاباتی و توجه ایشان به نیازهای اصلی جامعه، پرهیز از سیاه‌نمایی و امیدوار کردن ملت به حل مشکلات، کنار گذاشتن اختلافات بین مسئولان و قوای سه‌گانه که موجب تشویش اذهان عمومی و نابسامانی در بازار می‌شود، پرهیز از تصویب و اجرای قوانینی که در آستانه انتخابات می‌تواند موجب افزایش فشار بر توده‌های ملت شود، کنترل و ایجاد ثبات در اقتصاد در آستانه انتخابات، اتمام و راه‌اندازی پروژه‌هایی که می‌تواند موجب افزایش خدمات عمومی شود و ... نمونه‌ای از این قبیل اقدامات است.

## گفتار هشتم: اصولگرایان در انتخابات

یکی از مهم‌ترین بازیگران مؤثر در انتخابات، احزاب و گروه‌های سیاسی هستند که تلاش دارند صندلی قدرت را به تسخیر خود در آورند و اهداف سیاسی خود را در پیش گرفته و کشور را مبتنی بر جهت‌گیری و اولویت‌بندی مورد نظر اداره کنند.

در بین بازیگران اصلی صحنه انتخابات ۱۴۰۲، اصولگرایان بخش مهمی را تشکیل می‌دهند که با همه توان تلاش دارند خود را در جایگاه فاتح انتخابات ببینند.

### ۱. مسائل و مناقشات پیش‌رو

آرزوی فتح مجلس دوازدهم، رویایی است که اصولگرایان برای تحقق آن با چالش‌ها و دغدغه‌های بسیاری مواجه هستند:

#### ۱.۱.۱. تشتت و واگرایی

اولین و مهم‌ترین مانع پیش روی اردوگاه اصولگرایان، تشتت و اختلافاتی

است که در میان‌شان موربانه‌وار شکل گرفته و اجازه ائتلاف و اجماع سراسری را از آنان گرفته است. سطح خفیف این اختلافات در انتخابات سال ۱۳۹۸ هم وجود داشت، اما در طول چهار سال گذشته تلاش مؤثری برای ترمیم آن صورت نگرفت. شکل‌گیری دولت آقای رئیسی هم که می‌توانست به فرصتی برای همگرایی بدل شود، در عمل نتایج متفاوتی به همراه داشت و همگرایی را حاصل نکرد.

افول و فقدان جایگاه مرجعیت سیاسی در اردوگاه اصولگرایان پس از فوت بزرگانی چون آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله مصباح یزدی، عسگر اولادی و... نیز کار را برای همگرایی این اردوگاه دشوار کرده است. شکل‌گیری تشکلهایی وحدت‌گرا و انسجام‌بخش، همچون «مجمع بیداری نیروهای انقلاب» (مبنا) نیز هر چند می‌تواند در این مسیر کمک‌یار باشد، اما بعید است که بتواند تحقق وحدت حداکثری را عینیت بخشد. فاز مستقل اضلاع تأثیرگذاری، چون جبهه پایداری، شورای وحدت اصولگرایان، جمعیت مؤتلفه، مجموعه شریان و... نیز کار را برای حضور قدرتمند این جریان در انتخابات سخت کرده است.

## ۱۱،۲. ضعف پایگاه اجتماعی

پایگاه اجتماعی جریان اصولگرایی نیز در طول سال‌های اخیر با منطقی قابل دفاع ترمیمی نشده و سازوکارهای جذب در آن تعبیه نشده است. تغییرات نسلی و فاصله اصولگرایان از نسل جدید و تعلقات ایشان موجب شده است تا نسل دهه ۷۰ و ۸۰ از آنان فاصله گرفته و مسئله تقویت پایگاه اجتماعی با ابهام مواجهه گردد. ضعف در برخی عملکردها نیز موجب ریزش بخشی از هواداران شده است. حتی واگرایی جریان‌های انحرافی، همچون جریان احمدی‌نژاد که پایگاه اجتماعی مشترکی با بخشی از اصولگرایان داشتند نیز موجب تضعیف هواداران شده است.

عدم تلاش برای ارائه صورت‌بندی جدید از گفتمان اصولگرایی متناسب با ذائقه و زبان نسل جدید، فقدان برنامه‌ای مشخص برای حفظ پایگاه اجتماعی، پاسخگو نبودن به سؤالات و ابهامات موجود در میان هواداران و عواملی این چنینی در ضعف پایگاه اجتماعی اصولگرایان مؤثر بوده است.

### ۱۱,۳. آسیب پذیری از فتنه سال ۱۴۰۱

فتنه طراحی شده دشمن که با محوریت جنگ شناختی و ایجاد تردید نسبت به نظام اسلامی و هویت جمهوری اسلامی شکل گرفت، آثار سوئی در جامعه به همراه داشته که از جمله آن می‌توان به فریب خوردن بخشی از افکار عمومی و فاصله گرفتن از جمهوری اسلامی اشاره کرد. در این بین جریان اصولگرایی که خود را جریانی انقلابی و مدافع جمهوری اسلامی معرفی کرده است، به واسطه این نزدیکی، از آسیب فتنه مهسا به دور نبوده است. آسیب‌هایی که برای ترمیم آن باید کارهای تبیینی مستمری بر روی افکار عمومی انجام دهد. که این جریان از ابزارهای توانمند چندانی در این مسیر برخوردار نیست و با ضعف‌های جدی در این زمینه روبه‌رو است.

### ۱۱,۴. ضعف‌های مجلس اصولگرا

هر چند مجلس اصولگرا در چهار سال عمر خویش تلاش فراوانی برای حل مشکلات کشور انجام داده است، اما وجود ضعف‌ها و کاستی‌ها، نیمه‌کاره ماندن برخی تصمیم‌گیری‌ها، خطای عملکردی برخی نمایندگان، ضعف‌های جدی در اطلاع‌رسانی‌ها، عدم پاسخگویی به موقع و به مقدار کافی، مورد هدف بودن در جنگ شناختی همه‌جانبه دشمن، سیاست تخریب رسانه‌ای مخالفان و منتقدان دولت، کم‌توجهی به برخی اولویت‌ها و فوریت‌ها، وجود مشکلات ساختاری که حل آن بیرون از اختیارات مجلس است، انتظار ذهنی حل سریع مشکلات کشور، وعده‌های انتخاباتی داده شده و محقق نشده که عملاً امکان

تحقق آن فراهم نبوده و ... چشم‌اندازی از مجلس اصولگرای انقلابی را در اذهان عمومی ایجاد کرده است که ترمیم آن در آستانه انتخابات به سادگی ممکن نخواهد بود.

خطای مجلس در تصویب نکردن بهنگام طرح شفافیت، ماجرای واگذاری خودرو به نمایندگان و ... از جمله مواردی است که مجلس نتوانست پاسخ درخوری ارائه دهد و به عنوان نقطه ضعفی جدی، حتی افکار هواداران این جریان را نیز به خود مشغول و صدای اعتراض آنان را بلند کرده است.

### ۱۱،۵. ضعف‌های دولت انقلابی

روی کار آمدن دولت انقلابی، امیدهای بسیاری را برای ایجاد تحول در حکمرانی و حل مشکلات کشور ایجاد کرد. این دولت تلاش کرد تا با اتخاذ رویکردی مردمی به دل مشکلات رفته و برای حل آنها راهکاری ارائه دهد. جهت‌گیری‌های این دولت بدون شک خشم دشمنان را به همراه داشت و با همه توان وارد میدان شدند که این دولت موفق نشود یا آنکه لااقل تصویر موفقیت دولت انقلابی در اذهان اکثریت جامعه شکل نگیرد. وجود ضعف‌ها در عرصه مدیریت و هم در عرصه اطلاع‌رسانی موجب شده تا میزان رضایت مردم از دولت چندان چشمگیر نباشد.

### ۲. فرصت‌ها و ظرفیت‌ها

در کنار چالش‌ها و دغدغه‌هایی که اردوگاه اصولگرایان باید برای رفع آن چاره کند، این اردوگاه برای موفقیت در انتخابات از ظرفیت‌های قابل ملاحظه‌ای نیز برخوردار است:

### ۱۱،۱. پایگاه رأی در میان نیروهای ارزشی

این جریان پایگاه اجتماعی خود را در میان متدینان و نیروهای ارزشی



جامعه قرار داده است. نیروهای سیاسی که آنقدر فهم از صحنه سیاست دارند که بدانند هیچگاه نباید با جمهوری اسلامی و صندوق رأی آن قهر کرد. لذا پای ثابت انتخابات هستند و تحت هر شرایطی حضور در انتخابات را دفاع از انقلاب اسلامی شان می‌دانند. آنان حضور در انتخابات را هم از منظر رسالتی ملی و هم تکلیفی شرعی می‌بینند، لذا باورهای قوی‌شان، ایشان را به مشارکتی فعال در انتخابات سوق می‌دهد. اکثریت همین پایگاه رأی در ادوار انتخابات برای اصولگرایان به میدان آمده است و همین امید این جریان را برای موفقیت تقویت می‌کند.

### ۱۱،۲. در اختیار داشتن مجلس و دولت

جریان اصولگرایی هم اکنون دست برتر را در حوزه حکمرانی بر عهده دارد و همین مسئله توان آنان را برای موفقیت در انتخابات بیشتر کرده است. این مجلس و این دولت اگر در ماه‌های مانده به انتخابات بیش از پیش خدمات خود را به جامعه آشکار کرده و بتواند بازار را کنترل کرده و ثبات ایجاد کنند و جامعه را به حل مشکلات کشور امیدوار کنند، ضمن آنکه افزایش مشارکت را تسهیل خواهد کرد، میزان موفقیت این جریان در انتخابات را نیز افزون خواهد کرد.

### ۱۱،۳. عملکرد مثبت مجلس انقلابی

عملکرد چهار ساله مجلس انقلاب اسلامی نیز به واقع فرصتی برای جریان اصولگرایی است که بتواند به افکار عمومی ارائه دهد تا اعتماد و رأی بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم را جلب کند. هر چند در طول سال‌های اخیر در بازتاب دادن این عملکرد سهل‌انگاری‌های بسیاری شده و آطور که بایسته و شایسته است این امر محقق نشده است، اما بدون شک این عملکرد فرصتی است که می‌تواند در اختیار جریان اصولگرا قرار گیرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره این مجلس می‌گویند: «من از اول تشکیل

این مجلس، اعتقاد خودم و علاقه خودم به این مجلس را که از روی اطلاع بود، عرض کردم، گفتم مجلس، مجلس انقلابی است. الان هم من بعد از سه سال همین را تکرار می‌کنم. این مجلس بحمدالله مجلسی است انقلابی، باسواد، جوان، پُرتحرک، پُرکار. البته قضاوت‌هایی که انسان راجع به یک مجموعه می‌کند، با نگاه به مجموعه است؛ حالا یک استثناهایی هم ممکن است وجود داشته باشد؛ به آن استثناها کاری نداریم. مجموعه را که انسان نگاه می‌کند، با نگاه مجموعی، این مجلس انصافاً یک مجلس انقلابی است. حالا از گوشه و کنار، از چپ و راست، یک متلکی، یک حاشیه‌ای، یک مثلاً چیزی گاهی به مجلس زده می‌شود، خب بگویند؛ نمی‌شود انتظار داشت که همه از آدم تعریف کنند؛ نه، بالاخره مخالفت‌هایی هم می‌شود، اما واقع قضیه همین است که عرض کردم؛ یعنی از روی آن اطلاع و آگاهی‌ای که بنده دارم، این [جور] است که این مجلس انصافاً این خصوصیات را دارد.» (۱۴۰۲/۳/۳)

این مجلس قوانین متعددی در اولویت چند سال اخیر کشور که مسئله اقتصاد بوده، تصویب کرده است. قوانینی مانند حمایت از کسب و کارها، تسهیل صدور مجوزها، کاهش مالیات‌ها، تصحیح برخی بندهای بودجه، تصحیح قوانین بانک مرکزی، جهش تولید مسکن، حمایت از دانش‌بنیان‌ها، مالیات بر خانه‌های خالی، کالابریگ الکترونیک، سامان‌دهی خودرو و... در همین مجلس و در مدت سه سال به تصویب رسیده است.

همچنین قوانین متعدد دیگری در حوزه خانواده و جوانی جمعیت، رتبه‌بندی معلمان، اقدام راهبردی هسته‌ای، شفافیت قوای سه‌گانه، شفافیت شرکت‌های دولتی، مبارزه با فساد و حمایت از افشاگران فساد و... هم در حوزه‌های مهم غیراقتصادی به نتیجه رسیده است.

طرح قانون بانک مرکزی (اختیارات و وظایفی که طرح قانون بانک

مرکزی در حوزه سیاست‌گذاری پولی، نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری و همچنین بازطراحی ساختار نظام تصمیم‌گیری و استقلال در سیاست‌گذاری، این طرح را نسبت به قانون پولی و بانکی که مبنای فعالیت فعلی بانک مرکزی است، بسیار متمایز کرده و موجب افزایش اقتدار بانک مرکزی در انجام ماموریت‌ها خواهد شد. قانون جهش تولید دانش‌بنیان‌ها (در این قانون پیش‌بینی‌هایی برای توسعه فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان و کمک به استارت‌آپ‌ها صورت گرفته است.)، قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس (طبق این قانون انتصاب کسانی که خود، فرزندان یا همسرشان تابعیت مضاعف دارند، در مشاغل و پست‌های حساس ممنوع است) از جمله این اقدامات مثبت مجلس است.

محمدباقر قالیباف در این زمینه می‌گوید: «در مجلس تلاش کردیم حاشیه‌نشینی را نیز ساماندهی کنیم چرا که با تجربه حضور در شهرداری و ناجا تمام مشکلات عمومی جامعه را می‌شناسم، از این رو قانونی در مجلس تصویب کردیم که زمین‌هایی که مردم مستضعف سال‌ها قبل در آن خانه ساخته‌اند اما سند ندارند، در صورت تعلق به دولت که بیش از ۹۰ درصد آن نیز متعلق به دولت است با قیمت روز منطقه به آنها واگذار شود.»

#### ۱۱،۴. عملکرد مثبت دولت انقلابی

بیش از دو سال از آغاز به کار دولت انقلابی نمی‌گذرد، و هنوز دو سال طلایی دوم باقی مانده است. در طول این دوره خدمات فراوانی از جانب دولت به نفع مردم رقم خورده است که می‌تواند دستمایه فرصت‌سازی برای جریان اصولگرا معطوف به انتخابات باشد. به واقع با نمایش کارآمدی می‌توان افقی پیش روی مخاطبانش ارائه دهد که حاصل آن افزایش وزن سبد رأی اصولگرایان باشد. عملکرد دولت انقلابی در عرصه‌های مختلف قابل توجه و ارزیابی است. فقط کافی است نگاهی به عرصه سیاست خارجی بیندازیم تا حجم کارهای انجام

شده درک شود. در حوزه دیپلماسی تلاش برای عبور از تنگنای ایجاد شده از سوی غرب و ارتباط گیری با جهان از سوی این دولت دنبال شده است. سیاست همکاری‌های منطقه‌ای با محوریت همسایگان به طور ویژه و محسوسی در این دولت به ثمر رسیده است. سیاست نگاه به شرق نیز با همه توان دنبال شده و تلاش شده تا این سیاست با فعال سازی پیمان‌های بین‌المللی، همچون پیمان شانگهای و ... اعتبار دوچندان یابد. به این عملکرد باید موارد متعددی را در عرصه‌های مختلف اقتصادی، صادرات و واردات، علم و فناوری، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... افزود.

### ۱۱،۵. در اختیار داشتن نیروهای مومن و انقلابی

نظام اسلامی با محوریت نیروهای انقلابی و قرار گرفتن آنان در مسند قدرت معنا خواهد یافت. لذا باید تلاش کرد تا افرادی بر مسند قدرت بنشینند که واقعا به انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن اعتقاد دارند. این نگرش در قانون اساسی و قوانین تابعه بازتاب داشته و روح و گوهر توزیع قدرت بر همین اصل شایسته‌سالاری بنا نهاده شده است. شورای نگهبان نیز وقتی در جایگاه نظارت بر انتخابات قرار می‌گیرد و وظیفه خطیر احراز صلاحیت را در دستور کار دارد، به همین شاخص‌ها توجه داشته و تلاش می‌کند تا چنین افراد متعهد و متخصصی را احراز صلاحیت کند.

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در این‌باره فرموده‌اند: «اگر کسی در نظام جمهوری اسلامی در مسئولیتی مشغول کار است، ولی آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی را آن‌گونه که امام بزرگوار ترسیم کرده است و در قانون اساسی تجسم پیدا کرده، در دلش قبول ندارد، اشغال آن پست برای او حرام شرعی است. آن‌جایی که صحبت از مسائل اساسی نظام اسلامی است، آن‌جایی که وحدت دین و سیاست مطرح است، آن‌جایی که اصول قانون اساسی مورد نظر است،

آنجایی که الزام به تبعیت از دین و شریعت مطرح است، اگر یک مسئول عقیده‌ای غیر از این دارد، می‌تواند شهروند جمهوری اسلامی باشد - مانعی ندارد - اما نمی‌تواند مسئول باشد؛ بخصوص در مسئولیت‌های بالا. مدیران ارشد، نمایندگان مجلس و مسئولان عالی‌مقام قوه قضایی، در عین حال که مسئولیت مهمی در نظام جمهوری اسلامی دارند، نمی‌توانند به آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی و اصول قانون اساسی اعتقادی نداشته باشند؛ چون اعتقاد انسان در عمل و گفتار او اثر می‌گذارد.» (۱۳۸۰/۸/۸)

در اردوگاه جریان اصولگرایان افراد انقلابی صاحب صلاحیت و کسانی که نظام را قبول دارند، بسیار است و به واقع شرط ورود به این اردوگاه همین است و بدین طریق مشکل برجسته‌ای برای احراز صلاحیت نامزدهای مورد علاقه‌شان ندارند. برخلاف جریان رقیب که آنقدر دایره اردوگاهی را فراخ گرفته است که مرزبندی مشخصی با اپوزیسیون ندارد و همین امر موجب شده تا بخشی از فعالان این اردوگاه در مواضع خود فاصله‌شان را با اصول نظام اسلامی آشکار کنند، لذا در بررسی صلاحیت دچار مشکل شوند.

### ۱۱,۶. شبکه جهادگران جهاد تبیین

جریان اصولگرایی به طور سنتی و تاریخی، برخوردار از شبکه‌هایی برای ساماندهی فکری - تشکیلاتی است. شبکه‌هایی که از مساجد تا هیئات و کانون‌های مذهبی را در بر می‌گیرد. این شبکه‌های فعال همچنان فعال بوده و ظرفیت بسیج اجتماعی مؤثری را برای این اردوگاه به همراه آورده است. در این شبکه هزاران جهادگر جهاد تبیین وجود دارند که می‌توانند گفتمان اصولگرایی را فراگیر کرده و در بخشی از جامعه اثرگذار باشند و حتی توده مردم را دعوت به انتخابات کنند.

### ۳. راهبردهای انتخاباتی و اضلاع اصولگرایی

اصولگرایان مانند همه ادوار انتخاباتی، مشارکت در امر انتخابات پیش رو را امری ضروری دانسته و با همه توان برای نقش آفرینی به میدان آمده‌اند. با این تفاوت که اصولگرایان در انتخابات ۱۴۰۲، بیش از همه ادوار پیشین انتخابات دارای اضلاع متعدد شده‌اند. نکته قابل تأمل آنکه آنچه موجب شکل‌گیری اضلاع اصولگرایان می‌شود، همچون اصلاح‌طلبان مسئله مشارکت یا عدم مشارکت نیست؛ بلکه مسئله اصلی چگونگی کار جبهه‌ای در میدان انتخابات است.

#### ۱. راهبرد اول؛ ائتلاف حداکثری و حضور با لیست واحد

راهبرد جریان وحدت‌گرای اصولگرایان، تلاش برای رسیدن به فهرست واحد برای اردوگاه اصولگرایان است. این تفکر معتقد است، در صورت تفرق و تکثر لیست‌ها و واگرایی اضلاع اصولگرایی، این رقیب سیاسی است که خواهد توانست پیروز انتخابات شده و هیچ‌یک از اضلاع اصولگرایی جایگاه مناسبی در مجلس نخواهند داشت. این در شرایطی است که وحدت و ائتلاف می‌تواند رمز موفقیت و پیروزی در انتخابات باشد، هر چند ممکن است لیست نهایی، لیست ایده‌آل هیچ‌یک از اضلاع نباشد، اما می‌تواند موفقیت جریان اصولگرایی در انتخابات را تا میزان زیادی تضمین کند. این جریان به مواردی همچون ناکامی در انتخابات ۱۳۹۲ و ... اشاره می‌کنند که چگونه واگرایی و اختلاف، زمینه پیروزی رقیب را فراهم کرده و برعکس اتحاد و همدلی موجب موفقیت در ادوار بعدی شده است.

محوریت این جریان که روزگاری در قالب جمنا و شانا شناخته می‌شد، همچنان با شورای ائتلاف اصولگرایان است که در انتخابات اخیر در نشستی با

عنوان "مجمع بیداری نیروهای انقلاب" (مبنا) گرد هم آمدند تا برای رسیدن به لیستی واحد و پیروزی در انتخابات مجلس دوازدهم تلاش کنند. این همایش با بیش از چهار هزار نفر از فعالان سیاسی در روز چهارم آبان ماه ۱۴۰۲ در مرقد مطهر حضرت امام خمینی(ره) برگزار شد. در این نشست برخی از بزرگان اردوگاه اصولگرایی از حداد عادل، محمدباقر قالیباف، محسن رضایی تا حجت‌الاسلام سیدرضا تقوی حضور داشتند و سخنرانی کردند. آنچه مورد تأکید همه حضار بود، تلاش برای افزایش مشارکت و همگرایی این جریان در انتخابات بود.

غلامعلی حدادعادل، رئیس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی، در حاشیه همایش مجمع بیداری نیروهای انقلاب گفت: «آماده هستیم با همه نیروهایی که دغدغه انقلاب را دارند وحدت داشته باشیم... اصل کار شورای انقلاب دعوت به وحدت است و معتقد به حزب خاص و تشکلات خاصی نیست و درب آن به روی نیروهای انقلاب باز است و متعلق با انقلاب اسلامی و فادار به همه اصول و ارزش های مسلم انقلاب است... هر حزب و تشکیلاتی که انگیزه حقیقی اش افزایش کارایی نیروهای های انقلاب است درب شورای ائتلاف به روی آن باز است و می خواهیم از عملی که به ضرر جریان انقلاب است پرهیز کنند.»

زاویه نگاه دیگر به این نشست حضور نداشتن برخی دیگر از چهره‌های شناخته شده جریان اصولگراست. چهره‌هایی چون حجت الاسلام سیدابراهیم رئیسی، علیرضا زاکانی، سعید جلیلی، مرتضی محمدرضا باهنر، آقاه‌تهرانی و ... که حضورشان می‌توانست پیام‌آور همدلی حداکثری در این اردوگاه باشد. حضور نیافتن‌شان در این مجمع هر چند ممکن است عوامل متعددی داشته باشد، اما حکایت از آن دارد که جریان اصولگرا برای رسیدن به همگرایی و ائتلاف

حداکثری، هنوز کار دشواری در پیش دارد.

## ۲. راهبرد دوم؛ ائتلاف حداقلی و حضور با چند لیست

راهبرد رسیدن به وحدت حداکثری هر چند ممکن است برای بخشی از جریان اصولگرا مطلوب باشد، اما برای بخشی دیگر نه ممکن است و نه مطلوب! از آن جهت ناممکن که دایره تفاوت‌ها و اختلاف‌نظرها در اردوگاه اصولگرایان آنقدر گسترش یافته که گاه در زیر یک سقف نمی‌گنجند و از آن جهت نامطلوب که جمع کردن این همه اختلاف نظر در یک جا، معطوف به کارآمدی و پیشبرد امور نخواهد بود.

لذا جریانی معتقد است که این دایره فراخ چندان هم اصولگرایانه نیست و به دنبال خالص‌گرایی درون‌گفتمانی، معتقد به ارائه لیست واحد است. این نگاه با نقد آنچه در گذشته شکل گرفته معتقد است، حاصل این نگاه ائتلافی تقلیل‌معدل نمایندگان جریان اصولگرا در مجلس و رفتن افرادی به مجلس است که نام اصولگرایی برای آنها نام با مسمایی نیست.

ضمن آنکه منطق بستن لیست‌ها نیز منطق سهم‌خواهانه‌ای است که با رویکرد شایسته‌سالاری در تنافی بوده و حاصل آن ضعف‌هایی است که در ادوار مجالس گذشته به مجلس انقلابی و اصولگرایی وارد شده است. همچنین در همین سهمیه‌بندی بستن لیست‌ها نیز انصاف و عدالت رعایت نشده و برخی احزاب و گروه‌ها از سهم بیشتری برخوردار بوده و حق برخی گروه‌ها ضایع می‌شود.

ضمن آنکه همواره وجود رقیب و توان آن بزرگنمایی شده تا به زور مسیر ائتلاف هموار شود و بخشی از کارآمدان به حاشیه رانده شوند، در حالی که منطقی آن است که در زمانی که رقیبی جدی وجود ندارد، فضای رقابت آزاد و منصفانه فراهم شود تا مردم به راحتی به گزینه مطلوب مدنظر خود رأی دهند.



پیشگام این ایده جبهه پایداری است که در این دوره از انتخابات نیز احتمالاً بر همین مبنا عمل کرده و بعید است که در کنار مبنا و دیگر اضلاع اصولگرایان قرار گیرد. بزرگان ایشان همچون صادق محصولی و مرتضی آقاههرانی نیز در آن نشست مبنا حاضر نبودند.

در کنار جبهه پایداری، شورای مرکزی شبکه راهبردی یاران انقلاب اسلامی (شریان) قرار دارد که به لحاظ فکری همسوی با جبهه پایداری هستند، اما به لحاظ تشکیلاتی اختلاف داشته و برخی از آنها از جبهه پایداری جدا شده‌اند. با محوریت افرادی چون مهرداد بذرپاش، امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، سید محمود نبویان، حمید رسایی، سیدمهدی هاشمی و ... که این مجموعه نیز حرکت مستقل خود را دنبال خواهد کرد و ائتلاف برای آنها حداکثر در کنار هم قرار گرفتن با جبهه پایداری معنا خواهد داشت.

از دیگر اضلاع اصولگرایی که تا امروز فاز مستقل خود را داشته و حاضر به همگرایی با جریان مبنا نیست، جبهه وحدت اصولگرایان است. این شورا که پس از نارضایتی از تصمیمات شورای ائتلافی در انتخابات ۹۸ شکل گرفت، با محوریت قرار دادن جایگاه جامعه روحانیت مبارز تهران و با حضور آیت‌الله موحدی کرمانی در آبان ۱۳۹۹ شکل گرفت. این شورا در ماه اخیر کارهای تشکیلاتی خود در سراسر کشور را راه‌اندازی کرده و احتمالاً از آذرماه با صدای بلندتری در انتخابات حاضر خواهد شد. در این گروه چهره‌های فعالی چون مصطفی پورمحمدی و منوچهر متکی و ... حضور دارند و در نشست مبنا نیز حاضر نبودند. هر چند ممکن است در نهایت با توجه به شرایط پیش روی انتخابات به ائتلاف با دیگر اضلاع اصولگرایی برسند، اما تاکنون بر ارائه لیست مستقل واحد تأکید دارند.

همین ملاحظات است که بستر برای طرح برخی اظهارنظرات در مورد

آرایش پیشانتخاباتی این جریان را فراهم آورده است. برای نمونه، ابوالفضل حسن بیگی، فعال اصولگرا و نماینده ادوار مجلس گفته است: «در نبود رقیب، شواهد و قرائن نشان می‌دهد که جریانات اصولگرا اختلاف پشت پرده با هم دارند بنابراین اصولگرایی در حال پوست‌اندازی است و پیش‌بینی می‌شود که سه فهرست انتخاباتی از این جریان بیرون بیاید.»

به هر حال باید منتظر بود تا دیدارها و نشست‌ها و تعاملات درون اردوگاهی این جریان چگونه آینده پیش رو تا اسفندماه را رقم خواهد زد.

### ۳. اهداف فعالیت انتخاباتی

نکته قابل توجه آنکه طرفداران هر دو راهبرد، به اصولی مشترک در انتخابات پایبند هستند و تفاوت‌ها در راهکارها و چگونگی فعالیت انتخاباتی است. لذا اهداف زیر را برای فعالیت انتخاباتی این جریان می‌توان برشمرد:

#### ۳.۱. تلاش برای تحقق انتخابات مطلوب: جریان انقلابی افزون بر

دغدغه‌های حزبی و جناحی، رسالت خود می‌داند تا از منظری بالاتر به انتخابات نگاه کرده و برای تحقق انتخابات مطلوب نیز تلاش کند. در این نگاه ویژگی‌های انتخابات مطلوب از سوی امامین انقلاب ترسیم شده است. انتخاباتی که: ۱. با مشارکت حداکثری مردم رقم بخورد، ۲. در کمال امنیت برگزار شود، ۳. در سلامت کامل برگزار شود و از رأی مردم صیانت شود، ۴. در چارچوب قانون محقق شود، ۵. رقابتی بوده و همه جریان‌های وفادار به جمهوری اسلامی و قانون اساسی و رهبری انقلاب در آن مشارکت داشته باشند، ۶. رقابت‌های انتخاباتی مبتنی بر موازین اخلاقی شکل بگیرد، ۷. و سرانجام آن به قدرت رسیدن شایستگان به صندلی قدرت باشد.

#### ۳.۲. به دست گرفتن مجلس: بدون شک هر بازیگر سیاسی به دنبال

دستیابی به صندلی قدرت است تا نظام سیاسی را مبتنی بر مسیری که خود قبول دارد، به پیش ببرد. جریان اصولگرا هم با همه توان برای پیروزی در انتخابات به میدان آمده است؛ تا ضمن آنکه پرچم اصولگرایی را در کشور و مجلس بالا و محفوظ بدارد، مجلسی را رقم بزند که بتواند همسوی با دولت انقلابی مشکلات کشور را مرتفع کند.

### ۳.۳. عبور از فتنه ۱۴۰۱:

جریان انقلابی در تلاش است تا با برگزاری انتخاباتی با مشارکت حداکثری، نظام را در موقعیتی قرار دهد که از عبور کامل از فتنه مهسا حکایت دارد. از نگاه این جریان هر چند حضور باشکوه ملت در راهپیمایی ۲۲ بهمن سال ۱۴۰۱، به خوبی پایانی بر فتنه پیشین بود؛ اما میزان مشارکت بالای مردم در اولین انتخابات پسافتنه در اسفندماه امسال، ضربه نهایی را بر پیکره نحیف فتنه خواهد زد.

### ۳.۴. جلوگیری از به قدرت رسیدن جریان سکولار: جریان

اصولگرا مرز هویتی خود را با جریان اصلاح طلب در اعتقاد به اسلام سیاسی و اعتقاد به اسلام غیرسیاسی تعریف کرده است. این جریان معتقد است، جریان اصلاح طلب به دنبال تحقق اسلام سکولار در کشور است و دیگر اعتقاد راسخی به خط امام و اسلام سیاسی ندارد. لذا جلوگیری از افتادن مجلس دوازدهم به دست سکولارها، یکی دیگر از اهداف این جریان است که با همه توان برای تحقق آن تلاش می کند. در جمع بندی اهداف انتخاباتی اصولگرایان می توان به این کلام آقای حداد عادل در همایش مبنا استناد کرد که می گوید: «هدف نهایی ما پیروزی نیست و هدف ما تلاش برای حل مشکلات مردم است. باید برای افزایش مشارکت بالا باید به دنبال مجلس انقلابی باشیم مجلسی که در خدمت انقلاب باشد مجلسی باید به دور از شعار زدگی باشد و مجلس باید به گرانی ها

تورم و مسکن کمک کنند.»

**۳.۵. تضمین ریاست جمهوری چهاردهم:** یکی از اهداف انتخاباتی اصولگرایان، تداوم دولت انقلابی در ۱۴۰۴ است. بدون شک این مسیر از طریق پیروزی در انتخابات ۱۴۰۲ ممکن و هموار خواهد شد. شکست در این انتخابات عزم رقیب برای موفقیت در آن انتخابات را نیز جزم خواهد کرد و کار را برای اصولگرایان دشوار خواهد کرد.

#### **۴. تاکتیک‌های انتخاباتی - اقدامات عملیاتی**

اصولگرایان برای موفقیت در انتخابات و تحقق مشارکت حداکثری و به قدرت رسیدن آنکه از نگاه خود کاندیدای اصلح می‌دانند، اقدامات عملیاتی و تاکتیک‌های انتخاباتی زیر را به خدمت خواهند گرفت:

##### **۴، ۱. تلاش برای وحدت و ائتلاف**

شاید فوری‌ترین و با اولویت‌ترین مسئله جریان اصولگرایی، تلاش برای وحدت باشد. در روزهای آتی همه تلاش این جریان بر ائتلاف وسیع و گسترده متمرکز خواهد شد. اختلافات باید رفع شده و سازوکاری باید طراحی شود که حاصل آن ائتلاف حداکثری باشد. ممکن است در نهایت گروه‌هایی بیرون بمانند و حاضر به همراهی نشوند، اما باید تا جای ممکن برای ائتلاف حداکثری تلاش کرد. حجت‌الاسلام تقوی به عنوان چهره شناخته شده سیاسی در این اردوگاه در جلسه مبنا تأکید داشت: «باید در دفاع از حق و حقیقت باید همه با هم باشیم تا بتوانیم به نتیجه برسیم. پس رمز موفقیت و اثرگذاری این است که در کنار هم باشیم و با جمع حرکت کنیم.»

##### **۴، ۲. تلاش برای پاسخگویی و ارائه کارنامه**

جریان اصولگرایی تلاش خواهد کرد تا در ماه‌های باقی مانده به انتخابات،

گزارشی از کارنامه و عملکرد مجلس یازدهم برای افکار عمومی ارائه دهد و به سؤالات و شبهات پاسخ داده و تا آنجایی که ممکن است، اذهان را نسبت به عملکردها متناسب با بضاعت ها تنظیم کند. برای نمونه ذهنیت جامعه نسبت به وعده‌هایی که نمایندگان مجلس در رقابت‌های انتخاباتی و پس از شکل‌گیری مجلس در همان روزهای اولیه داده‌اند، از جمله مواردی است که به پاشنه آشیل اصولگرایان بدل شده است. این در حالی است که به گفته رئیس مجلس: «در ماه‌های آغاز مجلس یازدهم، در مرداد ماه سال ۱۳۹۹ طی اولین مصاحبه تلویزیونی خود، نقشه راهی را برای مردم تشریح کردم و امروز که ۳ سال از عمر این مجلس گذشته بیش از ۸۰ درصد قول‌هایی که دادیم به قانون تبدیل شده است.»

ارائه گزارشی از تصویب قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها، اصلاح قانون بانک مرکزی، حمایت مجلس از اشتغال‌زایی، تصویب قانون بیمه همگانی رایگان و ... مواردی هستند که اگر درست تشریح شده و فواید و برکات آن برای برای جامعه تشریح شود، می‌تواند در ترغیب افکار عمومی به این جریان مؤثر باشد.

### ۳، ۴. بازخوانی گذشته رقیب سیاسی و مقایسه کارنامه‌ها

تقابل اصولگرایی و اصلاح‌طلبی، تقابل دیروز و امروز نیست و بیش از سه دهه در انتخابات‌های مختلف این دو جریان در برابر هم قرار گرفته‌اند و اینگونه نبوده که کارنامه عملکردی آنان نامعلوم باشد. چهارسال بیشتر از تسلط اصلاح‌طلبان بر مجلس دهم نمی‌گذرد با کارنامه معلومی که از نگاه اصولگرایان قابل مقایسه با عملکرد مجلس یازدهم نیست. بدون شک در این انتخابات مقایسه مجلس اصولگرا و اصلاح‌طلب با صدای بلند توسط اصولگرایان بازخوانی خواهد شد تا رقیب فرصت نکند با بزرگنمایی ضعف‌های مجلس یازدهم، خود را توانمند

جلوه دهد!

همین مقایسه را می‌توان میان دولت سیزدهم و عملکرد دولت یازدهم و دوازدهم رقم زد تا فرق زمانی که اصولگرایان بر مسند قدرت بودند و زمانی که اصلاح‌طلبان ترک تازی می‌کردند برای اذهان عمومی مشخص شود.

#### ۴،۴. رمزگشایی از راهبرد دشمن برای تحریم انتخابات

بخشی از سیاست رسانه‌ای اصولگرایان معطوف به بررسی پشت پرده خطی خواهد شد که علنا از تحریم انتخابات سخن می‌گوید. خطی که آشوب و بلوا را دنبال کرده و می‌خواهد کاری کند که ایران را چندپاره و ایرانی را متفرق و در برابر هم ببیند! همان خطی که در تلاش است تا فردای کاهش مشارکت، بار دیگر اغتشاشات را در این کشور کلید زده و آرامش و امنیت زندگی ایرانیان را بگیرد. رمزگشایی از سیاست‌های دشمن برای فردای ایران بدون شک در این انتخابات زیاد شنیده خواهد شد.

## گفتار نهم: اصلاح طلبان در انتخابات

اردوگاه اصلاح طلبان را باید ضلع دوم بازیگران انتخابات دانست که در ماه‌های اخیر تلاش داشته‌اند تا نسبت خود را با رخداد مهم ۱۴۰۲ مشخص کنند. در این نگاه بین اعتدالیون و اصلاح طلبان تفاوتی قائل نشده‌ایم و همه را در یک قالب تحلیلی بررسی کرده‌ایم.

### ۱. مسائل و مناقشات پیش‌رو

اصلاح طلبان در مواجهه با انتخابات ۱۴۰۲ با چالش‌ها و مسائل پرابهامی مواجه هستند که کار را برای فعالیت مؤثر آنان دشوار کرده است.

#### ۱، ۴. چالش هویت (ابهام در هویت اصلاح طلبی)

اصلاح طلبان مدت‌های مدیدی است که دچار بن‌بست تئوریک و سردرگمی‌های ایدئولوژیک هستند و حتی در تعریف چستی اصلاح طلبی و

اصلاح‌طلبان ناکام مانده‌اند. اینکه اصلاح‌طلبی چیست؟ اصلاح طلب کیست؟ و اصلاح‌طلبان چگونه می‌اندیشند؟ سولاتی است که در سال‌های اخیر تعریف مشخصی برای آن از جانب اصلاح‌طلبان ارائه نشده است. از زمان ارائه تعاریف ناظر به دوران حاکمیت دولت اصلاحات بیش از دو دهه می‌گذرد و بخش قابل ملاحظه‌ای از هواداران و بدنه اجتماعی آن دوران را درک نکرده‌اند. شرایط سیاسی - اجتماعی نیز دستخوش تحولات اساسی شده است که آن تعاریف دیگر پاسخگوی ضرورت‌های امروز نیست!

این بن‌بست به دلیل آن است که در دو راهی‌های دشواری سردرگم مانده‌اند. از یک سو تلاش دارند تا خود را در درون نظام تعریف کنند و از سوی دیگر دل در گرو بیرون نظام دارند! از یک سو برای تقویت قدرت‌شان در معادلات سیاسی به‌دنبال گسترش دایره هوادارانی هستند، از آن سو مرزهای خود را با اپوزیسیون آنقدر گشاد کرده‌اند که نفوذ چهره‌های مشکوک، انسجام داخلی و تعریف هویتی آنان را دچار معضل کرده و از قدرت حزبی آنان کاسته است.

مرزهای هویتی با آمیختگی اصلاح‌طلبان با فتنه‌گران و ضدانقلاب و اپوزیسیون و ... کاملاً بر هم ریخته است. ائتلاف و هم آمیختگی اصلاح‌طلبان و اعتدالیون نیز بر بحران هویت اردوگاه اصلاح‌طلبان افزوده است. از سال‌ها پیش غلامحسین کرباسچی در کلامش اظهار کرده است که: «اولین و بزرگ‌ترین مشکل اصلاحات، مشکل هویتی است. این مسئله ریشه در امروز و دیروز ندارد؛ اصلاحات از اولین روز نتوانست یا نخواست تعریفی کامل از خود ارائه کند؛ به این معنی که بیان کامل و جامعی از اهداف خود و اینکه می‌خواهد چه کارهایی را انجام دهد... اگر یک جریان سیاسی می‌خواهد مقابل حوادث سیاسی اجتماعی واکنش نشان بدهد و تصمیم‌گیری کند ابتدا باید مبانی هویتی خود را تعریف کند؛ به نظر می‌رسد که اصلاحات و اصلاح‌طلبان در این ۲ دهه خود را تعریف



نکرده‌اند.» محمدرضا تاجیک نیز اعتراف کرده بود: «اصلاح‌طلبان را دچار نوعی سترونی و نازایی می‌بینم.» این معضل امروز تشدید شده است.

## ۴،۲. چالش مرزبندی (ابهام در مرزهای اصلاح‌طلبی)

فقدان مرزبندهای سیاسی، یکی از عواملی است که می‌تواند جریان‌های سیاسی را دستخوش استحاله و بی‌اعتباری هویتی کند و اردوگاه‌های سیاسی را تا مرز فروپاشی پیش برد. گفتمان‌ها در فرآیند غیریت‌سازی شکل می‌گیرند و اندیشه‌ای که نتواند مرزهای خود را با اندیشه رقیب تعریف کند، محکوم به آمیختگی هویتی و الیناسیون تدریجی است.

در برخی از مقاطع تاریخی در این سرزمین شاهد تغافل‌هایی از این قبیل بوده‌ایم که کار به فروپاشی و استیصال جریان‌های سیاسی انجامیده است. اصلاح‌طلبان از جمله این جریان‌های سیاسی هستند که در سال‌های اخیر هیچ‌گاه تلاش نکردند تا مرزبندی‌های هویتی خود را با براندازان و استحاله‌طلبان مشخص کنند. این جریان که خود را خط امام تعریف می‌کرد و جریان مقابل خود را مخالف خط امام، تنها مرزبندی خود را با نیروهای سیاسی درون انقلاب پررنگ کرده است. اما از سویی دیگر که اتفاقاً با جریان‌های سکولار و آنهایی که اعتقادی به اسلام سیاسی و انقلابی نداشتند، مجاور بود، اما تلاش مشخصی برای مرزبندی هویتی با آنان نکرده است.

همین امر موجب شده در دو دهه اخیر در موارد متعددی آگاهانه یا ناآگاهانه، برنامه‌ریزی شده یا نشده، در بازی مشترکی با آنان قرار گیرد. از حوادث سال ۱۳۸۸ و فتنه عمیق آن سال گرفته تا بلوایی که در پاییز سال گذشته به راه افتاد (و اصلاح‌طلبان نیز آتش بیار آن معرکه شدند!) آنها در کنار کسانی قرار گرفتند که به آرمان‌های حضرت امام(ره) و همه باورهای این انقلاب و ملت توهین کردند! و حتی شعار «اصولگرا، اصلاح طلب دیگه تمام ماجرا» سر دادند!

اما اصلاح‌طلبان در خوشبینانه‌ترین حالت «سکوت» کردند و در واقعی‌ترین حالت ضمن همسویی با آنان تلاش برای بزرگنمایی ماجرا کردند و اجازه دادند تا دروغ‌های رسانه‌ای جنگ شناختی دشمن بر ذهن‌ها بنشیند و افکار عمومی ناآگاه را متاثر کند! و این درحالی بود که اگر این جریان حاضر می‌شد مرزهای هویتی خود را با ضدانقلاب پررنگ کند، باید در جنگ شناختی آغاز شده سهمی را بر عهده می‌گرفت و در برابر دروغ‌های تزریق شده، تبیین و روشنگری می‌کرد و مشت دروغ‌گویان و مافیای اغوا و فریب را باز می‌کرد!

### ۳، ۴. چالش استحاله و دگرذیسی

استحاله و بازاندیشی، آفتی است که جریان رادیکال اصلاح‌طلب و حتی میانه‌روهای‌شان به آن مبتلا شده‌اند. این روزها رنگ و بوی چرخش‌های ۱۸۰ درجه‌ای را می‌توان در گفتار طیفی از اصلاح‌طلبان از سعید حجاریان تا حسین مرعشی مشاهده کرد. در این اردوگاه تفاوت بر سر اصل دگرگونی نیست، بر سر جهت آن است. یکی از جایگزینی اسلام انقلابی با سکولاریسم سخن می‌گوید و دیگری از جایگزینی با ملی‌گرایی!

به تازگی مصاحبه‌ای از دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی انتشار یافته که حاوی مطالب قابل تأملی است که نیازمند نقد و بررسی پرحوصله‌ای است که در این نوشتار نمی‌گنجد؛ اما آنچه در روح آن مصاحبه قابل مشاهده است، استحاله پیشرفته‌ای است که با صراحت به آن اشاره شده است. او اعلام می‌دارد: «ایدئولوژی امروز کشور باید ملی‌گرایی باشد. ملی‌گرایی باید جایگزین نگاه‌های افراطی اسلام‌گرایانه شود.»

اظهاراتی از این قبیل متعلق به معدود افراد رادیکال این طیف نیست و بارها در سال‌های اخیر از سوی فعالان این اردوگاه با ادبیات مختلف اظهار شده است و این امر یکی از پارادوکس‌هایی است که کار برای این جریان را در

چارچوب قانون اساسی و انتخابات دشوار کرده است!

#### ۴،۴. چالش مقبولیت (از دست دادن پایگاه اجتماعی)

سردرگمی‌های گفتمانی و کلامی بزرگان اصلاح‌طلب، ناکارآمدی‌های ثبت شده از سوی دولت مورد حمایت این جریان، برآورده نشدن شعارهای اصلاح‌طلبی و ... حاصلی جز ریزش هواداران و تضعیف پایگاه اجتماعی این اردوگاه نداشته است. روندی که از سالیان پیش کلید خورده است. صادق خرازی در آستانه انتخابات سال ۱۳۹۸ و ماه‌های پایانی دولت آقای روحانی گفته بود: «ما در حال ریزش طرفداران خود در کشور هستیم. ما به دلیل مشکلات زیادی که مردم دارند، در حال ریزش پایگاه اجتماعی خود هستیم.» صادق زیباکلام همان زمان اعتراف کرد: «این بلا را نه اصولگرایان و نه شورای نگهبان بر سر این طیف سیاسی آوردند، بلکه این موضوع مرتبط با آقای روحانی است و بنده ایشان را مسئول می‌دانم!»

تعریف پایگاه اجتماعی در میان طبقات متوسط و بالای جامعه و ناتوانی از ارتباط‌گیری با طبقات محروم جامعه و نداشتن حرف‌هایی برای شنیدن توسط این قشر مؤثر از جامعه نیز از جمله عواملی است که پایگاه اجتماعی این جریان را تضعیف کرده است و معلوم نیست کدام تیپ جامعه امروز همسو با بزرگان این جریان عمل می‌کنند.

#### ۴،۵. چالش کارآمدی (کارنامه ضعیف و غیرقابل دفاع)

از آخرین باری که اصلاح‌طلبان قدرت را در دست داشته‌اند بیش از دو سال و چندماه نمی‌گذرد! هنوز بخش عمده‌ای از جامعه خاطرات تلخ آن روزها را فراموش نکرده‌اند و به خوبی به یاد دارند که ناکارآمدی دولت روحانی و شکست سیاست‌های حکمرانی وی چگونه کشور را در چالش قرار داده و شرایط زندگی مردم را سخت کرد. از باغ وعده داده شده برجامی وی نیز خبری نشد و

شاخص‌های زندگی مطلوب روز به روز سیر نزولی یافت. عملکرد مجلس دهم که با پیروزی لیست امید به سرانجام رسید نیز نتوانستند انتظارات را بر آورده سازد. لذا اصلاح‌طلبان در کسب کارآمدی، کارنامه قابل قبولی در یک دهه اخیر نداشته‌اند و این کارنامه هنوز در برابر چشمان جامعه است و به وادی فراموشی سپرده نشده است و هر نوع بازخوانی از آن احوال اصلاح‌طلبان را بد می‌کند!

۴/۶. **چالش انسجام و همگرایی** (ناکامی و ناتوانی در مدیریت

واحد اردوگاه اصلاح‌طلبی)

اردوگاه اصلاح‌طلب مدت مدیدی است که اوضاع سامانی ندارد. پس از ناکامی در انتخابات ۱۳۸۴ و میدان‌دار شدن طیف رادیکال این اردوگاه در سال ۱۳۸۸ که در قالب «فتنه سبز» خودنمایی کرد، آشفتگی بازی بر این اردوگاه سایه انداخته است که تا به امروز نشانه‌هایش قابل مشاهده است. هر چند موفقیت در انتخابات ۱۳۹۲ که محصول عبرت‌آموزی از ناکامی سیاست رادیکال‌های تحریمی در انتخابات اسفندماه سال ۱۳۹۰ و آشتی با صندوق رأی بود، توانست موجب همگرایی نسبی این اردوگاه در حمایت از دولت یازدهم و دوازدهم شود، اما عدم رضایت نسبی از عملکرد دولت اعتدال موجب شد تا واگرایی‌های این جریان عملاً در انتخابات ۱۴۰۰ مجدداً سر باز زند و به ناکامی آنان بینجامد.

یکی از معضلات موجود در اردوگاه اصلاح‌طلبی تضعیف هسته مرکزی و جایگاه سران و بزرگان این جریان، و افول اثرگذاری ساختارها و مجموعه‌هایی است که روزگاری حرف آخر را در این اردوگاه می‌زدند.

جبهه اصلاح‌طلبان در ماه‌های اخیر تلاش کرده تا سازمان خود را منسجم کند و «جبهه اصلاحات ایران» ترکیب ۱۵ نفره خود را شناخته است. این افراد چهره‌های شناخته شده‌ای هستند که بخشی از آنها از سال ۱۳۹۹ به بعد در این ترکیب بوده‌اند و برخی دیگر چهره‌های جوان‌تری هستند که به تازگی وارد

کارزار سیاست در تراز عضویت در شورای مرکزی جبهه اصلاحات شده‌اند و خانم آذرمنصوری را به عنوان رئیس این جبهه معرفی کرده‌اند، اما اخبار موجود حکایت از اختلافات جدی در این جبهه دارد و حتی رئیس پیشین آن بهزاد نبوی نیز از منتقدان منصوری به حساب می‌آید. به واقع چند دستگی و آشفته‌بازاری اردوگاه اصلاح‌طلبان در انتخاب رئیس این مجموعه نیز بازتاب داشته است و بین طیف ساختارشکن و رادیکال از یکسو و طیف میانه رو و محافظه‌کار از سوی دیگر اختلافات جدی است.

#### ۴،۷. چالش رهبری

سال‌ها پیش محوریت و مدیریت افرادی چون سیدمحمدخاتمی، موسوی خوئینی‌ها، مهدی کروبی و اکبر هاشمی رفسنجانی، موجب انسجام نسبی اردوگاه اصلاح‌طلبان بود. اما مدت‌های مدیدی است که این محوریت بی‌اعتبار شده و کار سامان‌بخشی به این اردوگاه را دشوار کرده است. هرچند سناریوی عبور از خاتمی از همان دولت دوم اصلاحات توسط جریان رادیکال دانشجویی این جریان کلید خورد، اما همچنان تا شکل‌گیری دولت روحانی نیز این اعتبار برای بزرگان این جریان پابرجا بود. اما گذر زمان، فوت هاشمی رفسنجانی، به حصر رفتن مهدی کروبی، کهولت سن و انفعال موسوی خوئینی و بی‌اعتباری روزافزون خاتمی، عملاً بزرگان این جریان را به محاق برد و کار را برای سامان‌دهی به این اردوگاه دشوار کرد.

#### ۴،۸. چالش رادیکالیسم

یکی از معضلاتی که سال‌های اخیر دامنگیر اردوگاه اصلاح‌طلبان شده، رشد رادیکالیسم در این جریان است. رخدادهای سال‌های اخیر از نقش‌آفرینی در فتنه ۸۸ تا همسویی با بلوای پاییزی ۱۴۰۱، بر حیرت و سردرگمی و رادیکالیزه شدن بیشتر این اردوگاه افزوده است و آنها را در وضعیت افراطی‌گری قرار داده

است.

این وضعیت حاصلی جز رونق رادیکالیسم و تندروی و افول عقلانیت و تدبیر به همراه نداشته است. نشانه برجسته رشد رادیکالیسم در اصلاح‌طلبان را می‌توان در تغییرات صورت گرفته در صدر شورای اصلاح‌طلبان مشاهده کرد که چطور با کنار گذاشتن محمدرضا عارف و بهزاد نبوی، امور به دست دبیرکل حزب تندروی این جریان افتاده است. فردی که انتخابش موجب تشدید اختلافات و واگرایی‌ها شده و صدای بخش عمده‌ای از احزاب اصلاح طلب از کارگزاران تا اعتماد ملی و ... را در آورده است! گزینه‌ای که صلاحیتش به دلیل سابقه محکومیت قضایی در کمیسیون ماده ۱۰ احزاب رد شده است!

شکل‌گیری چنین روندی به دلیل آن است که اصلاح‌طلبان در دو راهی‌های دشواری سردرگم مانده‌اند. از یک سو تلاش دارند تا خود را در درون نظام تعریف کنند و از سوی دیگر دل در گرو بیرون نظام دارند! از یک سو برای تقویت قدرت‌شان در معادلات سیاسی به دنبال گسترش دایره هواداران خود هستند، از آن سو مرزهای خود را با اپوزیسیون آنقدر گشاد کرده‌اند که نفوذ چهره‌های مشکوک، انسجام داخلی و تعریف هویتی آنان را دچار معضل کرده و از قدرت حزبی آنان کاسته است.

## ۲. فرصت‌ها و ظرفیت‌ها

اصلاح‌طلبان نیز همچون اصولگرایان در کنار ضعف‌ها و چالش‌ها، با قوت‌ها و فرصت‌هایی مواجه هستند که می‌تواند به رمز موفقیت آنان در انتخابات آتی بدل شود.

### ۴،۱. توانایی همگراسازی و وحدت

اصلاح‌طلبان هر چند دارای اختلاف نظرات متعددی چه در سطح راهبرد

و چه در سطح تاکتیک هستند، اما فراموش نباید کرد مطابق با آنکه حافظه تاریخی مان یادآور می‌شود، خیلی راحت‌تر از رقیب سیاسی خود توان ائتلاف را داشته و خواهند توانست در دقیقه ۹۰ به گزینه واحد و لیستی مشترک برسند. اوج این ائتلاف و همگرایی را می‌توان در انتخابات ۱۳۹۲ مشاهده کرد که حاضر شدند برای پیروزی در انتخابات محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهور دولت اصلاحات را کنار گذاشته و از حسن روحانی حمایت کنند و در کمال ناباوری پیروز انتخابات شوند! این مهار امروز نیز برای آنان همچنان باقی است و به مثابه قوتی در بزنگاه می‌توان به کارشان آید.

#### ۴،۲. اتخاذ ژست اپوزیسیون و بیرون بودن از حاکمیت

با توجه به شرایط دشوار معیشتی جامعه، این جریان این ظرفیت را دارد تا خود را بیرون از حاکمیت تعریف کرده و رقیب سیاسی را بنیان وضع موجود معرفی کند. هر چند حقیقت امر آن است که بخش عمده‌ای از مشکلات امروز جامعه محصول بی‌تدبیری‌هایی است که دولت مورد حمایت آنان در طول هشت سال رقم زده است، اما آن جریان با بهره‌جستن از ضعف حافظه تاریخی جامعه، تلاش دارد تا خود را در شکل‌گیری وضع موجود بی‌تقصیر معرفی کرده و بدین نحو پرچمداری انتقاد به وضع موجود را خود بر عهده بگیرد و به سیاه‌نمایی علیه جریان انقلابی پرداخته و امید را از جامعه بگیرد و در فازی دیگر خود را به مثابه منجی معرفی کند.

#### ۴،۳. در اختیار داشتن رسانه

این جریان هر چند رسانه ملی را در اختیار خود نمی‌بیند، اما بسیاری از پلتفرم‌های رسانه‌ای همچون فیلمو، فیلم‌نت و ... را به ابزاری برای فعالیت سیاسی خود بدل کرده است. بخشی عمده‌ای از فیلم‌هایی که در سینمای خانگی اجازه اکران گرفته است، فیلم‌هایی است که مقوم پایگاه اجتماعی و سبک زندگی مورد

علاقه اصلاح‌طلبان محسوب می‌شود و این جریان به آن به مثابه یک فرصت نگاه می‌کند.

این را در کنار مطبوعات رنگارنگی چون شرق، سازندگی، اعتماد و ... و سایت‌هایی چون خبرآنلاین، جماران، انتخاب، اعتماد و ... ببینید که دست این جریان را در حوزه رسانه باز کرده است.

#### ۴،۴. در اختیار داشتن فضای مجازی

فضای مجازی از پیام‌رسان‌های خارجی همچون تلگرام، واتساپ و ... گرفته تا شبکه‌های اجتماعی چون اینستاگرام، توئیتر، فیس‌بوک و ...، بستری است که به فرصتی برای جولان اصلاح‌طلبان تبدیل شده و در عرصه انتخابات نیز بستری مناسب برای بهره‌برداری این جریان به حساب می‌آید.

#### ۴،۵. ظرفیت سلبریتی‌ها

تحولات دنیای مدرن و عصری که می‌توان آن را حاکمیت عصر رسانه‌های نوین نامید، به شکل‌گیری گروه‌های مرجع جدیدی انجامیده است که یکی از مناقشاتی است که جامعه امروز ما با آن مواجه شده و حاصل آن کاهش اعتبار گروه‌های مرجع سنتی است. در این میان شاهد قدرت گرفتن سلبریتی‌های هنری و ورزشی نزد جوانان و جامعه هستیم. اصلاح‌طلبان در این معرکه توانسته‌اند بیش از رقیب سیاسی‌شان از سلبریتی‌ها استفاده کنند و شعارها و مطالبات سیاسی‌شان را از این طریق دنبال کنند. فرصتی که بدون شک در عرصه انتخابات نیز کمک‌یار این جریان قرار خواهد گرفت.

#### ۴،۶. آشنایی با ادبیات نسل جوان

تحولات سریع تکنولوژی و رسانه، فاصله نسل‌ها را زیاد کرده و چالش‌های فراوانی را در این عرصه شکل داده است. امروز این تفاوت نسلی را می‌توان بین جوانان دهه ۸۰ و دهه ۷۰ و دهه ۶۰ و پیش از آن مشاهده کرد.



تفاوت‌های فاحشی که حتی به کارگیری گسست فرهنگی را نیز مشروع می‌کند! اصلاح‌طلبان در برقراری ارتباط با نسل جدید یا آنهایی که از ایشان با عنوان «نسل ضد» یاد می‌کنند، نسبت به رقیب سیاسی خود دست برتر را دارند و همین امر کار ایشان را برای جلب جوانان و رای اولی‌ها در انتخابات هموار کرده است.

#### ۴,۷. استفاده ابزاری از شعارهای فمینیستی و زنان

فضای ایجاد شده در ماجرای فتنه ۱۴۰۱ و رواج بی‌حجابی و کشف حجاب، و تکرار شعار زن-زندگی-آزادی، هر چند اقدامی ساختارشکنانه و خروج از ارزش‌های دینی - انقلابی است که ضدانقلاب و معاندان در کشور به آن دامن می‌زنند، اما این جریان نیز به صف حامیان «نه به حجاب اجباری» پیوسته و خود را مدافع آن می‌داند. با صراحت می‌توان گفت در ماه‌های گذشته حتی یک تریبون هم از اردوگاه اصلاح‌طلبان در دفاع از فریضه شرعی حجاب برنخاسته و تلاش شده تا کشف حجاب را مشروعیت بخشند و طبیعی جلوه دهند و عادی‌سازی کنند! این جریان وضعیت ایجاد شده را به مثابه فرصتی برای تقویت پایگاه اجتماعی خود قلمداد کرده و خیلی راحت آن را در عرصه انتخاب می‌تواند خرج کند.

#### ۴,۸. استفاده ابزاری از شعار مخالفت با فیلترینگ

یکی از مناقشات پیش آمده در سال‌های اخیر که در بلوای پاییزی سال گذشته شدت یافت، مناقشه بر سر فیلترینگ اینترنت است. فضای بی‌در و پیکری که امنیت اخلاقی و سلام روان جامعه را به شدت تهدید کرده و از دیگر سو به ابزاری برای تهدید و تضعیف امنیت ملی بدل شده و جولانگاه سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه شده است! اصلاح‌طلبان در این میان خود را مخالف فیلترینگ معرفی کرده و تلاش دارند تا از این نگاه خلاف امنیت ملی به ابزاری برای کاسبی و تقویت پایگاه اجتماعی خود بهره‌برداری کنند.

### ۳. راهبردهای انتخاباتی و اضلاع اصلاح‌طلبی

اصلاح‌طلبان در مواجهه با انتخابات دیدگاه یکپارچه‌ای ندارند. این اردوگاه که مدت‌های مدیدی است از افتراق و واگرایی و نابسامانی اردوگاهی رنج می‌برد، در چگونگی مواجهه با انتخابات پیش رو نیز با دیدگاه‌های متعارضی مواجه است.

#### ۴،۱. راهبرد اول: قهر و تحریم انتخابات (سیاست خانه - خیابان)

سیاست قهر و تحریم انتخابات، راهبردی است که اصلاح‌طلبان رادیکال همسو با براندازان و ضدانقلاب برای مواجهه با انتخابات در پیش گرفته‌اند. آنان مدعی‌اند که

اولاً؛ جامعه دیگر اعتمادی به تغییر از طریق صندوق رأی ندارد، لذا در انتخابات شرکت نمی‌کند.

ثانیاً؛ حاکمیت و نظام سیاسی زمینه را برای حضور اصلاح‌طلبان هموار نمی‌کند و با سیاست‌های «خلوص گرایانه» به یکدستی حاکمیتی می‌اندیشد و در این مسیر پیش‌داورانه معتقدند شورای نگهبان چهره‌های شناخته شده اصلاح‌طلب را ردصلاحیت خواهد کرد. لذا خیری برای این جریان در حضور در انتخابات وجود ندارد!

ثالثاً؛ مشارکت را کار عبثی می‌دانند که معطوف به نتیجه‌ای نخواهد بود و معتقدند در این کارناوال از پیش تعیین شده انتخابات (بخوانید انتصابات) دلق بازی نباشند و ملعبه دست انحصارگرایان و خالص سازان در انتخاباتی نمایشی قرار نگیرند! سعید حجاریان می‌گوید: «اصلاح‌طلبان انتخابات را تحریم نمی‌کنند، اما دیگر دست به کار عبث نمی‌زنند، چون التفات پیدا کرده‌اند قانون کاغذ است و قدرت پشت قانون و مجری آن اهمیت فراوان دارد. از جمله کارهای عبث

تشکیل فراکسیون ۱۰ نفره در اتمسفر دولت آقای رئیسی است.»

محمد توسلی، دبیرکل نهضت آزادی که امروز باید آنها را نیز عضوی از اردوگاه بی در و پیکر اصلاح طلبان رادیکال دانست، در گفت‌وگویی اعلام داشته است: «آیا این انتخابات در راستای منافع ملی است یا نمایش انتخابات است؟! ما نمی‌خواهیم تنور انتخابات را برای کسانی که در راستای منافع ملی عمل نمی‌کنند گرم کنیم.»

این جریان مرحله پیش ثبت نام انتخابات را به نحوی با تحریمی پنهان مواجه کرده و هیچ تلاشی نکرد تا منسوبان شناخته شده‌شان در مرحله پیش ثبت نام انتخاباتی حاضر شوند و به استقبال انتخابات بروند! لذا بخش عمده‌ای از چهره‌های شناخته شده این جریان در انتخابات نام‌نویسی نکرده‌اند. (هر چند در کنار این ده‌ها تن از افراد کمتر شناخته شده، اما همسو با این جریان در انتخابات حاضر هستند.)

نکته تأسف برانگیز آنکه طیف قهری و تحریمی، نه تنها خود در انتخابات شرکت نمی‌کند، بلکه با القای یاس و ناامیدی تلاش دارد تا هواداران و افکار عمومی را نیز به ترک انتخابات دعوت کند! رسانه‌های وابسته به آنها تلاش کردند تا این عدم حضور را ضریب داده و به جامعه القای ناامیدی و بی‌رغبتی به انتخابات کنند! در حالی که بخش عمده‌ای از این افراد دیگر به ورشکستگان سیاسی تبدیل شده‌اند که نزد افکار عمومی شناخته شده نیستند و عدم حضورشان تأثیر محسوسی بر روند انتخابات نخواهد گذاشت.

این جریان نه تنها کمکی به گره‌گشایی اذهان جامعه نسبت به انتخابات نمی‌کند، بلکه خود به عاملی برای شیوع اتهامات و دروغ‌پردازی‌ها بدل شده است! کافی است نگاهی به رسانه‌های در اختیار این جریان بیندازید تا ببینید که روزانه چند پیام و نوشته از این جریان منتشر می‌شود تا از میل مردم به انتخابات

بکاهد!

این طیف نگاه خود به سیاست را «جامعه محور» می‌داند و مدعی است باید تلاش کند تا با آگاهی‌بخشی و توانمندسازی جامعه، قدرت خود را روزافزون کند و الگوی جامعه قوی - دولت قوی را دنبال می‌کند. از این منظر رقیب درون اردوگاهی خود را به قدرت‌گرایی بدون پشتوانه اجتماعی متهم کرده که دستاوردی برای اردوگاه اصلاح‌طلبی نخواهد داشت. این ادعا در حالی است که تعریف مشخصی از جامعه محوری ندارد و بیش از آنکه برای ساختن جامعه‌ای قوی تلاش کند، تلاش دارد در اقدامی عوام‌فریبانه و پوپولیستی، سوار بر مطالبات مردم شده و در بزنگاه‌ها خود را پرچم‌دار آنان معرفی کند! همانطور که در ماجرای آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ همین سیاست موج سواری را اتخاذ کرد و آتش بیار معرکه شد!

### الف. اهداف تحریم

آنها از تداوم سیاست تحریم انتخابات به دنبال اعتبارزدایی از جمهوری اسلامی هستند و معتقدند با کاهش مشارکت، فضا برای تغییرات بنیادین در کشور فراهم خواهد شد و آنان باید با تشدید این وضعیت بستر را برای فشار بیشتر بر حاکمیت برای تغییر رفتار فراهم آورند. این جریان هر چند همچون اپوزیسیون و ضدانقلاب به دنبال براندازی نیستند، اما معتقد است می‌تواند با فشار حداکثری، حاکمیت را مجبور به تغییر رفتار کند و تغییراتی ساختاری را در کشور به سرانجام برساند. تغییراتی که نظام جمهوری اسلامی را به نظامی سکولار تبدیل کرده و همه اصولی را که مقوم حیات اسلام سیاسی - انقلابی در این کشور است، حذف و دگرگون کرده و حکومتی عرفی را جایگزین آن کند.

### ب. فعالیت احزاب تحریمی

پرچمدار تحریم انتخابات را باید حزب اتحاد ملت دانست که در ماه‌های

گذشته به طور کلی برای سردی روزافزون مجلس تلاش کرده است و هیچ تلاشی برای رونق بخشی آن انجام نداده است. احزاب دیگری چون مجمع روحانیون مبارز، و به نسبتی حزب مردم سالاری و حزب اعتماد ملی ... نیز همین مسیر را با شدتی کمتر دنبال کرده و برای فعال سازی انتخابات اقدامی نکرده اند و سیاست قهر و انزوا را در پیش گرفته اند و حداکثر برخی از منسوبان آنها بطور فردی ثبت نام کرده باشند.

## ۴،۲. راهبرد دوم: مشارکت ( عبور از دوگانه خانه - خیابان)

در میان اصلاح طلبان طیفی تمایل به حضور در انتخابات دارد و قهر با صندوق رأی را اولاً به ضرر جریان سیاسی شان می دانند که موجب تضعیف روزافزون پایگاه اجتماعی شان خواهد شد، ثانياً با کمی تدبیر بیشتر آن را مخالف منافع و مصالح ملی دانسته که موجب تضعیف وفاق و انسجام ملی خواهد شد. این طیف که جامعه اعتدالیون این اردوگاه را تشکیل می دهد و احزابی چون کارگزاران سازندگی، اعتدال و توسعه، ندای ایرانیان و ... را در بر می گیرد، در برابر رادیکال هایی قرار دارند که از قهر و مشارکت مشروط سخن می گویند. این طیف هر چند به روند برگزاری انتخابات، بالخصوص فرآیند احراز صلاحیت ها اعتراض دارند، اما این امر موجب آن نشده که نهضت ثبت نام به راه نینداخته و در اعضای خود را در مرحله پیش ثبت نام و ثبت نام نهایی فعال نکرده باشد. این طیف در انتخابات، ده ها نامزد انتخاباتی را برای ثبت نام فرستاده و هر چند اغلب چهره ها جوان و کمتر شناخته شده برای افکار عمومی هستند؛ اما در میانشان چهره های بنام و شناخته شده هم به اندازه کافی یافت می شود. این طیف معتقد است در میانه دو ایده تحریم (خانه) و اغتشاش (خیابان)

راه سوم که حضور در پای صندوق رأی است، تنها راه حل مشکلات کشور خواهد بود. لذا رئیس‌جمهور پیشین کشور آقای حسن روحانی که به نوعی لیدری این جریان را بر عهده دارد، در بیانیه‌ای که همزمان با ثبت‌نام در انتخابات مجلس خبرگان رهبری صادر کرد، اعلام می‌دارد: «برای بن‌بست‌شکنی باید از دوگانه خانه و خیابان فراتر رفت و به انتخاب‌های پیش رو اندیشید. خانه‌نشینی حتی به هنگام مظلوم واقع شدن، بازگشت به عقب است و خیابان‌گزینی حتی به وقت محق بودن، فراخواندن ناپایداری است.»

### الف. اهداف فعالیت انتخاباتی

اصلاح‌طلبان اعتدالی هر چند یک دست و یکپارچه به مواجهه با انتخابات نیامده‌اند، اما در مجموع اهداف زیر را در سر می‌پروراند:

۱. **تحقق مجلس اصلاح طلب:** این طیف تلاش دارد تا در صورت امکان از انتخابات ۱۴۰۲ موفق بیرون آید و مجلسی متناسب با انتظاراتش شکل دهد. ایشان معتقدند تکرار و تداوم مجلس انقلابی کار را بر اصلاح‌طلبان دشوار خواهد کرد و آنان را بیش از پیش از دست‌یابی به قدرت دور کرده و حتی در عرصه اجتماعی نیز به وادی فراموشی خواهد سپرد. لذا هر طور شده در تلاشند تا جاپایی محکم در مجلس آینده داشته باشند و همان را سکوی پرتابی برای انتخابات ۱۴۰۴ کنند. اگر این جای پا به فتح مجلس و کسب اکثریت آرا بینجامد که نور علی نور خواهد بود. اما اگر وضعیت مجلس پنجم هم تکرار شود، باز هم پیروزی ارزشمندی حاصل شده است. حتی اگر وضعیت ضعیف‌تری هم حاصل آید و اقلیت ۷۰-۸۰ نفری از نمایندگان، ظرفیت شکل دادن به فراکسیون اقلیت را همچون مجلس هفتم و هشتم فراهم آورد، نیز می‌تواند امید را برای روزهای بهتر در این اردوگاه تقویت کند.

۲. **تلاش برای یک دوره‌ای کردن دولت رئیسی:** این بخش از

اصلاح‌طلبان البته سودای بزرگ‌تر از فتح مجلس را در سر می‌پروراند و آن موفقیت در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۴ است. تلاشی که در صورت موفقیت به یک دوره‌ای شدن دولت آقای رئیسی منجر خواهد شد!

### ۳. تلاش برای کسب محبوبیت و تقویت پایگاه اجتماعی: این

جریان معتقد است راه تقویت پایگاه انسجام و آنچه توجه به لایه‌های اجتماعی جامعه خوانده می‌شود، از طریق رفتن به درون حاکمیت و در اختیار داشتن صندلی قدرت ایجاد می‌شود. لذا موفقیت در انتخابات می‌تواند بستر را برای تقویت اجتماعی این جریان نیز فراهم آورد.

### ب. فعالیت احزاب موافق مشارکت

همین نگاه به صحنه سیاست و برای تحقق اهدافی که شمارش شد، فعالیت‌های تشکیلاتی این طیف از اصلاح‌طلبان کلید خورده است.

#### ۱. فعالیت حزب اعتدال و توسعه: در این راستا می‌توان به برنامه

انتخاباتی حزب اعتدال و توسعه اشاره کرد که فعالیت حداکثری در انتخابات اسفندماه را در پیش گرفته است و بخش قابل ملاحظه‌ای از اعضای آن به میدان رقابت آمده و نام‌نویسی کرده‌اند. به تازگی آقای حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین کشورمان با اعضای شورای مرکزی، کمیته سیاسی و دبیران استانی حزب اعتدال و توسعه دیدار و گفت‌وگو داشته و به ایراد سخن پرداخته است. وی در این دیدار ضمن یادآوری این مسئله که «ما حزب را از شهید بهشتی آموختیم. او بود که ابتدای انقلاب بر حزب تأکید کرد و توانست حزب جمهوری اسلامی را تشکیل دهد که بسیار مؤثر بود. باید این خط را ادامه داد.» مدعی شد: «پس از انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ بوی ناامیدی و یاس به مشام می‌رسد و عده زیادی از مردم ظاهراً کنار کشیدند و ناامید شدند، در این شرایط احزاب نقش مهم‌تری بر دوش دارند.»

## ۲. فعالیت حزب کارگزاران سازندگی: این حزب نیز تمایلات خود

برای شرکت در انتخابات را اعلام داشته‌اند. کارگزاران مدتی قبل کنگره سالانه خود را برگزار کرده و در ساختار خود نهاد «شورای مشورتی» را افزوده است. شورایی که اعضای آن «اسحاق جهانگیری، ایرج فاضل، محمد هاشمی، غلامحسین کرباسچی، کرباسی‌زاده، رضا امراللهی، عبدالناصر همتی، محمدحسین عادل، رضا ملک‌زاده، سیدمصطفی هاشمی طباطبائی، مسعود نیلی و احمد مسجدجامعی» هستند و می‌توانند در امر انتخابات به این حزب مشورت دهند.

برگزاری این کنگره از آمادگی این حزب برای حضور فعال در انتخابات حکایت دارد و امیدوار است تا با همگرایی با اعتدالیون و حتی حزب اعتدال و توسعه - که رقیبی سنتی برای این حزب محسوب می‌شود - کارزاری جدید برای ورود به انتخابات فراهم آورد و مهم‌ترین جبهه رقیب انتخابی اصولگرایان را شکل دهند و حتی بتوانند مابقی اصلاح‌طلبان را که هنوز تکلیف خود را نمی‌دانند، با خود همراه کنند!

غلامحسین کرباسچی، عضو مشهور حزب کارگزاران به تازگی در مصاحبه‌ای ضمن نقد سیاست آشوب‌افکنی و اردوکنشی خیابانی اعلام داشته است: «من در برخی جلسات از دوستان اصلاح‌طلب پرسیدم؛ ما اگر انتخابات را کنار بگذاریم چه باید بکنیم؟ یا باید از کار سیاست کناره‌گیری کنیم یا باید به یک شیوه‌ای حرف خودمان را بزنیم. اگر بخواهیم متوسل به تظاهرات و خیابان شویم که این کار سیاسی نمی‌شود. حالا یک وقت تظاهرات موردی پیش می‌آید، اتفاقی می‌افتد و مردم به هیجان می‌افتند که بحث آن جدا است ولی یک جریان سیاسی که نمی‌تواند بگوید که من می‌خواهم همه کار سیاسی خود را با تظاهرات و در خیابان انجام دهم!»

به تازگی حسن روحانی در دیدار اعضای کمیته سیاسی حزب کارگزاران



سازندگی، با تأکید بر اینکه سکوت و انفعال راه‌حل نیست، اظهار داشته است: «اگر دلسوز ایران و انقلاب هستیم، باید به جای تماشاگری، کنشگری کنیم. اگر در مسیر انقلاب شاهد اشتباهاتی بودیم باید نقد و اصلاح کنیم و اصلاح فقط از مسیر کنشگری فعال و بازگشت به صندوق رای امکان‌پذیر خواهد بود. سکوت منفعلانه و اعتراض خیابانی اگرچه به لحاظ ماهیت رفتار با یکدیگر متفاوت هستند، اما در نتیجه عمل یکسان هستند. این دو رفتار نه تنها چاره‌ساز نیست که قطعاً مخرب و به ضرر کشور است. تجربه نشان داده اعتراضات خیابانی و یا سکوت منفعلانه هیچ وقت به نتیجه نرسیده است؛ کنشگری دقیق و فعال و مشارکت سیاسی قطعاً امری به مراتب سخت‌تر از اعتراض خیابانی و سکوت منفعلانه خواهد بود. از این نظر صندوق رای و انتخابات راه‌حل نهایی است.»

وی در ادامه با تأکید بر اینکه کنار کشیدن در شرایط فعلی به نفع آینده کشور و نظام ما نیست، افزود: «حتی اگر احساس کنیم توان و اثرگذاری حرف و کنش ما فقط ده درصد است، نباید از آن دریغ کنیم. نقد ما بی‌تأثیر نیست. نگوییم همه چیز در اختیار آن‌هاست، پس چه فرقی می‌کند ما حرف بزنیم یا نه؟ می‌بینید که وقتی یکی دو نقد در رسانه‌ها مطرح می‌شود، بازتاب دارد، با وجود اینکه به جای پاسخ، دست به تخریب و تهمت می‌زنند. اگر بدانیم فداکاری ما اثر مثبتی برای نظام دارد باید فداکاری کنیم؛ این فداکاری یا می‌تواند همین نقد کردن با وجود تخریب شدن باشد و یا مشارکت در انتخابات در شرایطی که با هجمه‌ها و فشارهای مختلف مواجه شویم. این کنشگری حتی اگر پرهزینه باشد از انفعال بهتر است.»

### ۳. حزب فدای ایرانیان: همسو با کارگزاران به حزب «ندای ملت»

می‌رسیم که از جمله احزابی است که معطوف به صندوق رأی فعالیت می‌کند. شهاب‌الدین طباطبایی که از تیرماه سال ۱۴۰۱ دبیرکل این حزب اصلاح طلب

شده، به تازگی ملاحظات این حزب برای شرکت در انتخابات را گفته است. او نیز همچون همه بزرگان در جریان اصلاح‌طلبی وقتی پشت تریبون قرار می‌گیرد، با ادبیاتی یاس‌آفرین سخن می‌گوید، اما دل در گرو مشارکت در انتخابات دارد. طباطبایی فضای پیش روی اصلاح‌طلبان را در فرصت باقی مانده تا انتخابات مجلس دوازدهم اینگونه تحلیل می‌کند: «این انتخابات به غلبه یا عدم غلبه نیروهای معقول و میانه رو و طرفدار مشارکت حداکثری در درون نهادهای حاکمیتی بر نیروهای تندرو و افراطی خالص ساز بستگی دارد. اگر در زمان باقیمانده تا انتخابات نیروهای معتدل، عاقل و دلسوز جمهوری اسلامی بتوانند مسئولان و نهادهای تصمیم‌گیر را مجاب و با خود همراه کنند، می‌توان به یک انتخابات با مشارکت نسبتاً خوب امیدوار بود. اما اگر همچنان که امروز متأسفانه نهادهای تصمیم‌گیر تحت تاثیر افراطیون و طرفداران شبه علم قرار دارند، تغییری اتفاق نیفتد، ما در بهترین حالت شاهد مشارکتی نزدیک به انتخابات مجلس گذشته و حفظ قدرت در دست تندروهایی خواهیم بود که از درون به جمهوری اسلامی و منافع ملی آسیب می‌زنند، ضمن آنکه با صحنه‌گردانی نادانان و تندروها به جای عقلا و میانه‌روها اندک امیدواری به اصلاح را نیز می‌توان از دست رفته دانست.»

این طیف خود را برای انتخابات آماده می‌کند و منتظر است تا تکلیف بررسی صلاحیت‌ها آشکار شود.

### ۴،۳ راهبرد سوم: مشارکت مشروط

دسته دیگر به ظاهر از مشارکت مشروط سخن می‌گویند، اما به واقع روی دیگر سکه تحریم هستند. اینان می‌دانند که با صدای بلند از تحریم انتخابات سخن گفتن هزینه‌ای سنگینی را برای این جریان به همراه خواهد داشت، لذا با

تغییر ادبیات از تعبیر مشارکت مشروط سخن می‌گوید؛ اما وقتی به سراغ شروط مطروحه می‌رویم، متوجه می‌شویم که شروط مدنظر نه برای اجرایی شدن و حضور در انتخابات، بلکه با هدف فرار به جلو و نیامدن به صحنه طراحی شده است. شروطی چون استعفای رئیس جمهور، حذف و کنار گذاشتن شورای نگهبان و متوسل شدن به نهادهای بین‌المللی و ... شروطی است که مغایر قانون اساسی بوده و لازمه آن بازنگری در آن اصول است که بدیهی است چنین شروطی قابل تحقق نخواهد بود.

سعید حجاریان در پاسخ به کسانی که از در تقابل قرار داشتن انتخابات و سیاست‌های خیابانی سخن می‌گویند، اظهار می‌دارد: «فهم حداقلی از سیاست به ما می‌گوید نباید به مسائل قطبی نگاه کنیم. می‌خواهم بگویم حرف‌هایی از جنس اینکه آن سوی عدم شرکت در انتخابات، خیابان است، بی‌معناست. از انتخابات تا خیابان، منازل زیادی وجود دارد؛ یعنی تاکتیک‌های مختلفی در دنیا تجربه شده است که اصولگرایان به آن جاهل هستند و این جهل‌شان ناشی از نخواندن تاریخ سیاسی کشورهای مختلف است. لذا نباید کسی در دام گفتمان‌سازی امنیتی بیفتد. من دو قطبی «صندوق یا خیابان» را مغالطه‌آمیز می‌دانم زیرا سیاست‌ورزی منحصر در این دو مقوله نیست.»

به واقع تئوری‌پرداز جریان رادیکال اصلاح‌طلب تلاش کرده تا جریان خود را از مخمصه نجات داده و آنان را نه مدافع خط تحریم و نه بلوای خیابانی، بلکه مدافع «مشارکت مشروط» معرفی کند و مدعی شود: «من مدافع «مشارکت مشروط» در انتخابات هستم و درباره آن بارها صحبت کرده‌ام. من از صندوق رای استاندارد، غیراستصوابی و آزاد دفاع می‌کنم حتی اگر یک اصلاح‌طلب انتخاب نشود.» وی پیش از این از فرض‌های ششگانه‌ای صحبت کرده بود که اصلاح‌طلبان باید به آن توجه داشته باشند و شرط حضور آنان در انتخابات را

اینگونه مطرح می‌سازد که: «آقای رئیسی به نحوی از کابینه استعفا دهد یا به دلیل عدم کفایت عزل شود.»

مشروط کردن حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات به برکناری رئیس‌جمهور منتخب مردم را می‌توان اوج اقتدارگرایی و غلیان خوی فاشیستی و کینه‌های جناحی افرادی دانست که سالیان متمادی است خود را سردمدار دموکراسی معرفی می‌کند! دو قطبی «صندوق و خیابان»، دو قطبی ساختگی نیست که رقبای سیاسی اصلاح‌طلبان برای به دام انداختن و میچ‌گیری آنان طرح‌ریزی کرده باشند. دو قطبی است که حتی اصلاح‌طلبانی چون کرباسچی و ... نیز به ابطال آن اعتراف دارند! و در علم کلاسیک سیاست نیز بسیاری به آن پرداخته‌اند، اما حجاریان تلاش دارد تا با لفاظی و بازی‌های زبانی، به نحوی اصلاح‌طلبان در بن بست قرار گرفته را نجات دهد!

#### ۴. تاکتیک‌های انتخاباتی - اقدامات عملیاتی

اصلاح‌طلبان در مواجهه با انتخابات به تاکتیک‌ها و شگردهای رسانه‌ای مجهزند و تلاش دارند تا رقیب سیاسی خود را با تکرار آن دچار انفعال کرده و فضای را برای پیشبرد اهداف خود فراهم آورند؛ لذا به ابزارهای زیر چنگ زده‌اند:

#### ۴،۱ چشم طمع به اغتشاشات و فشارهای خیابانی

اصلاح‌طلبان در سالگرد فتنه ۱۴۰۱، مجدداً به ناآرام شدن خیابان‌ها و شعله‌ور شدن مجدد فتنه دل خوش کرده بودند. طیف رادیکال و تحریمی، با همه وجود امیدوار بود تا با کلید خوردن مجدد آشوب، آن را تا آستانه انتخابات تداوم بخشیده و به عاملی برای قهر بیشتر مردم با صندوق‌ها بدل کند. ضمن آنکه درگیر شدن جامعه با اغتشاش، کار دولت در امر خدمت‌رسانی به جامعه را نیز دچار بن

بست کرده و مانعی برای ایجاد رضایت عمومی در آستانه انتخابات را فراهم می‌آورد و عامل مکملی برای کاهش مشارکت محسوب می‌شد.

طیف میانه رو که هر چند راضی به اوج گیری اغتشاش نبود، اما شکل گیری موقتی و کم شدت آن را عاملی برای فشار به حاکمیت برای ایجاد گشایش در انتخابات می‌دانست که در مجموع آورده‌ای انتخاباتی برای این اردوگاه داشت. هر چند معتقد بود بلافاصله باید به انتخابات نگرست و با همه توان برای عبور از جریان رقیب سیاست خانه و خیابان را رها کرد. در همین راستا می‌توان به یادداشت «محمدقوچانی» عضو حزب کارگزاران توجه کرد که از طمع اصلاح‌طلبان رادیکال به اغتشاشات خیابانی سخن گفته و اعلام داشت، با ناکامی سالگرد اغتشاشات، «اصلاح‌طلبان میانه دو راهبرد کاملاً متضاد مشارکت و تحریم گرفتار شده‌اند!» روزنامه هم‌میهن نیز از اینکه «براندازی و سیاست‌گریزی راه‌حل نیست.» خواستار بازگشت به صندوق رأی شد. این توجه به ناآرامی در آستانه انتخابات هنوز به اتمام نرسیده است و باید هوشیارانه این سیاست خطرناک دشمن را رصد کرد.

## ۲، ۴. تخریب جریان رقیب و اتهام خالص‌سازی

در طول ماه‌های اخیر اصلاح‌طلبان تلاش دارند تا با خلق کلیدواژه «خالص‌سازی» به سیاست فرافکنی روی آورده و پیشاپیش از یک سو جریان رقیب و از دیگر سو دستگاه نظارتی را به حذف و مهندسی انتخابات متهم کنند! این در حالی است که این ادعا زمانی معنا خواهد یافت که اصلاح‌طلبان در انتخابات حضور موثری داشته و نهضت ثبت نام به راه انداخته باشند، اما بعد از بررسی صلاحیت‌ها، بخش عمده‌ای از نامزدهای‌شان بدون دلایل قانع‌کننده‌ای ردصلاحیت شوند.

قضاوت عجولانه و پیشاپیش در مورد رفتار شورای نگهبان، رویکردی

منفعانه و غیرمنصفانه است که طیف رادیکال این جریان اتخاذ کرده تا ناتوانی رقابتی خود را به نحوی جبران کند و حتی مقدمه‌ای برای اتخاذ سیاست تحریم انتخابات باشد. سیاستی که جریان اپوزیسیون و ضدانقلاب آن را دنبال می‌کند! این سیاست البته سیاستی تکراری است که اصلاح‌طلبان اتخاذ کرده‌اند و با وجود جوسازی‌های رسانه‌ای که در طول این چهار سال شده است، در انتخابات پیشین در سال ۱۳۹۸ نیز همین بساط توسط آنان راه افتاد و بخش عمده‌ای از چهره‌های شناخته شده آنان پس از حوادث آبان ۹۸ در خطایی محاسباتی، عافیت‌طلبانه ترجیح دادند تا در عرصه رسمی سیاست حضور نیابند و به نحوی مشکلات ناشی از اجرای سیاست‌های غلط برجامی را بر دوش رقیب بیندازند، لذا از ثبت نام در انتخابات صرف نظر کردند! اما جریان رسانه‌ای آنها با دروغی بزرگ ناکامی اصلاح‌طلبان در آن انتخابات را به عملکرد شورای نگهبان مرتبط کرد و این نهاد نظارتی را به اتخاذ «سیاست خلوص سازی» متهم کرد!

اعلام اولیه بررسی صلاحیت‌ها از سوی وزارت کشور نیز موجب شده تا بار دیگر تریون‌های این جریان با صدای بلندتری «سیاست خلوص سازی» را فریاد زنند.

### ۴,۳. تخریب دولت و مجلس انقلابی

هجمه به عملکرد مجلس انقلابی و دولت انقلابی، جزء اولویت‌های تبلیغاتی جریان اصلاح‌طلبی خواهد بود که به دنبال فتح مجلس هستند. این جریان همه توان خود را بر این گذاشته که مجلس موجود را بی‌دست‌آورد جلوه دهد و اجازه ندهد تا اقدامات مؤثر ایشان نزد افکار عمومی آشکار شود و تمایلی به تکرار حاکمیت جریان اصولگرایی بر مجلس نزد افکار عمومی باقی بماند!

عملکرد دولت نیز سیاست است که از همان سال ۱۴۰۰ کلید خورده و با همه توان دنبال شده است. بالاخص پس از آغاز فتنه ۱۴۰۱ که جنگ شناختی

دشمن و بیگانگان و ضدانقلاب نیز به خدمت اصلاح‌طلبان آمده و در جبهه ای واحد مشغول به تخریب جریان انقلابی در دولت و مجلس مشغولند.

اصلاح‌طلبان تلاش خواهند کرد در این مسیر خود را ناجی وضع موجود معرفی کنند و افکار عمومی را به سمت سبد رأی خود سوق دهند و تکرار شکل گیری مجلس و دولت همسو جلوگیری کنند!

#### ۴،۴. فشار به شورای نگهبان

یکی از دغدغه‌های مشارکت‌کننده در انتخابات، مواجهه دستگاه نظارتی با گزینه‌هایی است که متأسفانه به دلیل عملکرد و مواضع سیاسی خلاف قانونی که داشته‌اند، احتمال ردصلاحیت شدن دارند. لذا با همه توان این جریان سیاست فشار به شورای نگهبان برای تغییر رفتار را در دستور کار دارد تا بتواند لیست مورد نظر خود برای انتخابات را ببندد. در این مسیر به کارگیری از پروپاگاندا و رسانه و سر دادن شعار «انتخابات آزاد» در دستور کار این جریان قرار گرفته است.

#### ۴،۵. لابی‌گری و برای تأیید صلاحیت

جریان مشارکت‌طلب که خواهان حضور در انتخابات است، در روزهای مانده انتخابات تمام تلاش خود را برای احراز صلاحیت حداکثری نامزدهای مورد حمایت خود خواهد کرد و در این مسیر رایزنی‌ها با افراد ذی نفوذ در کشور و اعضای شورای نگهبان را دنبال خواهد کرد.

#### ۴،۶. بازی با مهره‌های سفید

در حالی که به نظر می‌رسد چهره‌های شناخته شده اصلاح‌طلبان تمایلی برای نام‌نویسی در انتخابات مجلس را نداشته‌اند و جز چند چهره مشهور کمتر نامی را می‌توان به عنوان اصلاح‌طلب برشمرد، اما از سویی دیگر اخبار رسیده حکایت از آن دارد که ده‌ها چهره کمتر شناخته شده نام آشنایی ندارند، اما جزء فعالان سیاسی اصلاح‌طلبی در شهرها و استان‌ها شناخته می‌شوند در انتخابات

حاضر هستند. این وضعیت این احتمال را تقویت می‌کند که طیف طرفدار مشارکت؛ از میان همین افراد فهرست نهایی خود را خواهد بست و به میدان انتخابات وارد خواهد شد.

فراموش نکنیم که بخش عمده‌ای از نام‌آشنایان اصلاح‌طلب نیز دوران کهولت سنی خود را طی می‌کنند و به طور طبیعی نیز دوران چرخش نخبگانی برای این جریان نیز فرا رسیده است و حضور چهره‌های کمتر شناخته شده در فهرست انتخاباتی آنان امری طبیعی و متناسب با اقتضای شرایط خواهد بود.

#### ۴,۷. فعال‌سازی جدی حوزه شهرستان‌ها

انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخاباتی محلی و استانی است. لذا سیاست‌های منطبق با شرایط خود را طلب می‌کند. مجلس اگر قرار باشد در اختیار اصلاح‌طلبان قرار گیرد، الزامش آن نیست که از طریق شهرهای بزرگ پر شود. شهرهای کوچک و تک‌صندلی، بهترین فرصت است که قدرت مجلس را در اختیار این جریان قرار دهد.

#### ۴,۸. سناریوی رقیب‌هراسی

سیاست رقیب‌هراسی، یکی از سیاست‌های دائمی اصلاح‌طلبان در ادوار انتخابات بوده است. این جریان همواره تلاش کرده تا از جریان انقلابی چهره‌ای متحجر، ارتجاعی، تندرو، کم‌سواد، ناکارآمد، قدرت‌طلب و انحصارگرا بسازد که حاکمیت آنان موجب بن بست در جامعه و محدود شدن آزادی‌ها خواهد شد. این سیاست در انتخابات آتی با شدت بیشتری تکرار خواهد شد و تلاش خواهند کرد تا هواداران را نسبت به شش سال تداوم حکومت اصولگرایان نگران کنند.

#### ۴,۹. دو قطبی‌سازی

استفاده از دو قطبی‌سازی نیز سناریوی تکراری است که اصلاح‌طلبان همواره به آن متمسک می‌شوند. در این انتخابات نیز فضای سیاسی کشور متأثر از



دوقطبی‌هایی خواهد بود. هر چند باید به این نکته توجه شود که در ذات رقابت شکل‌گیری دوقطبی امری طبیعی است. اما نکته آنجاست که این دوقطبی‌ها مبتنی بر واقعیت‌های جامعه و نیازها و ضرورت‌های آن باشد و در ثانی موجود دودستگی و شکاف و تشتت و درگیری در جامعه نشود، اما اصلاح‌طلبان نشان داده اند که در این مسیر راه افراط و انحراف را می‌روند.

در این دوره از انتخابات دوقطبی‌هایی مثل موافقان و مخالفان حجاب اجباری و ... می‌تواند فضای انتخابات را به مسیری انحرافی و هیجانی و دور از نیازهای واقعی جامعه سوق دهد و در عوض منافع اصلاح‌طلبان را تأمین کند.

### ۴،۱۰. ناامید کردن و ناامید جلوه دادن مردم

احزاب و گروه‌های سیاسی در نظام‌های مردم‌سالار وظیفه خطیر هدایت و مهار مطالبات مردمی از طریق صندوق‌های رأی را بر عهده دارند. آنان موظفند تا با آگاهی بخشی و اعتمادسازی، افکار عمومی را به سمت صندوق رأی سوق دهند و بر تقویت مشارکت سیاسی بیفزایند؛ اما اصلاح‌طلبان در ماه‌های اخیر تلاش داشته اند تا با زدن تیتراهایی چون: «چرا کسی منتظر انتخابات نیست؟» کاهش مشارکت تلاش کنند. اقدامی ناجوانمردانه که با پیش‌فرض‌های فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در تعارض است.

این مهم آن زمان بیش از پیش اهمیت می‌یابد که آگاه باشیم جنگ شناختی عملیات گسترده روحی - روانی دشمن برای ایجاد یأس و ناامیدی ملت کلید خورده و ماه‌های متمادی است که اذهان جامعه در تیررس دشمنان این سرزمین قرار گرفته است. آنان انسجام ملی این سرزمین را نشانه رفته‌اند و در مسیر بی‌اعتباری انتخابات و ایجاد آشوب و بلوا در کشور حرکت می‌کنند. رسانه‌های آنان تمام وقت در مسیر بی‌اعتبارسازی جمهوری اسلامی است. هرچند از آنکه ملت با آنها همراهی نمی‌کنند، به شدت عصبانی‌اند و این عصبانیت خود را در

قلب توهین و تهدید ملت ایران اظهار می‌کنند. تلاش ناکام آنان در پاییز ۱۴۰۱، موجب شده تا مهم‌ترین راهبرد سال ۱۴۰۲ خود را بر تحریم انتخابات بگذارند! در این شرایط انتظار از جناح‌ها و فعالان سیاسی به عنوان نخبگان و خواص جامعه آن است که با مرزبندی با بیگانگان در مسیر رونق انتخابات حرکت کرده و وظیفه خود در امیدبخشی به جامعه و تشویق و ترغیب مردم به مشارکت در انتخابات را انجام دهند، نه آنکه انفعال و ناامیدی خود را به جامعه القا کرده و به تعبیری صریح‌تر با خواندن آیه یاس، حال جامعه را خراب کنند!

#### ۴،۱۱. متهم کردن نظام به حذف اصلاح‌طلبان

طیف رادیکال اصلاح‌طلبان که به دلایل متعدد بر خط تحریم انتخابات دمیده و رقبتهای چندانی به حضور در انتخابات از خود نشان نداده است، تلاش دارد تا با شگردهای رسانه‌ای نظام را متهم به انحصارگرایی و اتخاذ سیاست حذف کند و خود را حذف شده انتخابات معرفی کند! برای نمونه مدتی قبل سعید حجاریان، یکی از اصلاح‌طلبان رادیکال در مصاحبه‌ای تفضیلی با روزنامه اعتماد اظهار داشت: «اصلاحات و اصلاح‌طلبان به بیرون از دایره قدرت پرتاب شده‌اند و بسیار بعید است بتوانند دوباره به آن دایره بازگردند.» وی مجری این اقدام را حاکمیت می‌داند، در حالی که اولاً این ادعا انطباق درستی با واقعیت ندارد و ثانیاً اگر هم این اظهارات فرافکنانه صحیح باشد، باز هم این مردم بوده‌اند که در انتخابات گذشته، اقبالی به اصلاح‌طلبان نداشته‌اند و عملکرد مجلس دهم و دولت دوازدهم در کنار تمایلات رادیکال این جریان بوده که حاصل آن ناکامی در انتخابات شده است!

#### ۴،۱۲. پرچم‌داری میانه روی و خط وسط

هر چند اصلاح‌طلبان در طول سال‌های اخیر ناتوان از تعریف مشخص

هویتی خود بوده‌اند و از آنجا که مرزهای خود با ضدانقلاب را تعریف نکرده‌اند، دستخوش اعواج هویتی شده‌اند، اما پس از آغاز فتنه مهسا و پس از آنکه در گام اول آتش بیار معرکه شده و در داغ نگه داشتن اغتشاشات نقش آفرین شدند، اما با ناکامی فتنه‌گران، سیاست جداسازی را در پیش گرفته و تلاش کردند تا خود را خط وسط سیاست افراط و تفریط معرفی کنند؛ جایی میان اردوگاه انقلابیون و براندازان! مدتی پیش عباس عبدی در نشست اتاق فکر حزب کارگزاران سازندگی ایران اظهار داشته است: «برخلاف فضای رسانه، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که مردم اکثراً به خط وسط باور دارند. آنها از جنبش مهسا حمایت می‌کردند اما با آن همراهی عملی نکردند.» اصلاح‌طلبان تلاش دارند تا از این طریق برای خود اعتباری کسب کنند و خود را نه محافظه‌کار و موافق وضع موجود و نه برانداز و رادیکال نشان دهند.

## گفتار دهم: سناریوهای دشمن در انتخابات

دشمنان ملت ایران نیز تنها نظاره‌گر صحنه انتخابات نیستند. آنان در طول ۳۹ انتخابات پیشین همواره تلاش کرده‌اند تا بازیگری فعال در معرکه انتخابات باشند و در هر مقطعی مکرها و نقشه‌های خود را به پیش ببرند که بحمدالله در اکثر مواقع ناکام مانده‌اند.

انتخابات پیش رو نیز یکی از بزنگاه‌هایی است که دشمنان ایران زمین با هم توان به میدان مداخله آمده‌اند و راهبردها و سیاست‌های خود را دنبال می‌کنند. آنان می‌خواهند انتخابات را که فرصتی برای تقویت وحدت و همبستگی ملی، امنیت ملی و کارآمدسازی جمهوری اسلامی است، به تهدیدی برای جمهوری اسلامی بدل کنند؛ لذا سیاست دشمن در تقابل با سیاست جمهوری اسلامی در انتخابات است.

همانطور که گفته شد جمهوری اسلامی به دنبال تحقق انتخابات مطلوبی است که مهم‌ترین شاخص‌های آن عبارتند از: ۱. پرشور بودن با مشارکت حداکثری، ۲. امن و آرام بودن، ۳. سالم و بی‌شائبه بودن، ۴. قانونی بودن، ۵. رقابتی بودن، ۶. اخلاقی بودن، ۷. شایسته‌سالار بودن. در مقابل دشمن زیر سؤال بردن هفتگانه فوق را از طرق مختلف دنبال می‌کند.

## ۱. راهبرد کاهش مشارکت

بدون شک، کاهش مشارکت و ایجاد بی میلی و بی رغبتی در مردم برای حضور نیافتن در پای صندوق های رأی را می توان مهم ترین راهبرد دشمن برای مواجهه با انتخابات اسفندماه ۱۴۰۲ دانست که این امر از طرق مختلف دنبال می شود.

۱. از طریق تحریم انتخابات: سیاست آشکار دشمنان این ملت که با کمک جریان رسانه ای ضدانقلاب دنبال می شود، تحریم رسمی انتخابات است. آنها تلاش دارند مردم را به حضور نیافتن در پای صندوق رأی تشویق کرده و آن را نوعی اقدام علیه جمهوری اسلامی قلمداد کنند. این مسیر در هفته های باقی مانده تا انتخابات با صدای بلندتری فریاد زده خواهد شد.

۲. سیاه نمایی و بزرگ نمایی مشکلات کشور و القای بن بست و ناامیدی نسبت به حل آنها، سیاست دیگری است که این روزها با شدتی دوچندان از سوی دشمن دنبال می شود تا اراده توده ها را برای حضور در صحنه انتخابات سست کند. در جنگ شناختی پر شدت دشمن همه اقدامات دولت انقلابی زیر سؤال می رود. کارنامه عملکرد مجلس انقلابی مخدوش شده و صدها تدبیر و تصمیم درست در عرصه قانون گذاری و حل مشکلات کشور نادیده گرفته شده یا مخدوش و بی اعتبار می شود. ضعف ها و کاستی ها بزرگ نمایی شده و لای نحل جلوه داده می شود که حاصل آن بی رمقی برای حضور در پای صندوق رأی است.

۳. ایجاد ناامن سازی نیز حربه دیگری است که دشمن تمایل دارد از طریق آن هم هزینه های دست اندر کاران انتخابات را زیاد کند و بیش از آن اراده بخشی از جامعه را نسبت به حضور در پای صندوق رأی دچار تردید کند. لازمه حضور مردم در انتخابات امنیت و آرامش است، و فقدان آن مانعی برای حضور به

حساب می‌آید. البته امنیت هم جنبه فیزیکی و هم جذب روانی دارد و در انتخابات پیش رو دشمن سلب هر دو را نشانه رفته است. لذا همه دستگاه‌های امنیتی باید هوشیار باشند تا در روزهای مانده به انتخابات سیاست‌های ناامن‌سازی دشمن ناکام بماند.

## ۲. راهبرد بی‌اعتبارسازی

بی‌اعتبارسازی انتخابات در جمهوری اسلامی نیز از جمله راهبردهای کلیدی دشمن در مواجهه با جمهوری اسلامی است. دشمنان چند دهه است که تلاش دارند مردم سالاری دینی را به دیکتاتوری متهم کند که در این مسیر زیر سؤال بردن اعتبار انتخابات یکی از مهم‌ترین ترفندهای آنان است. پیشبرد این سیاست‌ها از طریق زیر دنبال شده است:

۱. یکی از مهم‌ترین سیاست‌های دشمن در این راستا زیر سؤال بردن سلامت انتخابات است. ادعای تقلب در انتخابات، ادعای مهندسی انتخابات، زیر سؤال بردن پاکدستی مجریان و ناظران انتخابات، همسویی و تبانی مجریان و ناظران انتخابات، متهم کردن برگزارکنندگان و ناظران به جناحی بودن، اتخاذ سیاست خالص‌سازی و انحصارگرایی نظام در مواجهه با انتخابات، ردصلاحیت منتقدان و بخشی از نامزدهای انتخابات، اعلام آمار غیرواقعی و ساختگی و ... از جمله شگردهای رسانه‌ای دشمنان برای بی‌اعتبار کردن انتخابات آتی است.

۲. تلاش برای غیراخلاقی کردن رقابت‌های انتخاباتی نیز حربه دیگری است که دشمن در مواجهه با انتخابات در کشور دنبال می‌کند. اگر رقابت‌ها سالم نباشد و بر اخلاق و قانون استوار نشود، اگر منازعات سیاسی به تنش و درگیری بدل شود، اگر اتهام زنی و دروغ‌گویی سکه رایج بازار شود، اگر نامزدها با وعده‌های دروغین به دنبال سنگین کردن سبد رأی‌شان باشند، اگر رأی‌ها

خریداری شده و رانت و پول‌پاشی فضای رقابت‌های انتخاباتی را آلوده کند، و ... حیثیت و اعتبار انتخابات در این کشور زیر سؤال خواهد رفت و این درست همان چیزی است که دشمن خواهان آن است و از طریق نفوذ و اغواگری این مسیر را دنبال می‌کند.

### ۳. راهبرد ناکارآمدسازی

راهبرد دیگر دشمن در مواجهه با انتخابات، ناکارآمد کردن آن است. انتخابات در کشور خود هدف نیست، بلکه ابزاری برای کارآمدسازی، امنیت آفرینی و ایجاد ثبات و تقویت همبستگی اجتماعی است. اما اگر بتوان کاری کرد که این اهداف محقق نشده یا اهداف به‌طور حداکثری تأمین نشود، بخشی از راهبرد دشمن به پیش رفته است. این راهبرد از طریق زیر دنبال می‌شود.

۱. اولین اقدام ایجاد اختلال شناختی اذهان عمومی در تشخیص اصلح است. انتخابات برگزار می‌شود تا شایستگان و کارآمدان بر مسند قدرت بنشینند و با تدبیرشان حل مشکلات کشور را تسهیل کنند. حال اگر بتوان کاری کرد که یا شایستگان وارد میدان رقابت نشوند یا آنکه رأی اکثریت مردم به ایشان اختصاص نیابد، اصلی‌ترین کارکرد انتخابات تحقق نخواهد یافت.

۲. انتخابات میدانی است برای تغییر مسالمت‌آمیز کارگزاران و اعمال اراده بازیگران سیاسی در عرصه حکمرانی. آنجایی که هر فرد با رأی خود اعمال حاکمیت می‌کند. صندوق رأی تشکیل شده تا آنچه سیاست‌های خیابانی خوانده می‌شود (شما بخوانید بلوا و آشوب و درگیری) دنبال نشود. حال اگر کاری کرد که صحنه رقابت‌های سیاسی به صحنه درگیری و آشوب بدل شود (همانطور که متأسفانه در انتخابات ۱۳۸۸ شاهد آن بودیم)، و مردم در برابر مردم قرار گیرند و وزن کشتی و اردو کشتی‌های خیابانی جایگزین وزن کشتی در پای صندوق رأی بدل

شود، انتخابات بخشی از کارکرد خود را از دست داده است!

۳. تبدیل انتخابات به عامل واگرایی و چنددستگی ملت ایران نیز تحرکات جهت‌گیری شده دشمن است که در انتخابات دنبال می‌شود. در این سیاست هر چند ممکن است انتخابات به ظاهر در امنیت کامل برگزار شود، اما امنیت روانی جامعه مختل شده و چنان کری‌خوانی‌های سیاه سیاسی - که معمولاً محصول دوقطبی‌های پرشدت بی‌حاصل است - بر افکار عمومی سایه می‌افکند که قلب‌ها مملو از کدورت شده و کینه‌ها و نفرت‌ها جایگزین عشق‌ها و محبت‌ها شود. به واقع بازی ارزشمند برد - برد انتخاباتی در این معرکه به بازی باخت - باخت تقلیل پیدا کرده است و نه تنها همبستگی اجتماعی تقویت نشده که واگرایی و از هم‌گسیختگی تقویت می‌شود.

فردای انتخابات باید آنچنان شور و حال در جامعه جاری باشد که امید برای تغییر و تحول، حال افکار عمومی را خوب کند، نه آنکه سایه بد اخلاقی‌ها، کام ملت را تلخ کند.